

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لیست ترتیبی خطبه‌های مناسب‌های سال ۱۳۹۸

- ۰۱- خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)- ۲ فروردین ۹۸
- ۰۲- خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)- ۱۲ فروردین ۹۸
- ۰۳- خطبه‌ی عید مبعث و ولادت حضرت نرجس خاتون (س)- ۱۴ فروردین ۹۸
- ۰۴- خطبه‌ی اعیاد شعبانیه- ۲۰ فروردین ۹۸
- ۰۵- خطبه‌ی عید نیمه‌ی شعبان ولادت حضرت قائم (عج)- ۱ اردیبهشت ۹۸
- ۰۶- خطبه‌ی شب اول ماه مبارک رمضان- ۱۵ اردیبهشت ۹۸
- ۰۷- خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)- ۳۰ اردیبهشت ۹۸
- ۰۸- خطبه‌ی شب نوزدهم رمضان شب قدر- ۲ خرداد ۹۸
- ۰۹- خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب بیست و یکم شب قدر- ۴ خرداد ۹۸
- ۱۰- خطبه‌ی شب بیست و سوم رمضان شب قدر- ۶ خرداد ۹۸
- ۱۱- دل نوشته‌ی شب ۲۳ رمضان شب قدر- ۶ خرداد ۹۸
- ۱۲- جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان- ۱۰ خرداد ۹۸
- ۱۳- خطبه‌ی عید فطر- ۱۵ خرداد ۹۸
- ۱۴- خطبه‌ی شهادت امام جعفر صادق (ع)- ۸ تیر ۹۸
- ۱۵- خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع)- ۲۳ تیر ۹۸
- ۱۶- خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع)- ۱۰ مرداد ۹۸
- ۱۷- خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع)- ۱۷ مرداد ۹۸

- ۱۸- خطبه‌ی روز عرفه- ۱۹ مرداد ۹۸
- ۱۹- خطبه‌ی عید قربان- ۲۱ مرداد ۹۸
- ۲۰- خطبه‌ی ولادت امام هادی (ع)- ۲۶ مرداد ۹۸
- ۲۱- خطبه‌ی عید غدیر- ۲۹ مرداد ۹۸
- ۲۲- خطبه‌های محرم و صفر- شهریور و مهر ۹۸
- ۲۳- خطبه‌ی شهادت حضرت رقیه (س)- ۱۲ مهر ۹۸
- ۲۴- خطبه‌ی ولادت امام موسی کاظم (ع)- ۱۴ مهر ۹۸
- ۲۵- خطبه‌ی روز اربعین- ۲۷ مهر ۹۸
- ۲۶- خطبه‌ی رحلت حضرت رسول اکرم (ص) و شهادت امام حسن (ع)- ۵ آبان ۹۸
- ۲۷- خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع)- ۷ آبان ۹۸
- ۲۸- خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع)- ۱۴ آبان ۹۸
- ۲۹- خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج)- ۱۶ آبان ۹۸
- ۳۰- خطبه‌ی ولادت پیامبر (ص) و امام صادق (ع)- ۲۲ آبان ۹۸
- ۳۱- خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع)- ۱۶ آذر ۹۸
- ۳۲- خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)- ۱۱ دی ۹۸
- ۳۳- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت اول- ۱۹ دی ۹۸
- ۳۴- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت دوم- ۹ بهمن ۹۸
- ۳۵- خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س)- ۲۵ بهمن ۹۸
- ۳۶- خطبه‌ی ولادت امام محمد باقر (ع)- ۶ اسفند ۹۸

۳۷- خطبه‌ی شهادت امام هادی (ع) - ۹ اسفند ۹۸

۳۸- خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع) - ۱۵ اسفند ۹۸

۳۹- خطبه‌ی ولادت امیرمؤمنان علی (ع) - ۱۸ اسفند ۹۸

۴۰- خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س) - ۲ اسفند ۹۸

۴۱- خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع) - ۲۶ اسفند ۹۸

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲ فروردین ۹۸

خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)

بار الها چگونه تو را حمد و ستایش کنم و چگونه عظمت و بزرگی جلالت را وصف کنم که خود فرمودی: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ»، پاک و منزّه است خداوند دارای عزت بی‌کران از آنچه وصفش کنند. پس پروردگار من، سید و مولای من، یاریم فرما تا آتش‌فشان قلبم را در قالب کلمات بندگی و عشق به پیشگاه بنده‌نواز و رحمانیتت ابراز کنم. تو به عجز و ناتوانی‌ام آگاهی، یاریم فرما به حق نام‌های مکنونت که در گنجینه‌ات ناپیدا است. پاک و پاکیزه و تابنده و فروزنده و پاینده و بزرگ و عظیم است.

بار خدایا من آغاز می‌کنم حمد و سپاست را تا زبانم گویا شود به ستایش و تمجیدت؛ ای خدایی که به فضلت ستوده نشدی و به عظمت و مجد و بزرگی‌ات مورد ستایش نبودی تو را حمد و شکر و ستایش می‌کنم پی‌درپی و بی‌کران به عددی که تو بر آن آگاهی و درگذر از گناهانم و به فقیری و درماندگی‌ام رحم کن و من یاری می‌طلبم در این مورد از اولیائت مخصوصاً سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که بندگانی را وصف فرمودند که وجودشان برکت آفرینش بود.

سلام مانند آغاز صبحی است که قبل از طلوعش نوید دهنده‌ی برکت انواری است که گرمایش زنده‌کننده‌ی مخلوقات عالم است، حرارتش مطلوب نیازمندان رشد است و سایه‌اش خنک‌کننده‌ی جان‌های پر حرارت، درونش مخفی و ظاهرش نشان از خلقتی مدبرانه، استواری‌اش در عظمت اطاعتش در صفحه‌ی زمان گویای رمز و رازی است که گوش زمان آن را می‌نگارد تا عمر انسان‌ها در پرتوی جانش نگاشته شود؛ عقل‌ها به کاوش جانش در حیرت بماند و پیچیدگی‌اش نامش را معنا کند.

سرور عالمیان بنده در مقام خلیفه را با کلماتی زیبا بیان فرمودند که از هر نظر مطابقت دارد با دختر گرامی‌شان حضرت زینب کبری (س).

حضرت زینب (س) برکت وجود مطهرش زنده کننده‌ی مخلوقات عالم و حرارت مبارزه‌ی حق علیه باطلش مطلوب نیازمندان رشد و استواری در اطاعتش آرامش بخش حق‌مداران و عقل‌ها در شناختش در حیرت که نشان از خلقتی مدبرانه دارد.

در این روز غم و اندوه رحلت حضرت زینب (س) پناه می‌بریم به دامن پر مهرش و از زبان گهربارش در مورد خودش به گوش جان می‌شنویم که فرمودند: از مادر گرامی‌ام کوثر جاری در زمان که همواره برکتی است از جانب خالقِ مُدبر، در زمان آمدن جانم از جان مبارکش نجوایی با پروردگار داشته، سخن می‌گویم:

زمانی که مادر احساس کردند زمان نگاه داشتن امانت الهی به پایان رسیده است دست را بر شکم مبارکش گذاشتند و فرمودند: ای پروردگار آنچه در شکم دارم دختر است و تو به آنچه در شکم دارم آگاه‌تری پس نذر مرا بپذیر همچنان که از مادر مریم صدیق پذیرفتی و او را همواره درختی استوار در رسالت پدر بزرگوام قرار بده تا با دستان ضعیفش رسالتی ملکوتی را حفظ کند.

دعای مادر به اجابت رسید و پیامبر گرامی اسلام مرا ریشه‌ی نبوت خویش خواند، ریشه‌ای که شاخ و برگش تا قیامت بر سر عالم سایه خواهد افکند و هر آن‌کس که به زیر این سایه درآید همان‌گونه که در کتاب آسمانی قرآن فرموده زبانی به او نخواهد رسید و در امنیت در رحمت الهی داخل خواهد شد. پس نام من زنده کننده‌ی انوار حق است.

همچنین مادر گرامی‌شان سرور عالمیان می‌فرمایند: شکر بر آستان با برکت پروردگارم که امانت‌هایی را از جانم باز پس گرفت که همگی به ندای پروردگارش آنگاه که فرمود: چون بندگان من درباره‌ی من از تو بپرسند بگو که من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم، پس به ندای من پاسخ دهند و به من ایمان آورند تا راه راست یابند، راه راستی که انتهایش رحمت بی‌منتهای خالقِ مدبر است و شیرینی زبان زینب (س) آن‌چنان گواراست که زمین و آسمان امانت‌های خویش را به پیشکشی آوردند و پروردگار پذیرفت و فرمود کلامی را در زبان او آفریدم تا آنگاه که تکلم کند، همگان در مقابل تکلمش به تکریم درآیند و اعلام دارند که پروردگارا جز آنچه به ما

آموختی دانش دیگری نداریم پس هرگاه نام پدرم رسول خدا (ص) را بر زبان جاری می‌کرد فرشتگان مقرب در حضورش حاضر می‌شدند تا با زبانش نام رحمت الهی را بشنوند و اسرار نام محمد (ص) را دریابند.

اینک ای مهمانان خانه‌ی نور در این شب غم و اندوه سفارش بسیار گران‌قدری را از امام علی بن موسی‌الرضا (ع) برایتان نقل می‌کنیم که فرمودند: در رحلت عمه‌ام زینب (س) به همه بگویند امام رضا فرمودند: حق شناخت عمه‌ام بر گردن آنانی که حقیقت دین را شناخته‌اند بسیار سنگین است پس قدردان این نعمت بزرگ باشید.

چه می‌کنید با این نعمت و مسئولیت بزرگ؟ شمایی که سال‌هاست در این کوی عشق و معرفت با حقیقت و واقعیت دین به برکت وجود فرزند گرامی امام رضا (ع)، سرور و مولایمان، امام عصر و زمان، ابوالصالح المهدی (عج) آشنا شده‌اید با حقیقت شناخت حضرت زینب (س) و الگو قرار دادن عمل و حق‌مداری ایشان در همه‌ی امور خود.

حال ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس ولی نعمتمان امام زمان (عج) به وجود مبارکشان عرضه می‌داریم:

ای وارث زبان و نطق و بیان عمه‌ی گرامی‌تان حضرت زینب (س) ما را یاری فرمایید همان‌گونه‌ای که پدر بزرگوارتان امام رضا (ع) فرمودند حقیقت وجود ایشان را به درستی بشناسیم و در زندگی‌مان زینب گونه عمل کنیم و زینب گونه حق جو باشیم و زینب گونه منتظر حق که شما هستید باشیم و با زبان زینبی فریاد کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۲ فروردین ۹۸

خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)

بار الها، آخرین روزهای ماه رجب است. ماه توست، ماهی که درهای رحمت و بخشش بازتر و جود و کرمت بر بندگان جاری‌تر است و من در این شب به درگاه کریمت پناه آورده‌ام و نگران از اینکه تا کنون توبه‌ام را نپذیرفته باشی پس با مناجاتی از مولایم امام سجاد (ع) با چشمی اشک‌بار و شرمنده و پشیمان و با امید و آرزوی بسیار به تمنا ناله می‌کنم که:

معبود من گناهانم لباس خواری و بیچارگی بر من پوشانده و قلبم را بزرگی گناهانم مرده ساخته پس توبه‌ام را بپذیر تا به فضلت زنده شوم. من به عفو و قبولی بازگشتم فقط به کرمت امید بستم، اگر برانی به چه کسی پناه برم. پس رحم کن بر شرمندگی و رسوایی و حسرت و اندوهم از بدی کردارم. معبود من محروم نکن از آن زیبایی چشم‌پوشی و پرده‌پوشی‌ات. ای جوش دهنده‌ی استخوان شکسته، ای خدایی که در رحمتت را به نام توبه به روی بندگان گشودی، من به آستان با جود و کرمت در آخرین شب‌های ماهت متوسل شدم. قبول کن توبه و دعایم را و نا امیدم نکن ای پروردگار کریم.

بله در این روزها که مقارن با نزول قرآن کریم و بعثت رسول اکرم خاتم‌النبیین، تاج انبیاء حضرت محمد (ص) است باید که از این گنجینه‌ی بی‌نظیر الهی بهره‌مند شویم و با تفکر و تعقل در آیات کریمه‌اش راه سعادت و رستگاری را با اطاعت و عبادت و توبه طی کنیم. همان‌گونه‌ای که امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند:

خداوند در قرآن کریم به شما گفت که چه اعمالی را می‌پسندد و از چه اعمالی متنفر است و این دو را به وضوح بیان فرمود که یکی را مورد پیروی قرار دهید و از دیگری پرهیز کنید که خداوند آن کس را می‌آمرزد که می‌تواند هواهای نفسانی را از درون خود دور کند. به فرموده‌ی رسول‌الله (ص) بهشت از راه دشواری‌ها به دست می‌آید و جهنم از شهوات نصیب گناهکار می‌گردد و هیچ طاعتی وجود ندارد که بدون دشواری

باشد. اطاعت نکردن از دستور خدا توأم با شهوات و لذات نتیجه‌ی آن جهنم است و ای بندگان خدا بدانید ما اهل بیت و آل رسول الله (ص) جامه‌ی تن پیامبر و از اصحاب و خزانه داران و درهای او هستیم و کسانی که بخواهند وارد خانه‌ای بشوند باید از در آن وارد شوند و آن که در صدد بر می‌آید از راهی غیر از در وارد خانه شود نامش سارق است. آیات کریمه‌ی قرآن مربوط به آنان است و آن‌ها گنج‌های خدا هستند و هنگامی که لب به سخن می‌گشایند راست می‌گویند و زمانی که سکوت می‌کنند کسی در گفتار حق بر آن‌ها پیشی نمی‌گیرد.

پس ما نیز با توسل و سرمشق قرار دادن راه و رسم بندگی آنان که همان دستورات خداوند در قرآن کریم است خود را نجات داده و خشنودی الهی را کسب می‌کنیم.

اینک در این خانه‌ی مقدس حضور پیدا کردیم به سوگ شهادت یکی از این گهران بی‌نظیر خداوند عزاداری کنیم که ایشان عبد صالح، کاظم، باب الحوائج امام موسی بن جعفر (ع) هستند که زندگی‌شان از دو بخش تشکیل شده، ۲۰ سال قبل از امامت و ۳۵ سال دوران امامتشان که مصادف بوده با طاغوت‌هایی به نام خلفای عباسی، منصور دوانقی، مهدی و هادی عباسی و هارون الرشید که امام در زمان این ملعون سال‌ها در زندان‌های متعددی به سر بردند. ویژگی‌های امام کاظم (ع) نشان دهنده‌ی مسئولیت بزرگی است که ایشان به خوبی اجرا کردند. چون در زمان امام صادق (ع) و امام موسی کاظم (ع) شبهاتی را که در امر امامت، دشمنان و عوام به وجود آورده بودند را رفع فرمودند که آن با درگذشت اسماعیل بن جعفر فرزند بزرگ امام صادق (ع) به وجود آمده بود و برخی از مسلمانان منحرف شده و می‌پنداشتند که اسماعیل از دنیا نرفته بلکه از انظار مخفی شده است در نتیجه فرقه‌ی انحرافی اسماعیلیه را تشکیل نمودند که هنوز نیز دارای طرفدارانی است.

امام موسی کاظم (ع) جنبش مکتبی شیعه را ایجاد فرمود که تا دستگاه هارون الرشید نیز رخنه کرد و هارون ملعون پس از زندانی کردن‌های طولانی امام موسی کاظم (ع) عاقبت ایشان را در زندان به شهادت رساند. لعنت الله علی قوم الظالمین.

می‌بینیم این غافلان به خاطر قدرت و زندگی ننگین کوتاه دنیایی خود دست به چه جنایاتی زدند و لعنت و غضب ابدی خداوند را به جان ذلیلشان خریدند.

واحیرتا از کسانی که همان راه را رفته و می‌روند مخصوصاً در عصر حاضر با حیل‌های مختلف سعی زیادی در فریب مردمی که اسیر نفس بوده و درکشان در دایره‌ی نفس و چشمانشان گردش می‌کند، دارند ولی همگی باید بدانند که دین اسلام و قرآن کریم از آن خداوند است و محافظتش را خود به عهده گرفته در نتیجه بزرگی و شکوفایی‌اش هر روز بیشتر شده و آنانی که درک و علمشان در عقلشان قرار دارد به خوبی آن را می‌فهمند اگر چه ظاهرش را منحرفان و مغرضان طرز دیگری نشان می‌دهند.

برای آگاهی بیشتر روایت زیبایی از امام رئوف امام علی بن موسی‌الرضا (ع) را نقل می‌کنیم که در آن تلاش مذبوحانه و بی‌ثمر وهابیان و دشمنان اسلام و اهل‌بیت و منافقان را بهتر می‌توان درک کرد و سفارشی نیز در عمل درست به شیعیان است که فرمودند:

مکان‌ها همواره در تاخت و تاز سلاطین زمان از صورت اصلی به ظاهری که اراده‌ی آنهاست تغییر شکل می‌دهد و این تغییرات در چشم آنانی که توان درک اصل را ندارند قابل توجه است درحالی‌که پیامبر (ص) تا ابد خاتم‌النبین و مسجد پیامبر در مدینه محل نزول آیات کریمه است زیرا بزرگی نزول جاودانه است و پسر مهدی (عج) آخرین وصی پیامبر که عالم از وجود مطهرش جان می‌گیرد. مهمانان خانه‌اش باید نعمت زمان را بشناسند و از حوض کوثر سیراب شوند و چون پروردگار حقیقت دین را در شناخت کتابش قرار داد پس اطاعت از قرآن کریم افضل اعمال است که اهل‌بیت را با آن می‌توان زیارت نمود.

اینک در این شب حزن و اندوه ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس مولا و سرورمان، ولی‌نعمت و امامان ابوالصالح‌المهدی (عج) به مناسبت شهادت پدر بزرگوارشان امام موسی کاظم (ع) به وجود مبارکشان ابراز می‌داریم:

مولای ما در عصر حاضر منافقان و معاندان سعی در کم‌رنگ کردن حضور و بزرگی شأن و مقام شما را در جامعه دارند لذا عملکردشان قلب ما منتظران را آزرده کرده است. به تمنا از وجود مقدستان می‌خواهیم که مکر و حيله‌شان را به خودشان برگردانید و رسوایشان کنید. ما در این روز به تسکین دل سوخته‌مان فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید مبعث و ولادت حضرت نرجس خاتون (س) ۱۴ فروردین ۹۸

سلام بر آفریدگار زمان، خالق‌ی که اراده فرمود تا جهان را از نوری افزون بر نور دیگر بهره‌مند سازد، پس سینه‌ی برگزیده‌ی خویش را آماده‌ی دریافت معجزه‌ای نمود که خود نامش را انتخاب فرموده و دستور به خواندنش را صادر فرمود. بخوان به نام پروردگارت که خلق کرد انسان را از خون بسته. خونی که میراث دار تمام معجزات الهی است. بخوان، آنچه در سینه داری را بر زبان بیاور تا امت‌ها در پیشگاهت حاضر شوند و گواهی دهند که تو پیامبر آخر الزمان هستی. خوانده شدگان به محضرش رسیدند. حضرت آدم (س) فرزندش را در آغوش گرفت و فرمود:

اینک انتظارم پایان یافت و من آخرین نام را به فرشتگان عرضه کردم. آنان با شنیدن نامت به سجده درآمدند تا به همگان اعلام دارند جز آنچه پروردگارشان به آنان بیاموزد دانش دیگری ندارند. حضرت یعقوب (س) پیش آمد؛ ای فرزند بهترین خلق خدا، سال‌ها در رسالتم به جانشینم اندیشیدم که چگونه میراث‌بر خاندان من خواهد بود، اینک فرزندم را در آغوش می‌گیرم تا انتظار معنای خویش را گم کند.

همگان به ضیافت قرآن کریم خوانده شده‌اند. کتاب‌های آسمانی ندایی را زمزمه می‌کنند. اینک ام‌الکتاب آمد تا مادر معجزات الهی شود. مبعث زنده کننده‌ی تمام ادیان الهی است. ادیانی که همواره منتظر آخرین فرمان بودند. آخرین جمعه‌ی ماه رجب منتظر است تا بار دیگر قلب زمان گشوده شود و معجزه‌ی دیگری به انتظارها پایان دهد. تاج رسالت در جهان نورافشانی کند. باطل‌ها از بین برود و آخرین فرمان الهی در زمان جاری شود. «بَقِیَّةُ اللّٰهِ خَیْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِیْنَ» جمالش ظاهر شود تا همگان معجزات تمام پیامبران را در ندایش بشنوند که می‌فرماید: منم آن وعده‌ی شیرین قرآن کریم، پس به سویم بشتابید تا امانت جانتان را در بزرگی‌اش مشاهده کنید. برای فرج این امانت الهی فریاد کنید:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی اعیاد شعبانیه

۲۰ فروردین ۹۸

حمد و سپاس پروردگار رؤف و رحیم را سزااست که آغوش پرمهرش تنها آمال و آرزوی بندگان مخلص بوده و جدایی از آن غم سنگین آنان، این غم آتش درونشان را شعله‌ور کرده و با مناجات‌هایی که حرارتش آفرینش را به فغان آورده آن را ابراز کردند و خداوند سبحان آنان را برای رسیدن به وصال خود یاری فرموده پس شکر بر برکاتی که پروردگار عالم فرمود: آنگاه که شمع وجود حق در عالم بیفروزد منادیان بر کرسی زمین و آسمان ندایی را زمزمه کنند که ای جان عالم زمزمه‌ای را که در جانت به ودیعه داری را با زبان حق فریاد کن تا پویندگانش آن را مانند شرابی گوارا بر جانشان بچشانند تا سینه‌هایشان از عطر آن به سخن درآید و اعلام کند: ای پروردگارم آن زمان که فرمان دادی از دامن پرمهرت جدا شویم به حلقه‌ی اشکی دامن پر جلالت را گرفتیم و به کوچکی و خواری خویش معترف گشتیم پس عرشیان به گدازه‌های این عشق بر ما گریستند و جان عالم در پوسته‌ی خویش نگنجید پس در لرزش‌های سخت کوه‌ها را در هم پیچید و دریاها را به خروش آورد. ماه و خورشید به تمنا به سجده درآمدند، ای خالق حیات بر خلیفه‌ی ما نظری کن تا عالم در هم نیچد و جهان متلاشی نگردد آنگاه نوری بر سیاهی جهل فرود آمد و نام خلیفه را از ظلمت جهل به نوری پرفروغ از پروردگار عالم بیفروخت و حیات در هدایت پیامبران زنده گشت.

چه زیبا سرور عالمیان، کوثر الهی حضرت زهرای مرضیه (س) بی‌تابی خلیفه در هجران پروردگارش را در غربت زمین توصیف کردند که ما آن را در عمل و گفتار خود ایشان و پدر گرامی‌شان حضرت محمد (ص) و امیر مؤمنان علی (ع) و فرزندان‌شان به عینه مشاهده کردیم.

امشب به میلاد دو تن از ایشان امام اباعبدالله الحسین (ع) و امام زین‌العابدین حضرت سجاد (ع) در این کوی عشقِ فرزندشان دور هم جمع شدیم که این عشق آتشین را هزار و اندی سال است از دعای عرفه و حماسه‌ی کربلای امام حسین (ع) و

صحیفه‌ی سجادی‌هی امام سجاد (ع) عاشقان خواندند و شنیدند و با آن عشق و بندگی‌شان را به پیشگاه الهی ابراز نمودند و در فرازی از دعای عرفه‌ی امام حسین (ع) که ایشان چنین آتش عشق پروردگار را بیان فرمودند که: ای مولایم تویی که منت نهادی، نعمت دادی، احسانم کردی، روزی‌ام دادی، گرامیم داشتی، تویی که مرا آمرزیدی، یاریم کردی، تأییدم نمودی، عزیزم داشتی، شفایم بخشیدی، پرده‌ام پوشاندی. پروردگارا این است ثنای من بر تو برای تمجید و اقرار توحید با اخلاص و ذکر مهربانی‌ات بر من به قدری فراوان‌اند و آشکارند و از قدیم تا به حال که از شمارش بیرون‌اند و امام سجاد (ع) در مناجاتی چنین ابراز می‌دارند که: بار الها مناجاتم از کرم بشنو و دعایم مستجاب فرما، روزهای عمرم را با بی‌حاصلی به پایان مبر. دست رد به سینه‌ام نزن و مرا در جوار رحمت منزل ده. بار الها مجد و عظمت تو والاتر از آن است که کسی به ذاتش پی ببرد و احسانت افزون‌تر از آن است که کسی توان شکر گزاری بر کمترین آن داشته باشد.

پس در این روز میلاد باید بر آنان سلام کرد، سلامی از روی ارادت و اخلاص و مودت. سلام بر شما، گواهی می‌دهم که همانا روان‌های شما و نورتان و سرشتتان یکی است. همگی پاک و پاکیزه است. خداوند شما را به صورت نورهایی آفرید که گرداگرد عرش خود قرارتان داد تا آنگاه که با آوردنتان در این جهان بر ما منت گذارد و برگزید شما را برای نور خود و تأیید کرد شما را به روح خود و پسندید شما را برای جانشینی در زمینش تا که حجت‌هایی باشید بر مخلوقاتش.

شادی و سرور امشب ما به واسطه‌ی میلاد یکی دیگر از اهل بیت افزون است. این گهر نایاب اسوه‌ی شجاعت و رشادت و علم و معرفت و ادب و وفاداری حضرت ابوالفضل‌العباس (ع)، قمر منیر بنی‌هاشم است که صداقت و عشق و اخلاص را در بندگی پروردگار و بیعت امام عصر خود در تاریخ تا قیامت به نام ابوالفضل‌العباس ثبت نمود.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس مولا و سرورمان، آخرین گنجینه و وارث همه‌ی حسنات اهل‌بیت پیامبرمان، امام عصر و زمان اب‌صالح المهدی (عج) به وجود مبارکشان ابراز می‌داریم:

مولای ما دست نیازمان را به تمنا به درگاه پروردگارمان بلند می‌کنیم تا اراده‌اش آشکار گردد و حق جاودان شود و باطل برای همیشه افسانه‌ی دهر و این ممکن نیست مگر به واسطه‌ی وجود مقدستان پس شما را می‌خوانیم برای تمام زمان‌ها تا قیامت.

اللهم عجل لولیک الفرّج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱ اردیبهشت ۹۸

خطبه‌ی ولادت حضرت مهدی (عج)

سلام بر ساعاتی که پروردگار عالم امر فرمود همگان بر سر پیمانی ملکوتی حاضر شوند. حرکت آغاز گردید. شتاب برای «قالو بلی» در جان‌ها به جریان افتاد. این چه دعوتیست که قلوب جان را در سینه‌ها بی‌تاب کرده، مهمانی آغاز می‌شود؛ ندایی در جان‌ها می‌پیچد، آیا من پروردگارتان هستم؟ چه سؤال پیچیده و زیبایی. ابراز عشقی مطهر به خالقی یگانه. این چه حرارتی است که در جان‌ها شعله‌ور است. زبانی در کام‌ها وجود ندارد. چه کسی سخن می‌گوید؟ این ندا از کجا بر می‌خیزد؟ با کدام مهر به ثبت می‌رسد؟ چه جشن باشکوهی. فرشتگان صف در صف در نظاره هستند. آفرینش به تحسین این پاسخ در مستی خاصی قرار گرفته. معمای «قالو بلی» در کدام قسمت این وجود پیچیده است. او با تعهدنامه‌اش به دنیا می‌آید. در آن زمان مرد و زنی مطرح نبوده، همگان نوری واحد بودند. آمده تا نشانی‌اش را بیابد. آدرسی در دست دارد. پروردگارش امر فرموده تا با برگزیدگانش به دنبال این تعهدنامه برود. به ندای پیامبرش پاسخ می‌دهد. تسلیم حق می‌گردد. هنوز شعله‌ی «قالو بلی» را در سینه‌اش احساس نکرده. در نماز به دنبالش می‌رود. نمی‌تواند آن را بیابد. در واجبات سعی می‌کند نمی‌تواند از حجاب دنیا خارج شود. این شعله در جانش او را به هجرانی سخت مبتلا نموده. با کدام عمل قادر است تا به سؤالی که درونش از او می‌پرسد پاسخ دهد. تو کی هستی. تو پروردگارت را ملاقات نموده‌ای. در حرارت پاسخ خویش نامت آشکار گردیده. وای بر ما. چرا کتاب آسمانی می‌فرماید آدمی نسبت به پروردگارش ناسپاس است. ناسپاسی از نعمتی که برایش مهیا گردیده. او را به لقای خالقش می‌خوانند. این بار به قلبی مادی مراجعه می‌کند. نمی‌تواند رها شود. تعهدهای بسیاری دارد. مالش، فرزندش، ثروتی که اندوخته. روز و شبی که به آن خو گرفته. با حرارت و عشق به دنیا می‌خواهد پاسخ دهد. زبانش با کلمات بازی می‌کند. پروردگاری را نمی‌یابد. در درونی گم می‌شود که بسیار کوچک است. اول و آخرش صبح و شب یک روز است. با طلوع بیدار می‌شود و با غروب می‌خوابد. عمری که در پراتنز

تعهدی زیبا می‌گذرد تا مجدداً به جایگاهش بازگردد درحالی‌که باری سنگین بر دوش دارد.

امروز نیمه‌ی شعبان است. او در تعهدنامه‌اش این روز باشکوه را به خاطر نمی‌آورد. درحالی‌که تمام فرامین خالقش را اطاعت نموده. ضربان حیاتش با انتظاری زیبا شروع شده. او اولین بار در رحم مادرش نامش را آموخته است. هر بار تکه‌ای از جان‌ش شکل گرفته با بیانی شیرین ابراز کرده است مولای من، می‌آیم تا از آغاز زندگی‌ام اللهم عجل را بیاموزم؛ زیرا مرا در زمان امامت پذیرفته‌ای. من در «قالو بلی» چهره‌ات را دیده‌ام؛ زیرا پروردگارم از حق سخن گفت و من حق را پذیرفتم. از الست تا قیامت زمان عاشق و لوی خویش شد تا آفرینش به فرمانش درآید و فرشتگان به خدمتش افتخار کنند و منتظران به مدال حق مزین شوند. چه روزیست که بار دیگر «قالو بلی» در جان‌ها به جریان می‌افتد. اشک‌ها از دیده‌ها روان می‌شود. این ضربان قلب از کجا تو را می‌شناسد. «وای بر من» این چه اسراری است در جانم که مرا به آتش می‌کشد. درحالی‌که زمان‌ها گذشته است و چهره‌ی ملکوتی‌ات به کسی آشکار نگردیده. اسرارش را اینک یافته‌ام. همان اشکی بود که در پاسخ پروردگارم از دیده‌ی الستی‌ام جاری شد. گریستم تا عشق را دریابم. پس قلبم ضربان خویش را در رحم مادرم با نامت آغاز کرد. من به دنیا می‌آیم تا به تعهدم در قالب انتظار لباس عمل بپوشانم. مرا دریاب. ای بهترین متاعی که کتاب آسمانی فرمود آنچه برایتان باقی گذاشتم بهترین است. امروز به مجلسی آمده‌ام که با قلبم صحبت کرده‌اید. ممنونم. چگونه توان شکر دارم. مددم کنید خود را بیابم. من چگونه «بازگردم» درحالی‌که «کلید» برزخم شما هستید. پس با همان ندایی که در شکم مادر آموخته‌ام شما را می‌خوانم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۵ اردیبهشت ۹۸

خطبه‌ی شب اول رمضان

حمد می‌کنیم خداوند را به اسماءِ حسنا و متبرک و مکنونش، فزون‌تر از حساب، فراتر از اندیشه و حمد و ستایش شایسته‌ی اوست و همه‌ی قرآن و دستوراتش از حکمت بالغه و رحمت واسعه و لطف و مهربانی کامله به بندگانش نشئت گرفته که خود فرمود: خدا برای شما خواستار آسایش است نه سختی.

حال که می‌رویم آغاز کنیم ماه خیر و برکت، ماه نور و روشنایی، ماه نعمت و رحمت، ماه توبه و آمرزش، ماه پر فضیلت رمضان را؛ پس آماده کنیم روح و جسم و جان را تا غوطه‌ور شویم در اقیانوس بی‌کران عفو و بخشش و بنده‌نوازی پروردگار کریم تا در آخر این ماه از همه‌ی بدی‌ها و گناه‌ها و خطاها پاک شده، از آن خارج شویم.

پس سلام بر رمضان، ماه جداکننده‌ی حق و باطل، پاک و ناپاک، کفر و ایمان و سلام بر آینه‌ی خلقت، آینه‌ای که مخلوقات عالم را در دیدگاه حق و باطل از یکدیگر جدا کرد تا راه‌یافتگان جانشان را در مدار حق از عذاب الهی برهانند و اعلام دارند ما آنچه در «قالو بلی» یافتیم ثروتی بود تمام نشدنی پس یاری‌مان فرما جانی را که در مدار حق آفریدی از باطلی برهانیم که همواره به دنبالش در حرکت است تا در ندایی همگان را با این کلام بیازماید، بخورید و بیاشامید و از اسراف‌کاران نباشید. آنانی که نعمت خویش را در بازار دنیا به فروش رساندند و آنچه دریافت کردند بهایی ناچیز بود.

بله چه زیبا فرمودند سرور عالمیان حضرت زهرا (س) و مصداق است بر آنانی که راه یافتند و در این ماه جانشان را در مدار حق از عذاب الهی می‌رهانند و افسوس بر آنانی که در ماه خیر و برکت نعمت خویش را که همانا بخشش و رحمت الهی است به بهای خورد و خوراکی ناچیز در بازار دنیا به فروش می‌رسانند.

از فضیلت‌های بزرگ این ماه نزول قرآن کریم در شب قدر است که خداوند رحمان در قرآن چنین فرمود: ماه رمضان که در آن برای راهنمایی مردم و بیان راه روشن هدایت

و جداسازی حق از باطل، قرآن نازل شده است و در این مورد بهره می‌گیریم و این خطبه را مزین می‌کنیم به فرموده‌ی سرور و مولایمان، سلامتی سحرگاه شب قدر، عصاره‌ی نبوت، امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) که فرمودند:

به نام آفریننده‌ای که آغاز و پایان هر جنبنده‌ای به دست اقتدارش می‌باشد پس هستی در لوح محفوظ نشان از عظمتی دارد که یکی از آن نشانه‌ها شب قدر است. انا انزلناه فی لیلة القدر. لیلی بدون قرینه، شبی بی‌مانند در رحمت و اسعه‌ی پروردگار. چه کسی جز قلب نازنین پیامبر (ص) نشانه‌ی این قدرت بی‌همتاست؟ فرستاده می‌آید. ای محمد (ص) امت خویش را بر سفره‌ی قدر بنشان تا از انوار قرآن کریم راهی هزار ماهه روند پس ای آفریننده‌ی زمین و آسمان تو را سپاس بر رحمتی که همواره بر جان بندگان خویش چونان بارانی به وقت می‌باری تا گل خشکیده‌ی آنان را به بوستانی سرسبز بدل نمایی.

اینک در این شب آغاز می‌کنیم تلاوت قرآن کریم را که در همه‌ی روزها و شب‌های ماه مبارک در این خانه‌ی مقدس قرائت خواهد شد. باید که در آیات کریمه‌ی آن خوب اندیشه کنیم و آیه به آیه‌ی آن را در روح و جانمان وارد کرده و به آن عمل کنیم چون قرآن فقط قرائت نیست بلکه حقیقتی مجسم و جاریست، باید که آن را درک کنیم.

همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان فرمودند: تلاوت کننده‌ی قرآن کریم در قلبش خانه‌ای دارد که خوبی‌ها و زشتی‌ها، کفرها و سرکشی‌ها و عقاب‌ها و بخشش‌ها در آن ذخیره می‌شود تا در قیامت کتابی نوشته شده بیرون آید پس نعمت‌های پروردگار در قالب معجزه به میدان آمده تا حیات جاودان را به تصویر کشد. کتابی که هر صفحه و خط آن عالمی از احساس‌ها و توبه‌ها و عقاب‌ها را در کتاب جان‌ها می‌نگارد و صفحه به صفحه مردمان عصرها را با احساس‌هایشان به میدان می‌آورد تا جان تلاوت کننده‌اش شود گنجینه‌ی اسرارها.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها به ما توفیق ده تا در این زمانه‌ی پر از فتنه و فساد و کفر و عناد که اکثریت مردم، مؤمنان را مورد تهاجم و تمسخر قرار می‌دهند با آرامش ماه مبارک را روزه گرفته و دست پُر این ماه را تمام کنیم.

بار الها قلب‌هایمان به واسطه‌ی بی‌حیایی و جرئت گناه در این جامعه به درد آمده در فرج مولایمان امام عصر تعجیل بفرما.

بار الها به ما یاری فرما که شب‌های این ماه را به عبادت و روزه‌های آن را به اطاعت و روزه‌داری تمام کنیم.

بار الها وعده فرمودی دعای بندگان را در این ماه اجابت می‌کنید پس دعای ما را که به فریاد می‌خوانیم مستجاب بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳۰ اردیبهشت ۹۸

خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)

بار الها، معبود من ایمان و یقین دارم که همه‌ی امورم به دست توانا و مقتدر توست و بر این باور به پیشگاهت با قلبی آکنده از شوق برای هر ترسی **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و برای هر اندوه و غمی **مَا شَاءَ اللَّهُ** و هر نعمتی **أَلْحَمْدُ لِلَّهِ** و هر لطفی **شُكْرًا لِلَّهِ** و برای گناهانم **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ** و برای هر قضا و قدر **تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ** و برای هر دشمنی **إِعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ** و برای هر طاعت و مصیبتی **لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ** گفته و قلبم به واسطه‌ی آن آرام و مطمئن می‌شود.

پس سلام بر لحظه‌ای که پروردگار فرمان داد ای بندگانم از من بترسید زیرا من بخشنده و سخت عقاب هستم با این فرمان عشق حرارتش را ظاهر نمود. حرارتی در قلب‌ها متمرکز شد که گویای خوف و رجایی شیرین بود. حکایت‌ها آغاز گردید و نجواها شکل گرفت و زبان‌های مخفی در جان گویا شد. نطقی زیبا به سخن درآمد: یا رب چگونه مخلوقی را عقاب می‌فرمایی که توان گفتن احساسش را ندارد و قادر به ستودن خالق نیست که آفریننده‌ی هر جنبنده‌ای است. پس او را می‌بخشی که در ابراز هر کلمه‌ای کلمه‌ی دیگری بر آن سبقت دارد. وصف حالی که زبانش هزاران معمای پیچیده را در غیب جانش به ودیعه دارد، معمایی که قادر به گشودن کلید رحمت است پس شکر به آستان خداوندی که همواره با بندگانش مهربان است.

بله با این فرموده‌ی زیبای سرور عالمیان کوثر بی‌همتای الهی حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) درمی‌یابیم که عارفان و عالمان نیز از ستایش پروردگار عاجز هستند ولی خداوند کریم از سر رحمت حمد و ثنای بندگانش را می‌پذیرد چون هر نعمت و شکر هزاران شکر را در بردارد.

کز عهده‌ی شکرش به درآید

از دست و زبان که برآید

مناجات‌ها و دعا‌های عاشقانه و عارفانه‌ی پر از سوز و گداز امامان نیز بر این پایه قرار دارد که ما امشب به شادمانی میلاد یکی از ایشان یعنی امام حسن مجتبی (ع) در این کوی عشق حضور داریم و ما هر چه از کرامات و فضائل ایشان بگوییم باز کم است که ایشان خود فرمودند: من پسر پیامبر و علی و فاطمه هستم. من شعله‌ای از چراغ فروزان نبوت، خانواده‌ای که خداوند ناپاکی و آلودگی را از ایشان دور ساخته است و امیر مؤمنان علی (ع) به امام حسن (ع) چنین فرمودند که تو جان شیرین رسول خدا (ص) هستی، جانی که همواره بر سینه‌ی مبارکشان می‌فشرد و می‌فرمود علی آیا به اندازه‌ی من حسن را دوست می‌داری و من می‌گفتم من هرگز از شما در هیچ امری پیشی نگرفته‌ام و پیامبر (ص) پاسخ می‌دادند تو جانشین رسالت پروردگار هستی و فرزندان نیز به همین لقب مزین هستند. تاج رسالت تا ابد به خاندان تو مزین است پس مرا در فراق آخرین جانشینم مدد کن تا چهره‌ی منورش را که بنام فرزندم حسن ملقب است را به همگان معرفی کنم زیرا فرزندم حسن در امامتش به انکار اُتمم به شهادت خواهد رسید و آخرین فرزندم به انکار امامتش در پرده‌ی غیب خواهد رفت و امت آخرالزمان نامش را دوست خواهند داشت و امامتش را در باطن جان نخواهند پذیرفت زیرا بر تنهایی‌اش می‌نالند و از اطاعتش همانند یاران حسن می‌گریزند.

در ادامه مولا امیر مؤمنان سر فرزند گرامی‌شان امام حسن (ع) را به سینه‌ی مبارک خود می‌فشارند و می‌فرمایند: شما در کودکی درحالی‌که چشمان زیبایتان به دنبال طعام در حدقه‌ی خود قرار نداشت غذای خویش را انفاق کردید تا عشق به فرمان پروردگار برای ابد در جان‌ها طنین‌انداز شود. هم‌چنین هر ساله در چنین شبی در نیمه‌ی ماه رمضان در مدینه مخصوصاً در منزل پیامبر (ص) جشنی برپا می‌شد و ایشان همه را به افطاری مهمان می‌نمودند و نوه‌ی عزیز خود امام حسن (ع) را بر روی زانوان مبارک خود می‌نشاندند و هر کس که از در وارد می‌شد برایشان آیه‌ی کریمه‌ی مودت به اهل‌بیت را تلاوت می‌فرمودند.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تهنیت و تبریک به ساحت مبارک مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) ابراز می‌داریم:

مولا ما را یاری فرمایید جزء امتی باشیم که اطاعت از دستورات شما را چون حیات دانستند و با جان و مال و فرزند و همه‌ی داشته‌های خود قیام کنیم و برای برآورده شدنش فریاد کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲ خرداد ۹۸

خطبه‌ی شب ۱۹ رمضان شب قدر

سلام بر قدر، شبی که زبان‌های در کام مانده را از تمام آفریده‌ها به سخن در می‌آورد و این زبان محراب امیر مؤمنان است.

امشب در دلم غوغایی است. افسوس زبانی برای فریاد ندارم. نامم محراب علی بی‌ابی‌طالب است. اعتبارم را از نام یداللهی‌اش گرفته‌ام. بعد از قرن‌ها اجازه داده‌اند تا زبان خاک محراب گشوده شود پس ای منتظران چگونه توان شنیدن فریادم را دارید. شما زبان دلی دارید که زمان آن را می‌نگارد و من زبان دلی دارم که امشب به سخن درآمده، می‌خواهد غم دوران‌ها را که یا علی گفته‌اند ولی چهره‌ی حیدر را ندیده‌اند را به کلماتی بدل کنم که شنوندگان قادر به شنیدنش شوند پس دل‌هایتان را به محراب نزدیک کنید، صدایش را می‌شنوید.

فرشتگان قدر آمده‌اند تا از سجاده‌ی مولایشان بوی ملکوت را درک کنند. ملکوتی که از آن آمده‌اند ولی توان بردن دلی را ندارند که بارگاه جبروتی خالقش در سینه‌ای جا گرفته که صدای یا رب، یا ربش خاک مرا به هزار گلستان ابراهیمی بدل نموده. وای بر طلوع فجر که خاکم به خون فرقش گلگون می‌شود. او را از کنارم می‌برند. به دنبالشان می‌نگرم. چگونه جانم را از من جدا کردند. حرارتم خاموش شد. همگان برای زیارت آمدند. محراب امیر مؤمنان را زیارت کردند. من تماشایشان کردم. چگونه توان درک نماز مولایم را دارید. او سرش را بر خاک من می‌گذاشت تا شاهدی باشم از حرارت عشقش؛ پس محراب علی با هیچ ذکر و دعایی زنده نمی‌شود. او صاحبش را می‌طلبد. امشب مهمانی دارم که بوی علی می‌دهد. با دست مهربانش دلم آرام شده هر بار به دیدارم می‌آید جمالش جانم را زنده می‌کند. نامش زنده کننده‌ی زمان‌ها و دوران‌هاست. محبتش گدایان را بر مکانی مهمان می‌کند که نامش زینت مسجد کوفه است. اینک آمده‌اید تا در این مکان قدر را بشناسید.

رمضان در غیب نامش قدر را مخفی نموده تا هزاران تشنه از آب و طعام را بر سر سبیل جامی مهمان کند که یک جرعه از آن همگان را از آب و طعام بی‌نیاز می‌کند. امشب نیازمندان به آن جرعه یا رب، یا رب آغاز نموده‌اند. رمضان‌شان در جان‌های گداخته از حرارت خالقشان رو به اتمام است.

دقایق قدر عقربه‌ای دارد که الست را به زمان عمر انسان‌ها گره می‌زند. حرفت را بزن، تو شنونده‌ای داری که طبق فرموده‌ی کلامش نجواها را می‌شنود. چه می‌خواهی؟ مزد روزه و نمازت را؟ امشب نمی‌پردازند. امشب راز دیگری دارد. خوب گوش کن. به دنبالت آمده‌اند بیا برویم. زمین جز چند صبحی تو را مهمان نمی‌کند. جایگاهت ملکوتی است که از آن آمده‌ای. دستت را به فرشتگان قدر بده تا به دلت حکایت شیرین وصل را بیاموزند. دلی که سفره‌اش جز به نیاز دنیای کوچکش باز نمی‌شود. از رنج‌هایش می‌گوید. صبور باش تو را برای آزمودن به زمین فرستاده‌اند. تو خلیفه‌ای، ثروت بهای همه‌ی ملکوت‌هاست؛ پس چگونه برای فقرت می‌نالی. این خواسته‌ها عمرت را به بازی می‌گیرد و تو در پرانتز نیازهای جانت از سفره‌ی احسان باز می‌مانی. ثروت در گنجینه‌ی جانت نهفته، او را از صندوقچه‌اش خارج کن تا فریاد کنی یا رب من از دنیایی که به آن مهاجرت کرده‌ام بی‌نیازم زیرا طمع جایگاهی را دارم که امشب برایم آماده نموده‌ای و به رسالت فرمان داده‌ای که امت خویش را بر سر سفره‌ی قدر بنشان. من هم به همان نشانی آمده‌ام پس مولایم را می‌خوانم. الهی به علی، الهی به علی.

به من که امامم را برای شفاعت آورده‌ام رحم کن تا در کنار جاء الحق فرق کفر جانم را بشکافم تا با نام مبارکش رستگار شوم. او را می‌خوانم به فرجی که طلوع امشب نوید آن را داده. فرشتگان که حامل بزرگ‌ترین نشانه‌ی خلقت خواهند بود تا به همگان مژده دهند که انتظار منتظران تمام شد و فجر دمید. او آمد تا در چشمان یداللهی‌اش انوار حق، عالم را از تباهی و سیاهی برهاند. او را بخوانید تا فجرتان امضا شود.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۴ خرداد ۹۸

سلام بر شبی که نامش غربت است. حکایتش جان عالم را به سخن در می‌آورد. می‌خواهد از شب قدری بگوید که در خود گوهری را پنهان نمود. فرشتگان قدر بر بالینی حاضر شده‌اند که صدایش آرام آرام به سکوتی ابدی تبدیل می‌شود.

(مولا زمزمه می‌کند): یا رب، مقدرات علی را چه زیبا نگاشتی. همگان مزدهی سحر امشب را در وعده‌ات می‌جویند و من در دیدارت، (با این آخرین توشه می‌آیم).

وای بر زمینی که از یا رب یا ربش جدا می‌شود. او را به سرزمینی می‌آورند که توان نگهداری این گنجینه‌ی الهی را دارد.

شب دوم قدر است، ساعاتش غمگین‌ترین لحظه‌ها را می‌گذراند. پروردگار به بندگانش وعده داده که قدرش با هزار ماه برابر است. کدام ماه؟ آیا منظور ماه‌های زمینی است. ماه‌هایی که هر کدام با رنگ و بویی می‌آید و می‌رود تا عمری در شمارشش رقم بخورد. چگونه قادر است تا این راز را بگشاید. کدام جان با سرعتش همراه می‌شود. آیا تاکنون اندیشیدی که تو در جانت امانتی داری. این امانت با شکوه اگر در فرمان قدر قرار بگیرد سرعتش با انوار نزول قرآن کریم همراه می‌شود. بر جانش بارانی از نور می‌بارد. وعده‌های شیرین قرآن به عمرش برکت می‌بخشد. عمر می‌شود عمر نوح نبی (س)، در ظاهر توان درکش را ندارد چون با اجلش همراه می‌شود.

او را بشارت می‌دهند. اینک تو مصداق آن آیه‌ای که فرمود یک روز در مقابل ۵۰ هزار سال و این همان یک روز است که نامش شب قدر است. به دنبالش در نهان قلبت باش. چه می‌گویند. از کدام آتش پناه می‌جویی. آتشی که هیزمش امیال نفسانی خودت می‌باشد. او را با نسیم رحمت الهی خاموش کن. پروردگار برایت نعمت‌های بهشت را آماده نموده. از آتش هوی و هوست جانت را برهان تا یا رب را ببینی. جمال پروردگارت همان‌گونه که خود فرموده با قلبی سلیم و پاک قابل دیدن است. اگر شعاع عشقش را یافتی (تو) به وعده‌ی قدر رسیده‌ای. عشقی که جز حق ضامنی ندارد.

اینک سینهات را باز کن چه اندازه قدر در آن جای دارد. مراقب باش این محاسبه با قلم فرشتگان قدر قابل رؤیت است زیرا تو امت جاء الحق هستی. تو را با پیشوایت می‌شناسند و او تو را موعظه می‌کند. نعمت‌هایت را رها نکن. تو توان نگهداری‌اش را داری. در حق همان. به طرف باطل جانت نرو. او نفسی است که جز نفرت آثار دیگری بر جای نمی‌گذارد.

امشب بیعتت را با حق به امضای مأموران الهی برسان تا طعم رمضان در ذائقهات مانند غسل مصفا جاودان باقی بماند. با او به زبان دلت سخن بگو. ای جانشین پیامبرم تو را با کدام دعا جست‌وجو کنم. خودت به فریادم برس. من در دام نفسم افتاده‌ام. مرا از این دام برهان تا قوت جانم را بیابم.

امشب زمین عزادار سیف الله است. پس به زمین جانم نظر کن تا با هر ضربه‌ای که به سینه می‌زند به علی اعلیٰ برسد نامش را بخواند برای گشایش غیبی که در آن جز حق حکومت نمی‌کند و او در این شب با شکوه با سینه‌ای هجران کشیده می‌خواندش:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۶ خرداد ۹۸

خطبه‌ی شب ۲۳ رمضان شب قدر

سلام بر أم الكتاب و انوار درخشنده‌اش. وعده‌های شیرینش، شب‌های وصلش، سفره‌ی احسانش. امشب همگان را بر خوانش مهمان نموده. بیاید، من به جانتان لباس تقوی می‌پوشانم. لباس‌های دنیا را از خود جدا کنید. امشب خوانده شده‌اید تا در بزم شرکت کنید. آهنگش را می‌شنوید. کسی یا رب یا رب می‌گوید. پروردگار می‌فرماید او را به نشانی‌اش می‌شناسند. آدرسش را درست آمده، در جانش غوغایی است. وای بر من آخرین شب نجاتم در ساعت‌ها گم می‌شود. رمضان به اتمام می‌رسد و عمرم در پرانتز روزها و ماه‌ها می‌گذرد. منتظر رضانی دیگر می‌شوم. با خیالش جدایی از این همه نعمت و رحمت را تحمل می‌کنم. می‌دانم، مطمئن هستم ماه‌های پروردگار یکی پس از دیگری از راه می‌رسد تا مژده‌ی ماه دلدادگی را بیاورد. مرا می‌خواند، منتظرم بودی؟ من آمدم. مرا در کجای خانه‌ات جای می‌دهی. جایگاه من قلب مبارک پیامبر است. من از آن سینه وارد زمان شده‌ام و تو باید توان درک مرا در روزه‌هایت جستجو کنی. ساعت‌هایش چگونه گذشت. به جمالت نگریسته‌ای. لباس تلاوت قرآن کریم را پوشیده‌ای. آیا توان شکرش را داری؟

امشب مولایت را بخوان، بگو ای قرآن ناطق من به صفحات کتاب الهی دل‌بسته‌ام تا رمضان را با زبان یا رب یا رببتان به عطر قدر آغشته کنید. پس ای صاحب‌الزمان (عج) زمان امشب را از گذر زمان حفظ کنید تا قدرم به پایان نرسد. هنوز نتوانسته‌ام صدای فرشتگان را در قلبم احساس کنم. من از این پوست و استخوان جز صدای شکوه و ناله صدای دیگری را درک نکرده‌ام. چاره‌ی کارم را در کجا جستجو کنم. چگونه این سد آهنی را بشکنم تا جویبار زیبای ذخیره‌اش روان شود. پرده‌ها از مقابلم کنار بروند و من انوار جانم را که در پشت این پرده‌ی ضخیم است را تماشا کنم.

صدایی در قلبش او را می‌خواند، تو را به مهمانی پروردگارت خوانده‌اند و او فرموده گدا را مران. چه کسی نامش سائل است. آن‌که محتاج آب و غذای دنیایی است و یا

سائل امشب را می‌فرماید. آب و غذا همواره در دسترس همگان است. آفریدگاران سائل این شب با شکوه را می‌خواند. چه می‌خواهی؟ تو را اذن داده‌ام تا پرده‌های گوش و چشم و دلت را کنار بزنی. بزن تا مژده‌ی مطلع الفجر را درک کنی. بشارتی که تو را به جایگاهت می‌خواند. کلیدش را می‌توانی در قفل جانت بچرخانی تا نعمت‌هایش را ببینی.

اینک قدر نشین این لحظات را به مدد بخوان تا از راز دولتی بگوید که سینه‌ها از آن بی‌قرار است. همان حکومتی که لحظات امشب مژده‌ی آمدنش را می‌دهد. او می‌آید. منتظرش همان. با دعایی که همواره در جانت ذخیره کرده‌ای.

اللهم عجل لولیک الفرج

والسلام و علی عباد الله الصالحین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۶ خرداد ۹۸

دل نوشته‌ی شب ۲۳ رمضان شب قدر

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» خدایا، یا سیدی، یا مولا شب قدر است و من قدری ندارم و به دنبال گمشده‌ام در این شب در پیشگاهت ایستادم. خدای من، خدای من، من آن گوهر بی‌همتا و گران‌بهایی که از سر رحمت در وجودم قرار دادی را گم کردم، آن گنجینه‌ی بی‌نظیری را که در صندوقچه‌ی جانم نهادی را در اثر غفلت از خودم شیطان ربود. پروردگارا یاری‌ام کنید من به خود ستم کرده‌ام؛ تو مهربان و توبه پذیر و بنده‌نوازی و این منم بنده‌ی حقیر و شرمنده و نادم و پشیمان ولی مولای من دوست دارم. مدد کنید، دنیا توانم را ربوده و مرا در پیشگاه احدیت رسوا کرده پس صدای «سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» مرا بشنو و بار دیگر گمشده‌ی جانم را به من برگردان.

امشب شب قدر است همان‌گونه‌ای که فرمودید امت مسلمان را به ضیافتی خاص دعوت می‌کند و وجودش را در آینه‌ی رحمتش می‌آراید؛ جانش را در حلقه‌ی عزتش به جانی تازه تبدیل می‌کند و از خزانه‌ی غیثش جامی را در جانش جاری می‌سازد که عصاره‌ی لذت‌های خلقت است. خدایا می‌دانم تو رحمت و مهربانی را بر من تمام کردی و گرنه در این شب قدر در این خانه‌ی ولی و امام بر حقت حضور نداشتم. همان‌گونه‌ای که محراب امیر مؤمنان (ع) گفت که: شما زبان دلی دارید که زمان آن را می‌نگارد پس حرفت را بزن، تو شنونده‌ای داری که طبق فرموده‌ی کلامش نجواها را می‌شنود پس با این باور در شب قدر بیایید از درون دلمان با خدا و اماممان درد دل کنیم با این که می‌دانیم از راز سینه‌ها باخبرند با این وجود به تضرع ابراز می‌کنیم که:

یا رب تو به ضعف و اسیر نفس ما بندگان آگاهی که به ما آموخته‌ای که «إِيَّاكَ نَعْبُدُ و إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» یعنی برای فرمان‌برداری و دوست داشتن و عشقت از خودت مدد بجوئیم و شب قدر که گشاینده‌ی دل‌ها و زبان‌های عاشق است با ناله و فغان می‌خواهیم که توبه و پشیمانی ما را بپذیری و قلبمان را از همه‌ی بدی‌ها پاک و

جایگاه عشقت قرار دهی و ما شفیع قرار می‌دهیم شأن و عزت مولایمان امیر مؤمنان علی (ع) و فرزند گرامی‌اش مولا و سرور و امامان ابوالصالح مهدی (عج) را که هر چه داریم به برکت وجود مقدسشان است. امامی که مهر و محبت و عنایتش همچون زلال باران بر ما می‌بارد و از سر لطف ما را موعظه می‌کند که نعمت‌هایت را رها نکن، تو توان نگهداری‌اش را داری؛ در حق بهمان به طرف باطل جانت نرو. محراب و مسجد کوفه با هیچ ذکر و دعایی زنده نمی‌شود و او صاحبش را می‌طلبد. و ما امشب مناجات امیر مؤمنان (ع) در مسجد کوفه را به امیدی در خانه‌ی مولایمان که بوی علی را می‌دهد و نامش زنده کننده‌ی زمان‌ها و دوران‌هاست را زمزمه می‌کنیم. محبتش گدایان را بر مکانی مهمان می‌کند که نامش زینت مسجد کوفه است و برای خواندن مناجات مسجد کوفه او را به مدد می‌خوانیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۰ خرداد ۹۸

خطبه‌ی جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان

«فاغث یا غیاث المستغیثین» ای فریادرس و ای یاور فقیران و درماندگان به حاملِ ترحم کن منم بنده‌ی مضطر تو که بریده شده امیدش از غیر تو. بر آستان کبریاییات نشسته و چشم امید به کرامت و بخشندگی تو دوخته تا یاورش باشی. خدایا تو از رازها و نهان‌ها آگاهی و تو حال زارم و آشفتگی خیالم و دلیل نگرانی‌هایم را می‌دانی ولی می‌خواهم در این جمعه‌ی زیبا بار دیگر آن را بازگویم و با ناله و تضرع به پیشگاهت عرضه دارم که:

بار الها مرا در این ماه به مهمانی خودت و بر سر سفره‌ی احسانت فراخواندی و بر من منت نهادی و بنده نوازی کردی لیکن خجلم و می‌ترسم چون مهمانان این خوان پر رحمت را می‌شناسم و راه و رسم حضور آنان در این مهمانی را می‌دانم پس چگونه در کنار ایشان و بر خوان نعمت‌هایت بنشینم؟ آنانی که برای حضور در این مهمانی با عمل و ایمانشان خود را از آلودگی‌ها پاک می‌کردند و زیباترین لباسشان که لباس تقوا بود را با جواهراتی بی‌نظیر از بندگی و اخلاص و صداقت می‌آراستند و بر تن می‌کردند که فقط لباس خلیفه‌ات این‌گونه است و برازنده‌ی اوست و نعمت‌های سفره‌ات را شناخته و طرز برخورداری از آنان را می‌دانستند. پس من چه کنم با این همه آلودگی و لکه‌های روی لباس تقوایم و نشناختن طعام سفره‌ات؟ ولی ای پروردگارم حرمت و عزت هر غلامی به شأن و بزرگی ارباب و مولایش بستگی دارد پس من که مولا و اربابی همچون یوسف زهرا دارم که بنده‌ی خاص و ولی و امامِ منتخب توست به حرمتش و به بزرگی شأن و مقامش در نزد خودت مرا در این مهمانی بپذیر اگرچه لایق آن نیستم که وجود گهربار اوست که یادآور بزرگی‌ات و عزت و جلالت و یاور پیامبرت و نگهبان دینت که برای ما حفظ فرمودی تا ما را از گمراهی نجات و رهنما و هدایتگر به سوی صراط رستگاری و رضایت تو باشد و هم اوست که تکیه‌گاه و پناهگاه ما در سختی‌ها و سرگردانی‌هاست پس شکر و سپاس بی‌شمار و بی‌پایان تو را سزاوار است که چنین گوهر بی‌همتایی را با وجود ناسپاسی‌مان بر ایمان برگزیدی و

او را پیشوایمان قرار دادی پس شکرمان را بپذیر و درود و سلامان را بر او و اجداد طاهرینش مخصوصاً بر پیامبر گرامی حضرت محمد (ص) بفرست و ما را نه تنها در این ماه بلکه در قیامت نیز در کنارش و در خدمتش و در فرمان‌بریش گرامی بدار و به نعمت وجود مقدسش رحمت و نعمت را بر ما ببخشای و به واسطه‌ی ایشان به ما هدایت و نجات عطا کن و دشمنانت که همانا دشمنان ایشان و ماست خوار و ذلیل گردان و حق را به وسیله‌اش پیروز و باطل را نابود کن.

خدایا مولا و سرورمان امام زمان ابی‌صالح المهدی (عج) را از ما خشنود بگردان و دست‌هایمان را به دستانش برسان، چشمانمان را به جمالش روشن بگردان و دل‌هایمان را به مهرش و قدم‌های ما را در راهش استواری بخش و در این ماه رمضان روزه‌هایمان و عبادت شب‌های قدرمان را قبول و وعده‌های اعطای جوایز و نعمت و رحمتی که به روزه‌داران دادی به آبروی ایشان تمامی آن‌ها را به ما عطا فرما و مهربانی و رحمت و خیر و نیکی او را بر ما ارزانی دار تا به وسیله‌ی آن از ما خشنود شوی و نجات و رستگاری را دریابیم و دعای ما را در این جمعه‌ی ماه مبارک رمضان را اجابت کن که دعایمان این است:

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید فطر

۱۵ خرداد ۹۸

سلام بر صبحی منور، روزی که پروردگار بندگان خویش را بر ضیافت فطر مهمان نمود تا ذخیره‌ی فطرتشان به جوشش درآید. ضربان حیات در شریان‌های جانشان به سخن درآید، پروردگارم زبانی در نهان دارم که قدرت فاش اسرارش را ندارم. امروز به مولایم متوسل می‌شوم تا با زبان مطهرش این راز را بگشاید. ای آینه‌ی فطرت الهی امروز به نمازتان متوسل شده‌ام تا عشق را از نهان کامم تفسیر کنید. من با حجاب‌هایی که در جانم افکنده‌ام توان شنیدن ضربان حیاتم را ندارم پس به کنارتان می‌آیم.

ای عزیز جانم شب‌های قدم با مددتان سپری گشت؛ در آن فجرهای زیبا اللهم عجل گفتم به امیدی که فطری در کنارتان باشم. وای بر جانی که نشانی از محبوبش در دست ندارد ولی او مرا در محبتش، در نگاهش آن‌چنان شرمنده می‌کند که بر سجاده‌ی فطر به مددش می‌خوانم.

ای مولای عالم هستی رمضانم را، روزه‌ام را، سحرها و افطارهایم را امروز به خدمتتان می‌آورند، شرمندگی‌ام را بپذیرید نتوانستم بندگی خالقی را کنم که همواره مرا در نعمتش غرق نموده. شاید در این دریای پرتلاطم جانم ساحل نجاتی بیابم. آیات قرآن کریم مرا به وعده‌هایی شیرین دعوت نمود. وای بر من اگر دعوت‌نامه را در گذر زمان به فراموشی بسپارم درحالی‌که وجود مبارکتان ناظر بر این امت خطاکار است.

ای ضربان حیات عالم امروز دستم را رها نکنید. رمضانم را شیطان می‌رباید. در پیشگاهتان شرمنده می‌شوم. صدای مطهرتان را در ضمیر جانم می‌شنوم که مرا خطاب می‌کنید مانند امتی نباش که کتابشان دادند و پس از مدتی دل‌هایشان چون سنگ سخت گردید. به فریادم برسید ای جانشین پروردگارم. من به شما و یاری‌تان محتاجم. دستم را رها نکنید تا همواره بر سفره‌ی این خانه بنشینم و نام زیبایتان را بخوانم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۸ تیر ۹۸

خطبه‌ی شهادت امام جعفر صادق (ع)

حمد و سپاس پروردگار را رواست که ستایشش موجب آسایش و آرامش است همان‌گونه‌ای که خود فرمود:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». سوره‌ی مبارکه رعد آیه‌ی کریمه ۲۸.

«آنان که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرامش می‌یابد آگاه باشید که دل‌ها به یاد خدا آرامش می‌یابد». آرامش از هیجانات نفس اماره و دسیسه‌های شیطان و دل‌گرمی و امید به نجات و باز شدن گوش و دیده و دل به روی حق و گریز از باطل و یاری و هدایت پروردگار کریم در همه‌ی امور.

این مهم زمانی ممکن می‌شود که یاد و ذکر خداوند در همه حال با جان و روح انسان توأم و پایدار باشد نه زمانی که گرفتار شد برای دفع طوفان زندگی‌اش؛ به فرموده‌ی خداوند ایستاده و نشسته و به پهلو خوابیده خدا را به یاری بطلبد و پس از رهایی فراموش می‌کند. همان‌گونه‌ای که پروردگار کریم فرمود: گاه کشتی جان انسان دچار طوفان‌هایی می‌شود که خدای خویش را با نام‌هایی می‌خواند که در روح ذخیره شده پس در ظاهر از آن طوفان می‌گذرد ولی در باطن در آن گرفتار می‌شود تا جایی که در امواج سهمگین آن می‌میرد، پس نجاتی وجود ندارد که قرآن کریم می‌فرماید از خطر عبور کردند همه چیز را فراموش می‌کنند، این مرگ غمگین‌ترین مرگ است زیرا خلیفه را در جانش گم می‌کند.

پس باید چشم و گوش دل را باز کرد و در همه حال خداوند کریم را با عشق و اخلاص یاد کرد تا خداوند نیز ما را یاد کند، چون آنانی که دل را به روی حق و حقیقت می‌بندند در قیامت آن را با عذاب باز می‌کنند، همان‌گونه‌ای که خداوند کریم در قرآن فرمودند: چه خوب می‌شنوند و چه خوب می‌بینند آن روز که نزد ما می‌آیند ولی

ستمکاران امروز در گمراهی آشکاری هستند. آنان را از روز حسرت که کار به پایان آمده و همچنان در حال غفلت و بی‌ایمانی هستند بترسان.

چه زیبا کوثر الهی، سرور عالمیان حضرت زهراى مرضیه (س) آن را توصیف فرمودند که: سلام بر ساعاتی که پروردگار امر فرمود مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم. با این فرمان حافظه در جان‌ها جای گرفت. قلب‌ها در تپش خالقی یگانه به حرکت درآمد. صدایی در عالم طنین‌انداز شد. نامت چیست؟ چگونه توان درک جانت را یافتی؟ جانی که در عطای پروردگارش زنده شد، سپس توان عقل به میدان آمد، او را ندا داد مرا می‌شناسی؟ من تو را با نامت آشنا خواهم کرد، پس به یادآور جان در مانده‌ای که با یاد خالقش زنده شد و فرمانی که او را بر آنچه آفریده بود برتری بخشید. شکر نعمت در قالب عمری که عطای خالقش بود نقش گرفت. اینک جانت به میدان عملی خوانده شد که جزء او را نمی‌شناسد پس علقه‌ی وجودت را به شکری که نامت را زنده می‌کند بیارا تا تو را در جایگاهت بشناسد و پروردگار خلیفه بودنت را بر همه‌ی هستی القا کند و در ادامه سرور عالمیان چنین فرمودند که: زمزمه‌ای شیرین در جان آدمی است که همان فرمان قرآن کریم است که فرمود مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم. اینک می‌توانید با برکتش آشنا شوید چون زمزمه حالت‌هایی از غیب را بیان می‌کند و می‌فرماید: ای جان بر خاک افتاده تو را به رحمتی بشارت می‌دهم که در آن جز حق را نبینی پس انتظار را در قالب عشق برایت فاش می‌کنم.

سال‌هایی که نامش در صبح و شبی گذشت تا معجزه‌ای را آشکار کند. معجزه آشکار گردید و نعمت وجود از پرده‌ی غیب بیرون آمد، امانت‌ها بر صفحه زمان نقش بست و ذخیره‌ی جان از جایگاه خویش به صفحه‌ی زمان آمد پس پروردگار عالم بر همگان یادآوری فرمود که آنچه خود می‌داند همگان از آن بی‌خبرند. پس بزرگ‌ترین نعمت خداوند متعال در فرمان این آیه نهفته است تا شامل حال آنانی گردد که توان عقلشان قادر به درک معجزه است.

بله اینک ما با این فرمایشات گهربار سرور عالمیان حضرت زهرا (س) به این ارتباط عاشقانه و دل‌نشین بین خالق و مخلوق پی بردیم. باید که از عمل و مناجات خاتم

انبیاء رسول اکرم حضرت محمد (ص) و اهل بیت و امامان بزرگوارمان الگو بگیریم که هر دم و بازدمشان با ذکر و یاد خدا توأم بود و با فدا کردن جان و همه‌ی داشته‌های خود در تمام عمر لحظه‌ای نگذاشتند این ارتباط شیرین کمرنگ شود.

ما در این روز غم و اندوه به سوگ شهادت یکی از ایشان در این خانه‌ی مقدس حضور داریم، ایشان ششمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت معلم راستین قرآن و عرفان و پاک کننده‌ی انحراف از دین و بنیان‌گذار راه و رسم شیعه امام جعفر صادق (ع) هستند. عمر مبارکش ۶۵ سال و مدت امامتش ۳۴ سال بود. منصور دوانقی خلیفه‌ی ملعون عباسی در اواخر عمر امام جعفر صادق (ع) را در مزیقه‌ی شدیدی قرار داد و سرانجام در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ به امر آن ملعون مسموم و شهید شدند. لعنت الله علی قوم الظالمین.

ایشان علاوه بر تربیت هزاران شاگرد نامدار تاریخ اسلام کتاب گران قدر و کم‌نظیر مصباح‌الشریعه که گنجینه‌ای از عرفان و معرفت و توحید است را به یادگار برای شیعیان به جا گذاشتند و ما در این کوی عشق سعادت آن را پیدا کردیم که از آن بهره‌مند شویم. ایشان فرمودند که مؤمن دارای سه صفت است خوف و رجاء و محبت. خوف از عمل و گناه خود. رجاء، امید به بخشش خدا و محبت عشق به خداوند رحمان.

اینک در این روز حزن و اندوه ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس منجی عالم بشریت، امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) به وجود مبارکش ابراز می‌داریم:

ماییم منتظر شما و عاشقان حق و بیزار از باطلین و ظالمین که در حق اجداد طاهرینتان ظلم روا داشتند. ما را دریابید بی‌قرار دعوت حق شماییم. همان‌گونه‌ای که مادر گرامی‌تان از قول شما فرمودند که ای یاوران حق منم آن گنجینه‌ای که تمام سلام‌ها را در جانم به ودیعه دارم تا دفتری را بگشایم که زمان ودیعه دار آن است پس به جانتان نظر کنید آیا توان آشکار کردن ذخیره‌اش را دارید آنگاه که ندا در وجودتان شما را بخواند مرا در آینه‌ی عمرت ببین در روزها و شب‌هایی که در پی یکدیگر در

آمد و شد بود. ساعاتی که باربر غمی که در نهان و آشکار مرا می‌خواند یا صاحب‌الزمان.

بله مولا ما در نهان و آشکار شما را می‌خوانیم چون دلمان از ظلم و کفر و فساد زمانه به تنگ آمده که تنها شما و ظهورتان مرهم آن است پس باز هم به فریاد شما را می‌خوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۳ تیر ۹۸

خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع)

حمد و سپاس بی‌کران پروردگار کریم و مهربان و بنده‌نواز را سزااست که در عین بی‌نیازی از بندگانش با صبر و بزرگواری از سر رحمت و لطفش به آنان وعده‌ی نجات و رستگاری می‌دهد همان‌گونه‌ای که خود فرمود: بگو از آن کیست آنچه در آسمان‌ها و زمین است؟ بگو از آن خداست. بخشایش را بر خود مقرر داشته. همه‌ی شما را در روز قیامت که در آن تردیدی نیست گرد می‌آورد. آنان که به زیان خویش کار کرده‌اند ایمان نمی‌آورند پس با این فرموده هر کس که به عذاب گرفتار شود خود به زیان خویش کار کرده چون پروردگار رحمان با وجود عظمت و بزرگی، بخشایش و گذشت از خطا و گناهان بندگان را بر خود مقرر داشته پس شکر و حمد و سپاس خداوند قاهر و توانا را سزااست که ما را به‌سوی خود هدایت فرمود.

پس سلام بر خالقی که سلامتی بر بندگانش نازل فرمود چون سلام جامی است که نوشندگان در برهوت جانشان از آنچه ذخیره نموده‌اند می‌نوشند تا توان عقلشان قادر به درک نعمتی شود که همواره در کنارشان بوده. هر نعمتی را با آن آغاز نموده‌اند. گاه توان درکش را داشته‌اند و گاه از آن گریخته‌اند. آن زمان که جانشان در فراقی از پروردگارشان به سخن درآید او را با نام‌هایی که در جانشان به ودیعه دارند می‌خوانند. یا رب به بندگان خویش امر فرمودید که مرا در پنهان و آشکار بستابید. آیا جانی که پنهانش نیز آشکار است توان ستایش خالقی را دارد که با او با کرم و بزرگی‌اش سخن گفته تا معجزه‌ای را که قادر است زمان‌ها را در یک چشم به هم زدنی در هم آمیزد و دوران‌ها را بر صفحه‌ی ظهور آورد. مخلوقی از آن صفحه غایب نباشد بلکه اولین و آخرین در کنار یکدیگر بایستند و سخنی جز سلام شنیده نشود و چه زیباست این فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) که خداوند متعال در روز قیامت همه را در چشم به هم زدنی در آن صحرا جمع کرده و بندگانی که در پنهان و آشکار ستایش خالق خویش را که با کرم و بزرگی‌اش با آنان سخن گفته نموده‌اند، در آنجا جز سلام و سلامتی سخنی نشنوند.

اینک که در این شب خجسته و مبارک در این خانه‌ی مقدس و نور حضور داریم تا در شکرگزاری جشن میلاد بنده‌ی راستین پروردگار که تمام عمرش سلامت از همه‌ی ناپاکی‌ها و بدی‌ها به ستایش خداوند و هدایت بندگان همت نموده شرکت کنیم.

ایشان هشتمین حجت بر حق الهی ثامن الحجج امام علی بن موسی‌الرضا (ع) هستند و دوره‌ی امامتشان مصادف بود با مکارترین و جنایتکارترین غاصبین از خاندان عباسی یعنی مأمون لعنت الله بود که امام رضا (ع) را به اجبار از مدینه به مرو آورد و ولیعهد خود نمود. او با این حيله می‌خواست هم شأن و مقام ایشان را در بین شیعیان کم کند و هم امام را تحت کنترل خود قرار دهد غافل از اینکه امام رضا (ع) با تدبیر خود آن ملعون را در گودال نیرنگ خودش سرنگون و رسوا نمود.

امیر مؤمنان علی (ع) چه عالمانه و حکیمانه چهره‌ی این حيله‌گران را توصیف فرمودند که: بدان که خداوند یک پیشوای ستمگر را از بدترین بندگان خود می‌داند برای اینکه خود در جاده‌ی ضلالت قدم بر می‌دارد و دیگران را هم مانند خود وارد جاده‌ی ضلالت می‌نماید و سنت‌های رسول‌الله (ص) را از بین می‌برد و بدعت‌هایی را که بایستی دور انداخته شود زنده می‌نماید و من از رسول‌الله (ص) شنیدم که فرمود در روز قیامت پیشوای ستمگر را نزد خداوند می‌آورند بی‌آنکه در آنجا کسی حامی او باشد و او را در آتش جهنم می‌اندازند و او در آتش آن چنان می‌چرخد که گویی سنگ آسیاب در حال چرخیدن است. لعنت الله علی قوم الظالمین من الاولین و آخرین

بله وای بر احوال امت آخرالزمان که عذاب و جرمشان بیشتر خواهد بود چون آن زمان که در صور دمیده شود و امت‌ها به طرف صحرای واحدی به حرکت درآیند عمل‌ها در میزان دوران‌ها سنجیده شود تا امت آخرالزمان به عرصه‌ی قیامت خوانده شود. علمش درهای غیب را بگشاید و عملش در جاهلیت جای گیرد به طوری که تمام دوران‌ها به آنان بنگرند و آنان با علمشان به آتش درآیند و پروردگار فرمایند بیشترین گمراهان دانشمندان باشند.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت خدمت فرزند گرامی‌شان مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) حدیثی گران‌قدر را از امام رضا (ع) در

مورد زمان غیبت و ظهور با شکوهشان نقل می‌کنیم و برای درک بهتر آن توضیحی را خدمت شما عرض می‌کنیم.

فرعون چون خواست مانع اراده‌ی الهی و تولد و رشد حضرت موسی (ع) شود دستور داد همه‌ی فرزندان پسر بنی‌اسرائیل را کشتند و خداوند به مادرش وحی فرمود او را در سبدی قرار داده به رود خروشان نیل سپارد. فرعون او را از آب گرفت و خود بزرگش کرد و حضرت موسی در کنار باطل به حق عمل کرد و در آخر باطل را نابود نمود و در غیبت امام عصر (عج) و در این دوران پر از فتنه در کنار باطل می‌توان با حق زندگی کرد تا امامان باطل را نابود کند همان‌گونه‌ای که امام رضا (ع) حدیثی را فرمودند که: به همگان بگویید امام رضا (ع) فرمودند هر کس در هر لحظه برای فرج فرزندم دعا کند به مانند رودخانه‌ی نیل است که حامل گهواره‌ی حضرت موسی بوده، در موج‌های سهمگین به سلامت به کاخ فرعون زمان می‌رسد تا فرق کفر را نشانه بگیرد. در زمان کفر با دشمن باطل زندگی کند و مدافع حق گردد. در ادامه فرمودند: شادمان باشید که صاحب بزرگ‌ترین فضل الهی هستید. دارایی که جز حق را نمی‌پذیرد.

پس مولا و سرورمان یا صاحب‌الزمان (عج) یاری‌مان کنید تا در این زمانه‌ی پر از کفر و فساد و فتنه در تلاطم آن به سلامت به دولت شما برسیم و تا آن زمان حق بگوییم و عمل کنیم همان‌گونه‌ای که امام رضا (ع) فرمودند هر لحظه برای فرج شما دعا کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۰ مرداد ۹۸

خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع)

حمد و سپاس پروردگار را سزاست که شکافنده‌ی سپیده‌دم و برپا کننده‌ی غروب‌هاست و حیات از آن اوست. زنده می‌کند و می‌میراند. حیات می‌بخشد و می‌گیرد. فقط اوست پاینده و زنده‌ی ازلی و ابدی پس شایسته است هر صبح و شام او را سپاس و ستایش کنیم که این نعمتی است که خداوند از سر لطف و کرمش به بندگانش عطا می‌کند که در قرآن کریم خود فرمود: همراه با کسانی که هر صبح و شام پروردگارشان را می‌خوانند و خشنودی او را می‌جویند خود را به صبر وادار و نباید چشمان تو برای یافتن پیرایه‌های این زندگی دنیوی از اینان منصرف گردد و از آن‌که دلش را از ذکر خود بی‌خبر ساخته‌ام از پی هوای نفس خود می‌رود و در کارهایش اسراف می‌ورزد پیروی مکن.

بله باید قدر این نعمت را بدانیم که خداوند در ضمیر جان‌ها اطاعت و عشقش را قرار داده که با توسل به آن به آرامش برسد و مشتاق برگشت به آغوش پر مهر پروردگار گردد که توصیف آن را از سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) می‌شنویم که برکات پروردگار در ساعاتی است که همگان را بر وعده‌ای شیرین می‌خواند تا رودخانه‌ی جان‌ها به حرکت درآید. عکس جان‌ها بر صفحه‌اش ظاهر شود. ندایی بخواندش ای فرزند حضرت آدم (س) تو فرزند پیامبری هستی که پروردگار بندگی‌اش را در توبه و برگشت به حق پذیرفت تا ساعت‌ها ضربانی را به ثبت برساند که نامش عشق است. حرارتی که نیاز به هیچ جرقه‌ای جز اطاعت ندارد. جرقه در جان‌هاش آن‌چنان آتشی را می‌افروزد که نامش توحید است. او پروردگار را با کلماتی می‌ستاید که فرمانش داده‌اند. ای بندگانم من از رگ گردن به شما نزدیک‌ترم پس ضربان حیات را در گردش زمان عمرت در ساعاتی خلاصه کرده‌ام که نامش ایام است. سال‌هایی که در کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و سالخوردگی می‌گذرد.

گاه زمان سرعتش را به نمایش می‌گذارد تا اعجاز خلقت آشکار شود مانند عیسی بن مریم (س) که در گهواره سخن می‌گوید و خود را عبد می‌نامد.

بله طبق فرموده‌ی سرور عالمیان گاه زمان سرعتش را به نمایش می‌گذارد تا اعجاز خلقت آشکار شود. گاه سخن گفتن حضرت عیسی (ع) در گهواره را نشان می‌دهد و گاه امامت امام جواد (ع) را در پنج سالگی به نمایش می‌گذارد. امام رضا را مأمون لعنت الله به اجبار به مرو دعوت کرد. امام رضا (ع) فرزند خود امام جواد (ع) را که تنها پنج سال داشت به جانشینی خویش بر خانواده و اهل مدینه برگزید زیرا از مراتب صلاحیت و شایستگی خدادادی پدرش به خوبی آگاه بود و امام جواد پس از سه سال یعنی در هشت سالگی پس از شهادت امام رضا (ع) به امامت امت مسلمان رسید و در طول هفده سال امامت خود چنان با عمل و سخنان گهربارشان حق و باطل را به نمایش تاریخ گذاشتند که باطلین و غاصبان عصرش به خیال خود برای رهایی از افشای چهره‌ی ننگینشان ایشان را در آخر ذی‌القعدة‌ی سال ۲۲۰ هجری به شهادت رساندند. لعنت الله علی قوم الظالمین.

اینک در این شب حزن و اندوه ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) عاجزانه به تمنا ابراز می‌داریم:

مولای ما حضرت یوسف نبی (س) خواب پریشان عزیز مصر را تعبیر نمود و جان مردمان را از قحطی نجات داد. پس شما ای یوسف زهرا که ذخیره‌ی حق هستید فقط شما می‌توانید جان قحطی‌زدگان این زمانه را از باطل جانانشان برهانید پس به داد ما برسید که قلبمان از این همه سیاهی و تباهی و کفر و فساد به درد آمده و با دلی سوخته هر لحظه فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۷ مرداد ۹۸

خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع)

زیبنده است شکر و سپاس پروردگار کریم را که رحمتش واسع، پادشاهی و عزتش پایدار، نعمتش بی‌دریغ، حکمتش بی‌نظیر، اقتدارش بی‌زوال است. نیست معبودی غیر از ذات اقدس و کبریایی‌اش. بار الها در این روزهای پر از خیر و برکت میلیون‌ها نفر به طواف و گدایی به در خانه‌ی مقدس و با کرامت آمدند و ما از آن دوریم و دل‌هایمان به شوق آن در سینه بی‌قرار است چون حضور و فیضش را بزرگ می‌شماریم همان‌گونه‌ای که خود در قرآن فرمودی آری، کسانی که شعائر خدا را بزرگ می‌شمارند. کارشان نشان پرهیزکاری دل‌هایشان باشد. بله ما گرچه از آن دوریم ولی خود را گدای در آن خانه می‌بینیم پس همان‌گونه‌ای که بر پیامبر گرامی‌مان حضرت محمد (ص) سفارش فرمودی: «و اما السائل فلا تنهر». گدا را مران. پس ما را که در این روزها و شب‌ها به گدایی به در آن خانه ایستادیم مران و از جرم و گناه و خطایمان بگذر و روزی‌مان کن حجی را که تو می‌پسندی، حجی که یاران امام حسین (ع) در سال ۶۱ هجری با ایشان رفتند. بله رفتند تا باطل را از خود و جامعه‌شان دور کنند همان‌گونه‌ای که امام حسین (ع) به آنان فرمودند: شما مسافرانی هستید که به جنگ باطل می‌روید من به‌عنوان امام و رهبرتان شما را دعوت کردم تا جان و مال و فرزندان‌تان را به خاطر رضای الهی ترک کرده و به جنگ باطل بروید و روی خود را به قبر پیامبر کرده و فرمودند: ای خاتم رسولان به فرزند خویش بنگر. از فراق مانده کودکی‌اش جان‌ش پاره‌پاره شده نمی‌تواند آغوش گرم‌ت را رها کند، او می‌رود تا دینت را از این همه آلودگی پاک سازد. تو می‌دانی هرگز باز نمی‌گردد پس تنه‌ایم مگذار من به انوار با برکت محتاجم. غربت دینت را خواهی دید همانانی که سال‌ها برای هدایتشان رنج کشیدی با شمشیری از غلاف بیرون آمده مودتت را پاسخ خواهند داد. وای بر احوالشان چگونه شیطان جان و مال و فرزندان‌شان را به یغما برده است. بله چه سفر حج به یاد ماندنی و شیرین را اباعبدالله (ع) و یارانش رفتند.

پس ای مهمانان کوی عشق در این شب بزرگ به مولا و سرورمان وارث امام حسین (ع) نابود کننده‌ی باطل و برافرازنده‌ی پرچم حق امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به تمنا ابراز می‌کنیم که مولای ما رسم بر این بوده که در موسم حج به اتفاق امامان به مکه‌ی مکرمه سفر می‌کردند. ما را یاری فرمایید تا در کنار شما با نابودی باطل‌های زمانه و وجودمان به سفر حج مشرف شویم.

اینک در این شب غم و اندوه در این خانه‌ی مقدس به سوگ شهادتی نشستیم که آخرین یادگار این حج عظیم است که طواف عشاقی را به دور کعبه مشاهده کرد که در قربانگاه منای عشق گردن اطاعت خود را عاشقانه بر زمین نهادند تا خالقشان عشقشان را بپذیرند. ایشان پنجمین ستاره‌ی درخشان امامت و ولایت، شکافنده‌ی علوم و وارث علم انبیاء ابا جعفر محمد بن علی ملقب به باقر (ع) می‌باشند. ایشان با وجود اینکه بیش از پنجاه سال غم مصائب کربلا را تحمل می‌کردند نسبت به پایه‌گذاری و نشر علم الهی و فرهنگ غنی اسلامی همت شایانی نمودند و سران باطل، منافق و جنایتکار این کار را به زیان دولت خود می‌دیدند. ایشان را هشام بن عبدالملک ملعون در هفتم ذی‌الحجه‌ی سال ۱۱۴ مسموم و شهید کردند و بدن پاکشان در بقیع کنار امامان دیگر به خاک سپرده شد. ایشان فرمودند: دروغ از خرابی ایمان است؛ مؤمن ترسو و حریص و بخیل نمی‌شود؛ آن کس که به بندگان خدا ستم روا دارد از شیعیان ما نیست.

حال این خطبه را به فرموده‌ی گهربار حضرت زینب کبری (س) به امام حسین (ع) که وصف حال ما نیز هست مزین می‌کنیم که فرمودند: اینک می‌رویم تا آیات کریمه محقق شود و سخن پروردگار که می‌فرمایند: منتظر بمانید ما نیز منتظریم به صحنه ظهور آید انتظاری که همواره زمان در جانش به ودیعه دارد و منتظرانی که زبان انتظارشان قدرت گفتن مصائب جانیشان را ندارد آنان همواره در تیررس باطل قرار دارند تیری که جان را مجروح نمی‌کند بلکه روح را متلاشی کرده به طوری که مردگانی در جامه‌ی زندگان عمر خویش را که بهترین هدیه پروردگار است به اتمام می‌رسانند. در میانشان یارانی چون یاران شما به دولت امام می‌پیوندند زیرا جز به فرمان حق

زندگی نمی‌کنند آنان همانانی هستند که نشان مسلمانی‌شان در زمان گم نمی‌شود بلکه آن را با افتخار به سینه می‌کوبند و همواره برای ظهور حق فریاد می‌زنند مانند خواهرتان دخت امیر مؤمنان (ع) در دربار کفر فریاد خواهد زد:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی روز عرفه

۱۹ مرداد ۹۸

بار الها، یا رب، ای شنونده‌ی دعای بندگان، ای وسیع بخشش، ای آمرزنده‌ی گناهان، ای پدید آورنده‌ی آسمان، ای زیبا ستایش در این روز بزرگ به درگاہت رو آوردم. ندایی در درونم گفت بیا چنان بر در بکوب تا آن را باز کنند و من آمدم هیچ دری را بسته ندیدم تا بر آن بکوبم. ندا آمد هیچ در رحمتی به روی بندگان بسته نبوده و نیست. پس ای گشاینده و عطا بخشنده که یادش شیرین، حمدش دل‌نشین، ستایشش عزت است. من بنده‌ی حقیر نادم و پشیمان از ستمی که در حق خود روا داشتم به درگاه کرم‌ت روی آوردم به امید آنکه در قرآن کریم فرمودی که: هر که کاری ناپسند کند یا به خود ستم روا دارد آنگاه از خدا آمرزش خواهد، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت. پس یا رب یاریم فرما تا رکوع و سجودی در برابر عظمت و شکوهت به جا آورم که فرشتگان و آسمانیان و زمینیان گواه حقیری و نیاز و عشقم باشند.

چه زیبا آن را سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) توصیف فرمودند: سلام بر آغازی که پروردگار فرمود: مرا در صبحگاهان و شبانگاهان ستایش کنید تا جانتان در حلقه‌ی اسارت و بندگی درآید. آنگاه زمینیان و آسمانیان به شما بنگرند. ندایی در عالم شنیده شود که اینک کرسی آسمان به زمین می‌آید تا همگان در سلطه‌ی قضاوتش درآیند. ندایی همگان را می‌خواند این همان وعده‌ی پروردگارتان است که فرمود: بهشتیان دوزخیان را ندا دهند. ما آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود همه را حق یافتیم آیا شما هم آنچه پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید. در این هنگام ندا دهنده‌ای در میان آن‌ها ندا دهد که لعنت خدا بر ستمگران باد. ستمگرانی که در نعمت خویش اسراف کردند و آنچه را که پروردگارشان به آنان بخشیده بود را در بازار دنیا به فروش رسانند و بهایی که دریافت کردند خشم خالقشان بود.

بله امروز عرفه است. عشاق با شناخت از عظمت و مهر بی‌کران خالقشان در وعده‌گاه صحرای عرفات جمع شده تا راز دل بگویند و چون راه و رسم دلدادگی و

عشق درون جانشان را نمی‌توانند در قالب کلمات ابراز کنند پناه می‌برند به دامان پر مهر سرور عشاق و دلدادگان عالم اباعبدالله حسین (ع) که کامل‌ترین و زیباترین و لطیف‌ترین سرودهای عاشقانه را به یادگار برای این روز به جا گذاشتند و حقیقتش را با خون خود و فرزندان و یارانش امضا کردند و عشق درون خود را در عرفات و منا همچون آتش‌فشانی فوران نموده‌اند و برای اثبات آن یاریِ احدی را نپذیرفتند.

امام سجاد (ع) در این مورد چنین فرمودند: آنگاه که با پدرم حسین از مدینه حرکت کردیم هر فرسنگی که طی می‌کردیم انواری از آسمان به زمین می‌آمد و به دور مولایمان حلقه می‌زد. مدتی می‌ماند و سپس محو می‌شد. یک‌بار که شاهد این صفحه بودم خود را به پدر رساندم و سؤال کردم معمای این انوار چیست؟ امام حسین (ع) فرمودند به هر منزلی که می‌رسیم حضرت جبرئیل امین به اتفاق همراهان بر ما درود می‌فرستند و عرضه می‌دارند: ای فرزند کوثر بی‌همتای الهی ما را در آنچه به آن مأمور هستی یار و یاور خویش بدان و من در هر منزلی به آنان درود می‌فرستم و تقاضا می‌کنم اجازه دهند تا آنچه در وجودم می‌جوشد را به پروردگارم عرضه کنم. من دست پدر را بوسیدم و روی سینه‌ام گذاشتم تا جوشش را در رگ‌هایم حس کنم.

بله اباعبدالله (ع) کعبه و عرفات و منا و سعی صفا و مروه را با عشق الهی آغشته کرد و در جان ملکوتی و عاشقش جا داد تا همه را در کربلا برپا کند که آن را امام سجاد (ع) چنین توصیف فرمود: هنگامی که از مکه خارج شدیم در یکی از منزلگاه‌ها پدرم حسین رو به یاران کرد و فرمود: ما زائران کعبه از حج به‌طرف هدفمان در حرکتیم و کعبه‌ی دیگری که سازنده‌ی آن دست‌های توانای شماست منتظر برپا شدن است. مصالح این کعبه از جنس سنگ نیست ولی استقامتش همانند سنگ است. او همگان را به قبله‌ی خویش دعوت خواهد نمود و زائرانش احرام خون خواهند پوشید. لباس این کعبه سرخ است و غسلش لیبکی همانند پیمان با پروردگار عالم در الست دارد تا زمان این کعبه را در سینه‌ها حفظ کند و میراث برانش کلیدداران این کعبه باشند.

اینک در این روز عرفه به مولایمان امام حسین (ع) ابراز می‌داریم که ای فرزند رسول خدا آنچه در اختیار جامان داریم به این کعبه هدیه خواهیم کرد و همانند شما ای سرور آزادگان درفش حق را بر دوش خواهیم کشید تا آیندگان شاهد کعبه‌ی دلی باشند که منتظران فرزند گرامی‌تان یوسف زهرا را به استقامت فرمان داده و حق را بر جانشان مقدم داشته است.

اینک در این روز عرفه از کعبه و صحرای عرفات دوریم و مشتاق طواف و مناجات آن هستیم باید که شکرگزار خداوند کریم باشیم که در خانه‌ی مقدس مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) حضور داریم و نه تنها دعا و مناجات زیبای اباعبدالله (ع) را به گوش جان می‌شنویم بلکه از حقیقت حج و طواف کعبه به برکت وجود مقدس صاحب این خانه با خبر می‌شویم.

حال در این مورد بهره می‌گیریم از سخنان گهربار و گران‌قدر سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) که فرمودند: ابرهه پادشاه حبشه به قصد ویران ساختن کعبه همراه سپاه فیل‌هایی به مکه آمد و هنگام ورودشان پدربزرگم به کنار حجر آمد. حجر زمزمه‌ای در جانش به وجود آورد که عبدالمطلب تو کلیدداری. کدام کلید توان باز کردن در کعبه را دارد. آنچه تو به گردن آویخته‌ای ظاهر امر است. پس خانه را به صاحبش بسپار و آسوده باش. پدر اطاعت می‌کند و حجر را می‌بوسد و کعبه را ترک می‌کند. سپاه ابرهه می‌آید و با سنگ‌های آتشین روبرو می‌شود. احدی از آنان زنده نمی‌ماند. اجسادشان خاکستر می‌شود و باد خاکسترشان را از بین می‌برد. این اتفاق به‌عنوان آئینه‌ای از بزرگی و جلالت کعبه در دوران‌ها به ثبت می‌رسد تا ثابت شود آنچه به‌عنوان کعبه خوانده می‌شود خانه‌ای است که جز بندگی و اطاعت را در حریم مقدسش نمی‌پذیرد و آنانی که به دور کعبه می‌چرخند، حق در برخورد با باطل، باطل را نابود می‌کند و از عملشان جز زقوم نمی‌روید.

پس آنچه برایشان می‌ماند دورنمای خانه‌ای است که بیرونش گلستان پروردگار است درحالی‌که درونش آتشی است که در کفر زبانه می‌کشد پس گلستان جاودانه می‌ماند و کفر جان صاحبش را می‌سوزاند، حاصلش می‌شود آیات کریمه‌ی قرآن که پروردگار

می‌فرمایند روشنایی و تاریکی برابر نیستند. کعبه همواره نوری است که زمین از آن پر فروغ می‌شود و آنانی که در کنار نور در تاریکی به سر می‌برند همانانی هستند که از حق روگردان هستند و آنچه نفسشان امر می‌کند اطاعت می‌کنند. پس در کنار کعبه در تاریکی به سر می‌برند به طوری که نمی‌توانند نقش جانشان را ببینند.

اینک با چشمی اشک‌بار و دلی شکسته به حاجی واقعی صحرای عرفات مولا و سرورمان امام زمان (عج) ابراز می‌داریم: مولای ما می‌دانیم که اکنون شما در جایگاه جد بزرگوارتان اباعبدالله (ع) در منا حضور دارید که ایشان به اتفاق یاران و فرزندان دعای عرفه را خواندند، عاجزانه تمنا می‌کنیم ما را هم در جمع یارانتان بپذیرید و دعا کنید که خداوند کریم در امر ظهور تعجیل بفرماید تا دعای عرفه را در کنار شما باشیم و برای برآورده شدنش فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید قربان

۲۱ مرداد ۹۸

سلام بر الله آفریننده‌ای رحیم و رحمان، خالق که جان را در بهترین مراتب بندگی آفرید. او را خوانده، تو را به بهشتی دعوت نمودم که جز عشق را نشناسی و تو سرزمینی غریب را برگزیده‌ای. آمده‌ای تنهای تنها، به تنهاییات ترحم کردم. فرمان دادم به خانام پناهنده شو. من حرارت سینهات را در دعوتم به‌سوی قربانگاه می‌بینم. آمده‌ای کدام جان را قربانی کنی. جانی که از آمدنش به سرزمینی غریب نادم و پشیمان است یا جانی که شگفتی‌های خلقتش میراثی از آسمان است. او هزاران جان عاشق را به قربانگاه آورده. در خواب یک قربانی را مشاهده نموده و او را با عزمی راسخ به میعادگاه برده تا عشق را معنا کند.

امروز جان‌هایی به منا آمده تا سر بر سنگی بگذارد که جدش اسماعیل گذاشت. ندایی او را بخواند: ای حاجی، حجت مقبول، گردن از سنگ بردار، قربانیات نشانی از اطاعت را رقم زده. خورش به پروردگار نمی‌رسد. کتاب آسمانی فرموده آنچه به خدا می‌رسد بندگی توست. نامت زینت کعبه‌ای است که به همراهت به خانه می‌بری. چه نشان زیبایی در سرت مشاهده می‌شود. زینتش در کعبه جا مانده تا تو را به نشانیات بشناسند.

امروز خورشید قربان به تماشا ایستاده تا امامش او را بخواند. طلوع نموده‌ای تا عیدی را بشارت دهی که در خود هزاران معمای شیرین را مخفی نموده پس به امامت بنگر. او امتش را به قربانگاه می‌خواند. بیایید، امروز تیغ عشق آماده است تا بر گردنتان بنشیند. لبیک‌گویان نفس را قربانی کنید تا با ندایی او را بخوانید:

یا رب، بر جانی ترحم فرما که بر سجاده‌ی انتظار نشسته است تا جانش را قربانی فرمانی کند که او را می‌خواند: منتظرم باش، من می‌آیم. توشه‌ی سفرت را آماده کن و به صدایی که در جانت طنین شیرینی دارد او را بخوان:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۶ مرداد ۹۸

خطبه‌ی ولادت امام هادی (ع)

شکر پروردگار عزیز و حکیم را سزا که آدمی را در بهترین مراتب آفرینش خود خلق کرد و فرمود: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»؛ که ما آدمی را در نیکوترین مراتب وجودی بیافریدیم. پس خداوند کریم از سر رحمتش به آدمی پادشاهی و عزت عطا کرد و او را خلیفه نامید و همه‌ی آفرینش را در مقابلش به زانو درآورد ولی افسوس انسان به خود ظلم کرد و چنان از آن جایگاه رفیع پایین آمد که پروردگار رحمان فرمود: «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ». آنگاه انسان را به کیفر کفر و گناهش به پست‌ترین رتبه و جایگاه برگردانیدیم پس چاره‌ی کار با توجه به آیات کریمه رسیدن و حفظ احسن تقویم است و در این راه باید از کسانی که در آن مراتب نه تنها باقی ماندند بلکه بر آن نیز افزودند یاری بگیریم ولی باید در انتخاب دقت کنیم و از پروردگاران مدد بخواهیم که بار الها نیت ما را در همه‌ی اعمالمان آن‌چنان خالص فرما که به احدی جز تو نیندیشیم و برای غیر تو گام برنداریم بلکه هرچه غیر از تو و هر کس جز تو را می‌خواهیم به خاطر رضایت تو و پیوند و ارتباطش با تو باشد و ما باور و یقین داریم که شایسته‌ترین و راست‌گوترین آنان در نزد تو که رفیع‌ترین درجات را نیز دارند اهل‌بیت و پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) هستند و ما در این شب مبارک به میلاد یکی از ایشان در خانه‌ی مقدس فرزند گرامی‌شان حضور داریم که دهمین اختر امامت و ولایت، صابر و عادل و عالم و هادی حضرت امام علی النقی (ع) ملقب به هادی هستند که در سال ۲۱۲ هجری در مدینه متولد شدند و هشت ساله بودند که امامت شیعیان را به عهده گرفتند و متوکل عباسی ایشان را به سامرا تبعید و تحت نظر گرفت ولی امام هادی (ع) لحظه‌ای از تلاش دست برداشت و فعالیت‌های خود را به شیوه‌ای مطابق اوضاع زمان خویش به پیش برد و از ایشان چندین دعا و زیارت بر جای مانده که مشهورترین آن‌ها زیارت جامعه کبیره است که دارای سند صحیح بوده و از نظر بلاغت نیز در بالاترین درجه قرار دارد و مفاهیمی بسیار عالی و دارای مطالبی بدیع است.

پس سلام بر ایشان و پدرانشان و فرزندانشان که سلام نامی است که پروردگار فرمود ای بندگانم یکدیگر را با آن بخوانید تا توان جانتان به سرسبیل عشقی متصل شود که در صندوقچه‌ی جانتان امانت‌دار آن هستید. امانتی که با آن جان گرفتید و مجدداً خواهید رفت و بار دیگر با تحیتی بالاتر خواهید آمد. در آن لحظه فرشتگان شما را مورد خطاب قرار می‌دهند: ای انسان به جایگاهت که سلامتی و رحمتی از جانب پروردگار است خوش آمدی.

چه زیبا توصیف فرمودند سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) از خلقت احسن تقویم اهل بیت پیامبر که به سرسبیل عشق پروردگار متصل شد و با سلامتی بالاتر به آغوش پر مهرش بازگشتند همان‌گونه‌ای که امیر مؤمنان علی (ع) آن را فرمودند که ما شجره‌ی پیامبر هستیم و جایگاه رسالت و قرارگاه ما مکانی است که فرشتگان به آنجا می‌آیند و از آنجا می‌روند و ما معدن‌های دانایی و سرچشمه‌های حکمت هستیم آن کس که به ما کمک کند و ما را دوست داشته باشد کسی است که رحمت خداوند شاملش می‌شود و آن کس که با ما دشمن و از ما متنفر باشد کسی است که خشم خداوند او را در برمی‌گیرد.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس مولا و سرورمان امام زمان (عج) به مناسبت میلاد پدر بزرگوارشان امام هادی (ع) با چشمانی اشک‌بار ابراز می‌داریم:

سرور و مولای ما دلمان از کفر و ظلم و نفاق و فساد زمانه همچون آتش‌فشانی خاموش است که فقط دروغمان را می‌سوزاند و مردمان جاهل و کافر جرئت جسارت به مقدسات را با بی‌حیایی پیدا کردند. به فریاد امت دل‌سوخته‌تان برسید که هر لحظه شما که منتقم و عدالت‌گستر هستید را به ناله و فغان می‌خوانند.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید غدیر

۲۹ مرداد ۹۸

خداوندی را حمد می‌کنم که خالق بندگان است و گستراننده‌ی خاک، جاری کننده‌ی باران، رویاننده‌ی گیاه و سبز کننده‌ی آن. پیشانی‌ها برای حمد او بر خاک گذاشته می‌شود و لب‌ها برای ذکرش گویا می‌باشد. و در موقع آفریدن موجودات جهان بر هر یک از آن‌ها شکل و حدی معین کرد تا اینکه هیچ‌یک از آن‌ها به خودِ وی شباهت نداشته باشد و برای آفرینش آن‌ها از هیچ نمونه و سرمشقی استفاده نکرد بلکه هر چه را که می‌خواست بیافریند بدون نمونه آفرید و به آن‌ها شکل داد. او آشکار است بدون اینکه بتوان تصور کرد از چه آشکار می‌باشد و پنهان است بی‌آنکه بتوان تصور کرد در چه پنهان می‌باشد.

چه حمد و ستایش زیبا و بی‌نظیری از امیر مؤمنان علی (ع) را شنیدیم که از علم و معرفت و عرفان و ایمان و یقین بی‌نهایتش سرچشمه گرفته است و تا آن زمان هیچ کس با این بیان شیوا خداوند را وصف و مدح نکرده بود. و ایشان علاوه بر آن عاشق پروردگار بود و این عشق بی‌نظیر را در مناجات‌های دعای کمیل و شعبانیه و مسجد کوفه و دیگر آثاری که از ایشان باقیست می‌توان درک کرد. دم و بازدمش به آن وابسته بود و تدبیر و علم و کمال را در منتهای اندیشه و فکر و عملش دارا بود و این همان چیزی بود که خداوند سبحان در آفرینش خلیفه اراده داشت و وجود امیر مؤمنان را نعمت و رحمت خود در روز غدیر معرفی فرمود که امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم.

ولی افسوس آنانی که در دل مرضی داشتند نه تنها بیعت خود را شکستند بلکه نهایت دشمنی و کینه‌ی دیرینه‌ی خود را نشان دادند تا آنجا جلو رفتند که امیر مؤمنان شکایتشان را به خدا نمود: که خدایا آن‌ها به من ظلم کردند و عهدی را که با من بسته بودند را زیر پا گذاشتند و مردم را علیه من تحریک کرده و آن‌ها را وادار به طغیان

نمودند. خدایا آنچه را که آنها بسته‌اند تو باز کن و آنچه را که خواستند استوار کنند ویران نما و نگذار که آنها بتوانند به امید خود برسند.

واحیرتا آنانی که ادعای عمل به قرآن را داشتند همان خطا و راهی را رفتند که خداوند رحمان در قرآن کریم به صورت نصیحت و اخطار در مورد آن به آنان فرموده بود که: آیا کسی که می‌داند آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده حق است همانند کسی است که نابیناست؟ تنها خردمندان پند می‌گیرند. بله همگی می‌دانستند که جانشینی امیر مؤمنان از طرف خداوند است و در ادامه‌ی آیات می‌فرماید: کسانی که به عهد خدا وفا می‌کنند و خود پیمان نمی‌شکنند، آنان که آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده پیوند می‌دهند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی بازخواست خداوند بیمناک‌اند. (این مژده و نصیحت به امت مسلمان است.) و در مورد امیر مؤمنان چنین فرمود: آنان که به طلب ثواب پروردگار خویش صبر پیشه کردند و نماز گزارند و در نهان و آشکار از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق کرده‌اند و بدی‌ها را به نیکی دفع می‌کنند سرای آخرت خاص آنان است.

بله امیر مؤمنان هم صبر کرد و هم بدی را به نیکی پاسخ داد. پنهان و آشکار انفاق نمود و در مورد پیمان‌شکنان که لعنت خدا شامل حالشان خواهد شد در قرآن کریم خداوند چنین فرمود که: آنان که پیمان خدا را پس از استوار کردنش می‌شکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند لعنت بر آنهاست و بدی‌های آن جهان نصیبشان.

حال در این مورد بهره می‌گیریم از سخنان گهربار و گران‌قدر سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که فرمودند: آنچه در جان‌ها به جوشش می‌آید طبق فرموده‌ی الهی یا سازنده‌ی باغ‌های فردوس است و یا به وجود آورنده‌ی آبی جوشان که پوست شکم را کباب می‌کند. پس هر کس خورنده‌ی روزی خویش است. روزی‌ای که یا با عمل گسترش می‌یابد و یا تنگ می‌شود. اگر در انفاق قرار گیرد گسترش می‌یابد و در تنگی جان آن‌چنان محدود می‌شود که صاحب خویش را هم گرسنه می‌گذارد. پس آیات کریمه‌ی قرآن اعلام می‌فرماید: دانه‌ی جان در اثر تابش نور هدایت در یک

خوشه هفتاد خوشه دارد. این دانه انفاق خداوند است و آنچه در هفتاد خوشه به وجود می‌آید انوار بندگی است که هدایتگر است. آنانی که با مال و جان و فرزند این هدیه‌ی الهی را انفاق می‌کنند.

چه زیبا مصداق است این فرموده‌ی سرور عالمیان در مورد عهدشکنان و بدخواهان امیر مؤمنان (ع) که بغض و کینه و جاه‌طلبی در جان‌هایشان به جوشش درآمد و نصیبشان آب جوشانی خواهد شد که پوست شکم را کباب می‌کند و وجودشان از انفاق هدایت تهی و تنگ خواهد شد و امیر مؤمنان (ع) و فرزندانش هدایت پروردگار را با انوار بندگی گسترده نموده با مال و جان و فرزند انفاق کردند.

اینک در این روز بزرگ و خجسته پناه می‌بریم به دامن پر مهر آخرین گل گلستان همیشه بهار غدیر، مولا و سرورمان، وصی بر حق، امام عصر و زمان، اباصالح المهدی (عج)، فرزند راستین امیر مؤمنان علی (ع) که همه‌ی حسنات پدر گرامی‌شان را به ارث دارند و همچون پدر با عهدشکنانی روبروست که دین خود را در این زمانه‌ی پر از فتنه و فساد و کفر بازیچه قرار داده‌اند و منافق گونه ادعا دارند که در بیعت ایشان هستند.

به تمنا به وجود مقدسشان ابراز می‌داریم:

مولای ما یاری‌مان کنید بیعتی را که در این روز با شما می‌بندیم با تمام توان و وجود به آن عمل کنیم به طوری که خداوند رحمان و شما آن را بپذیرید و اشتیاق بیعت با شما را به فریاد اعلام می‌کنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شهریور و مهر ۹۸

خطبه‌های محرم و صفر

متن کامل خطبه‌های محرم و صفر ۱۴۴۱ هجری قمری در بخش ویژه نامه‌ی محرم به صورت کامل قابل دسترس می‌باشد.

شما می‌توانید از طریق منوی ویژه نامه‌ی محرم، بخش محرم ۹۸ از این خطبه‌ها استفاده نمایید.

همچنین می‌توانید برای دیدن این خطبه‌ها بر روی لینک زیر کلیک نمایید.

خطبه‌های محرم و صفر ۹۸

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۲ مهر ۹۸

خطبه‌ی شهادت حضرت رقیه (س)

شکر و حمد و سپاس بر خالق یکتای آفرینش، آفرینشی که خود فرمود آن را بیهوده نیافریده و به حال خود وا نگذاشته بلکه از روی رحمت و تدبیرش بر همه‌ی امور محیط و مدبر است. نیست معبودی غیر از خداوند حکیم و کریم؛ اوست که عزت را از آن مؤمنان و ذلت و خواری را از آن منافقان و کافران اراده فرمود پس حمد و ستایش شایسته‌ی اوست و برکات پروردگار کریم در جان‌هایی است که همواره در جوش و خروشدن تا دست یداللهی پروردگارش را در جانشان مانند دمایی که در زندگان، به اندازه و میزان محتاج است و در مردگان بی‌نیاز مراقبت؛ پس جانِ زنده به سرچشمه‌ای متصل است که همواره می‌جوشد و حرارتش را در خزانه‌ی قلبش احساس می‌کند؛ خزانه‌ای که قفل و کلیدش، راز و نیاز است و ثروتش عشق؛ آیا می‌توان آن دست را گرفت و به ملکوت سفر نکرد؟ پس مسافران ملکوت، قلب‌هایی زنده است که ضربانش خالقش را می‌ستاید.

شکر خالق یکتا را که حرارت وجود را در منتهای رحمتش آفرید، پس سینه و قلبتان را با یاد پروردگار عالم از حرارت معمولی خارج کنید تا آتش‌فشانی شود که غُرُشش، شیطان را به عجز می‌اندازد و ملکوتیان را شاد می‌کند.

چه زیباست فرمایشات سرور عالمیان حضرت زهرا (س) در توصیف مسافران ملکوت که قلبشان از هجران و عشق پروردگار آتش‌فشانی بود که با گدازه‌های خود باطل و ناپاک را سوزاند و حرارتش برای عاشقان حق، همچون گرمایی دل‌چسب در سرماست.

ما امروز به دور حرارت قلبی می‌گردیم که به ظاهر کوچک بود ولی در باطن، خورشید را به شگفتی واداشت که خود ایشان، خود را این‌چنین معرفی فرموده‌اند: من فاطمه‌ی صغری یا فاطمه‌ی ثانی، دختر حسین بن علی (ع) هستم که به رقیه ملقب شدم؛ پدرم تمام فرزندان خود را به نام پدر و مادر گرمی‌شان نام‌گذاری کردند و نام مرا به لقب مادرشان آراستند و فرمودند: تو را در آینده‌ی زمان، چونان مادرم می‌بینم

که در مدد امامت جان زیباییت به دل خاک می‌رود تا چون گلی در وعده‌ی پروردگار بشکافد پس برای آن وعده بی‌قرار باش تا آن را دریابی. پدرم امام حسین (ع) آن زمان که در مکه‌ی مکرمه بودیم مرا در آغوش گرفت و فرمود: دخترم، آیا به تپش قلب پدر گوش می‌دهی؟ گفتم: بله. فرمودند: برای دخترش چه تند می‌تپد! دلیلش را می‌دانی؟ گفتم نمی‌دانم تا از زبان پدر آن را بشنوم؛ فرمودند: دلیلش حوادثی است که باید با جان کوچک منتظرش باشی تا عمه را یاری باشی مهربان. به پدرم قول دادم که صبور باشم. لحظه‌ی موعود رسید و پدر مرا در آغوش گرفت تا قولی را که داده بودم را فراموش نکنم. به پاهای پدر آویزان شدم و آن‌ها را محکم در آغوش گرفتم؛ پدرم فرمود: دخترم، همواره قرآن را تلاوت کن و بر آنچه مقدر شده صبور باش تا وعده‌ی دیدارمان فرا رسد. پدر رفت و آن روز سخت به پایان رسید و ما همراه امام عصرمان به راه پدر ادامه دادیم. گاه برادرم مرا در آغوش پر مهر امامت می‌گرفت و می‌فرمود: آفرین بر خانه‌ای که از عزیزترین متاعش در راه پروردگارش گذشت.

بله می‌بینیم در خاندان نبوت، لالایی کودکان، قصه‌ی شیدایی و زمزمه‌ی محبتشان آموزش ایمان و حق‌مداری بود؛ باید از آنان آموخت که در تربیت فرزندانمان در عوض یاد دادن ترانه‌ها و شعرهای بی‌حاصل، تقوی و ایمان و قرآن و حق‌جویی را به آنان آموزش دهیم.

در چنین شب‌ها بود که حضرت رقیه (س) به عمه‌ی خود حضرت زینب (س) فرمودند: عمه جان، از قراری که با پدر داشتم یک روز گذشته است؛ شما چه امری می‌فرمایید؟ حضرت زینب (س) رقیه را در آغوش می‌گیرند و می‌فرمایند: زمان قرار را پدرت می‌داند؛ اینک بخواب، او خود امر می‌کند کی به دیدارش بروی. رقیه چشمان خویش را بر هم می‌گذارد. صدای مهربان و دل‌نشین اباعبدالله در فضای جانش به صدا درمی‌آید: دخترم، اینک به وعده‌ام عمل خواهم نمود؛ سکوت شب موقع خوبی برای جهاد است؛ تو بر ذوالجناح که در بیرون کاروانسرا منتظرت است بنشین و پیروزی را با خواندن قرآن کریم اعلام کن. رقیه آرام برمی‌خیزد. امام سجاد (ع) می‌فرماید: کجا می‌روی؟ می‌گویی: بر سر وعده حاضر می‌شوم. امام سجاد (ع) او را در آغوش گرفته و

تا در کاروانسرا مشایعت می‌کند. ذوالجناح منتظر است. رقیه سوار بر ذوالجناح می‌شود و آن‌چنان آیهی افوض امری الی‌الله را تلاوت می‌کند که در شام زلزله‌ای رخ می‌دهد؛ همگان مانند ابراهیم خلیل صدایش را می‌شنوند و ارکان کاخ یزید به لرزه درمی‌آید؛ دیوارهایش ترک می‌خورد و یزید لعنت الله علیه دلیل این سر و صدا را می‌پرسد می‌گویند: دختر حسین بن علی سوار بر اسب پدرش فریاد می‌زند. یزید فرمان می‌دهد تا کودک را به کاخ بیاورند؛ مأموران به طرف رقیه می‌روند؛ امام سجاد (ع) رقیه را از اسب در آغوش می‌گیرند؛ وقتی مأموران می‌خواهند کودک را از امام بگیرند، رقیه به دعوت پدر به ملکوت پرواز کرده و به دیدارش شتافته بود. امام، رقیه را به آغوش زینب (س) می‌دهند تا بر او نماز گذارند و رقیه را در همان محلی که کاروان توقف کرده بود به خاک می‌سپارند. امام سجاد (ع) می‌فرمایند: قبر رقیه باشکوه‌تر از کاخ یزید در شام خواهد شد پس دل آسوده دارید که ملکوتیان در عرش به پرواز درمی‌آیند و امانت‌دارانشان مانند پروانه‌ای بر گردشان می‌چرخند تا نامشان را برکت روح و جان خویش سازند.

حضرت رقیه (س) بعد از عاشورا به امام سجاد (ع) گفت: آنگاه که پاهای پدر را محکم گرفته بودم تا مرا هم مانند علی اصغر به میدان جنگ برد او مرا نوازش کرد و فرمود: من در پایان سفر به دیدارت خواهم آمد؛ مراقب باش در بیعت من بمانی تا تو را نزد خودم ببرم؛ و حضرت رقیه (س) تا پای جان بر این بیعت، استوار باقی ماند و بر آن اصرار ورزید.

جان عالم فدای مولا و سرورمان امام عصر و زمان بقیة الله ارواحنا لک الفدا که با همان مهربانی جدشان امام حسین (ع) که به حضرت رقیه فرمودند: منتظرم بمان و در بیعتم استواری کن، ایشان نیز هر جمعه در کنار منتظران واقعی و ندبه خوان خود می‌نشینند و می‌فرمایند: مرا ببین، اشک تو را با وصلی شیرین از چهره‌ات می‌زدایم پس منتظرم بمان من تو را تنها نمی‌گذارم؛ ایمانت را محکم کن، با شیاطین جانت بجنگ تا ملکوتیان، مناجات تو را به عرش ببرند.

ای منتظران کوی عشق، در این زمانه‌ی فتنه و نفاق و کفر در مقابل چنین لطف و مهربانی و سفارش مولایمان چه خواهیم کرد؟ آیا لحظه‌ای به هیجان آمده و بعد فراموشمان شده، دست بیعتمان را آماده‌ی بیعت با همه چیز و همه کس خواهیم نمود و یا تا پای جان بر این پیمان وفادار و استوار می‌مانیم؟ اگر ماندیم باید باور و یقین کنیم که فریاد کودکی سه ساله در راه حق چنان قوی شد که کاخ ظلم را به زلزله واداشت و آن را شکافت. پس در این شب حزن و اندوه سر را بر سینه‌ی حق بگذاریم و فریاد بزنییم: ای خنجرهای باطل، اگر دینم با بریدن سر من، از تباهی نجات پیدا می‌کند پس بیایید و سری که هجران یارش او را بی‌تاب نموده از بدن جدا کنید تا هجران‌ها به پایان برسند و تاریکی‌ها از بین بروند، انتظارها تمام شود و خون عاشقان قلمی شود که عشاق، با آن بنویسند؛ زمان‌ها تکرار شوند و عاشقانِ مسافر طور در پایین کوه انتظار، تو را فریاد کنند که: ما گوساله‌ی سامری را نخواستیم ما منتظر ماندیم تا وعده‌ی پروردگاران محقق شود و زمان انتظار به پایان برسد و جمال آقایمان با ندای هل من ناصر ینصرنی هویدا شود پس همه‌ی منتظران فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۴ مهر ۹۸

خطبه‌ی ولادت امام موسی کاظم (ع)

شکر و سپاس پروردگاری را سزاست که همواره چلچراغ هدایت را بر نفس‌های بندگان خویش فروزان فرمود تا رهروان حقیقت را از سرداب‌های غیبت جانشان به حضور درگاه ملکوتی‌اش فراخواند تا خویش خویشان را بیابند و آنگاه که یافتند سپاسگزار خالق خویش باشند. سپاسی که ریشه‌ی جانشان را از پوسیدگی افکار باطلشان نجات می‌دهد و ایام عمرشان را غنیمتی می‌سازد که معرفت طلبان به‌سوی گنجینه‌ی آن حرکت می‌کنند و در طمع گرفتن تحفه‌ای بر سایبان انتظار قدم می‌گذارند تا جانشان را از دریای معرفتی سیراب کنند که نامش حق است.

پس شکر و حمد و سپاس بر پروردگار مهربان و بنده‌نواز را سزا که از حکمت و لطف و کرمش حق و باطل و بد و خوب را به جان آدمی الهام نمود و پیامبران را برای یادآوری و هدایتش برگزید و امامان را برای تشخیص آن انتخاب فرمود که اگر آدمی حق را در وجودش نکشته باشد به انتظاری دل‌بسته که سعادت و فرج جانش در آن است که خداوند کریم در قرآن چنین فرمود:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون خدا و پیامبرش شما را به چیزی فراخوانند که زندگی‌تان می‌بخشد دعوتشان را اجابت کنید.»

چه زیبا سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) آن را توصیف فرمودند که برکات پروردگار در زمان نشان از قدرتی دارد که همواره معجزات پیامبران در صفحه‌ی زمان آمده و رفته است. وقتی آمده جان عالم سر اطاعت فرود آورده و جان آدمیان از آن گریخته است تا گذشتگان عبرت آیندگان گردند. آیندگانی که به صفحه‌ی زمان آمدند حق و باطل را بشناسند. کتاب آسمانی را در کلام حقش اطاعت کنند آنگاه که می‌فرماید: ای فرزندان آدم جا به جای پای شیطان نگذارید تا شما را هم مانند پدر و مادرتان از بهشت براند. آنچه شیطان راند حقیقت حق بود تا دیده‌ها و دل‌ها در حجاب خواهش‌های درونی و لذت‌های ظاهری از رتبه و مقام خویش به سرزمین

غریبی مهاجرت کند که یار و یآوری جز وسوسه‌ی نفس ندارد. پس آنچه کتاب آسمانی به آن فرمان می‌دهد معجزه‌ای است که عقل را به میدان محاسبه می‌آورد تا اطاعت را بیاموزد.

بله با این فرموده‌ی گهربار درمی‌یابیم که تنها راه نجات و رستگاری اطاعت از فرموده‌های پیامبر گرامی اسلام، خاتم انبیاء، رسول اکرم، حضرت محمد (ص) و امامان معصوم که همان دستورات خداوند رحمان در قرآن کریم است که ما در این شب به شکرگزاری میلاد یکی از گنجینه‌های خلقت در این خانه‌ی مقدس دور هم جمع شدیم. ایشان امام هدایت، صاحب علم و دیانت و تقوا، خزانه‌دار دانش پیامبران، معدن وحی و صاحب علم یقین، امام رئوف و شایسته، عابد و زاهد مولایمان امام موسی بن جعفر (ع) که رحمت خدا و برکاتش بر او و بر پدران و فرزندان گرامی‌اش باد.

ایشان در هفتم ماه صفر سال ۱۲۷ هجری در مدینه متولد شدند. بعد از شهادت پدر بزرگوارشان امام جعفر صادق (ع) عهده‌دار امامت شیعیان شدند و دوران امامت ایشان مصادف با ظالم‌ترین و فاسدترین خلیفه‌ی عباسی یعنی هارون‌الرشید عباسی بود که لعنت خدا بر او و پدران و فرزندان او باد.

امام موسی کاظم (ع) با وجود این ملعون و زندان و تبعید چنان حق را بر سر باطل کوبید که هارون‌الرشید به خیال خام خود برای نجات از آن ایشان را شهید کردند. امام موسی کاظم (ع) ثابت کردند که انوار امامت را نمی‌توان خاموش نمود. آن نور از سیاه‌چال‌های مخوف نیز می‌تواند همچون خورشید فروزان امت مسلمان را هدایت و نجات بخشد و ما امت آخرالزمان باید یقین بدانیم که پرده‌ی غیب مانع از انوار نجات‌بخش امامت مولا و سرورمان منجی عالم بشریت، عصاره‌ی نبوت و امامت، امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) نیست. باید که خود را در تابش نور آن قرار دهیم تا در این زمانه‌ی ظلمت و تاریکی و جهل راه سعادت را گم نکنیم چون ما گنجینه‌ای بی‌نظیر از احسان پروردگار کریم را در کنارمان داریم اگر آن را گم کنیم در قیامت دلیلی برای ضعف و ذلت نداریم پس تا دیر نشده به دامن پرمهرش پناهنده شویم که

ما را از فتنه و فساد و کفر و ظلم زمانه نجات دهند. پس برای مدد جان ضعیفمان او را می‌خوانیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی روز اربعین

۲۷ مهر ۹۸

سلام بر انتظار. آن زمان که جان انسان مشتاق گمشده‌ای است، دست به دعا بر می‌دارد، یا رب زمان بر قلبم چونان آهنی گداخته نامش را نگاشته تا فراق را بشناسد. اینک آسمان و زمین به من می‌نگرد. من همان دلداده‌ای هستم که بر قامت جامه‌ی عشق را پوشاندم تا نامم بر آستان مقدست به مانند سائلی که برای گرفتن طعام لب به سخن می‌گشاید تا جان گرسنه‌اش را اطعام کند من نیز به سخن آمده‌ام. یا رب، من محتاج رحمتی هستم که جان رنج کشیده‌ام با آن به سرمنزل نجات برسد. یاریم فرما تا مناجات را بیاموزم. بر سجاده‌ای بنشینم که آینه‌ی بندگی باشد.

اینک رهبرم را می‌خوانم. ای امام عصرم سال‌هاست که من اربعین‌های انتظار را پیموده‌ام تا عقلم آن را تفسیر کند. ولی توان درکش را ندارم. امروز اربعین است. چهل روز منتظر آمدن چه بوده‌ام. من حق را در کدام آینه دیده‌ام که با او در این روز همراه شوم. وای بر من بر ساعاتی که در کنار صاحب لحظه‌های امروز عمرم گذشته است.

مولای من یاریم فرمایید. من ساعات عمرم را گم کرده‌ام. روزهایم می‌گذرد. پیام نجات جانم را می‌شنوم. مراقب باش زمان در حال عبور است تا شاهی باشد بر اربعین‌های عمری که نتوانست تا در جمع حق مداران امروز بنشیند. عاشقان اربعین را می‌شناسند. آنان گوساله‌ی سامری را در هم شکستند تا جانشان با نور تورات بیفروزد. جانی که نتواند باطل وجودش را در هم شکند اربعینی برایش وجود ندارد. او تمام عمرش را در فکر ساختن گوساله‌ی نفسی است که به دنبالش در حرکت باشد. زیورآلات جانم را بر گردنش بیاویزد و او را به‌عنوان خدایش برگزیند.

اینک حق شما را می‌خواند. از باطل جانتان جدا شوید تا انوار شهیدان امروز را که مهمان مولای خویش هستند را در جانتان حس کنید. آنان پیام‌آور حق بودند تا همگان

به طرف هدفشان به حرکت درآیند و منتظر دولتی شوند که در آن نامی از باطل یافت نمی شود.

پس دست به سوی حق مداران می گشایم تا یاریمان فرمایند به نامی که همواره همگان در انتظارش هستند:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۵ آبان ۹۸

خطبه‌ی ۲۸ صفر

سلام بر رحمت واسعه‌ی پروردگار عالم. رحمتی که جان بندگانش را از ظلمتی که در آن غوطه‌ور بودند با نور قرآن کریم افروخت. معجزه‌ای که آیاتش زمان را مانند طوماری در هم می‌پیچد. تلاوت کنندگانش در هدایت تمام انبیاء الهی قرار می‌گیرند. اُمتی که وارث تمام معجزات پروردگار عالم‌اند. همگان را به ضیافت خویش می‌خواند. اینک سفره‌ی رحمت گسترده شده، از طعامش بخورید. زقوم شایسته‌ی شما نیست. شما اُمت پیامبری هستید که جان مطهرش در هدایتان به زحمت افتاد. عمر شریفش در رنج جهل اُمتش به مانند آتش‌فشانی که همواره آماده‌ی فوران است می‌جوشید تا همگان را در حریم رحمت الهی وارد نماید.

اینک به وارثان دینش می‌نگرد. وای بر اُمتی که معجزه را به مانند کتابی فرض می‌کنند که داستان‌هایی حزن‌انگیز دارد. در عذاب قوم‌هایی که نتوانستند هدایت را دریابند. خشم پروردگار نصیبشان شد. گاه به صورت بوزینگان، گاه به صورت سنگ‌هایی که نقششان را بر جانش ترسیم نمود. گاه خاشاکی خشک و بی‌جان. چگونه هدایت را دریافتند که این‌گونه از آنان یاد می‌شود؛ و تو وارث پیامبری هستی که اینک در ماتم جان مطهرش به سر و سینه می‌زنی. با ارثش چه کردی. در کدام بازار به فروش رساندی. چگونه امانت هدایت را با دنیایی معاوضه نمودی که از آن خواهی گذشت. عذابی را مشاهده نمی‌کنی زیرا توان عقلت قادر است تا خود را از اُمت جفاکار جدا کند. تو در آینه‌ی جانت مسلمانی را مشاهده می‌کنی که باغ‌های فردوس منتظرش است. پس به ندای پیامبرت که با تو سخن می‌گوید خوب گوش کن.

ای منتظران دولت حقه. شما را از هدایت‌م سیراب نمودم. چشمه‌های جانتان را با دوازده خورشیدی که بعد از من وارثان دینم بودند همراه نمودم. دینتان را با جانشینم کامل کردم. با او چه می‌کنید. در فراقش ناله سر می‌دهید تا به دریای محبتش وارد شوید. درحالی‌که دستان مهربانش جایگزین دستان من است. دست هدایتش را رها

نکنید. او وارث تمام معجزات الهی است. پس گنجینه‌تان را با اطاعت از فرامین قرآن کریم پُر کنید تا رسولتان را در هدایتش یاری کنید. من در آخرین لحظات عمرم از بارگاه جبروتی پروردگارم نجات اُمتی را خواستم که خود در کنارشان نبودم و جانشینم در پرده‌ی غیبت بود. استواری ایمانشان با اطاعت و عمل به فرامین پروردگار از خطر جهل در امان می‌ماند. شما را به کتابم می‌سپارم تا با عمل به آن از من جدا نشوید.

چه زیبا بود صدای ملکوتی خاتم انبیاء (ص) پس در سوگش دست بیعت به سویش دراز کنید و با جان مطهرش هم نوا شوید:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۷ آبان ۹۸

خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع)

سلام بر آفریننده‌ی جان‌ها، آفریدگار یگانه، پروردگار بخشنده، گیرنده‌ی جان‌ها، زنده کننده‌ی مردگان، مالک یوم‌الدین، برپا کننده‌ی کرسی آسمان‌ها و زنده کننده‌ی جان‌های مطهر، همان زندگانی که زینت زمان هستند در دقیقه‌ها و ثانیه‌هایش در طلوع و غروبش در تاریکی و روشنایی‌اش همواره نفس متبرک و با جلالش دژ محکم هدایت است و پویندگان راهشان بر صراطی در حرکت‌اند که وعده‌ی پروردگارشان ضامن نجاتشان از گمراهی و ضلالت نفس اماره است.

خاندان نوبت ستارگانی هستند که انوار خویش را از پروردگارشان کسب نموده و جهان تاریک و در جهل مانده را به انوار خویش آراستند. امام رئوف، امام خوبی‌ها، امام علی بن موسی‌الرضا (ع) از این خاندان است که نه تنها در حیات زمینی‌شان وجود مقدسشان موجب هدایت و نجات از جهل مردمان بود بلکه بارگاه ملکوتی‌شان هزار و اندی سال است تغذیه کننده‌ی روح و جان مردگان دهر بوده و هست. خداوند کریم را شاکریم که این سرزمین را به برکت خورشید عالم‌تاب ایشان منور فرمود و کمتر کسی را می‌توان یافت که از آن بهره‌ای نبرده باشد.

بله این خاندان گهر و گنجینه‌ی دیگری را در زمان به امانت دارد که نجات بشریت را در گرو ظهور دارد. سلام بر ایشان، بر حضورش در همه حال و قیام و ظهورش و سلام نامی است که پروردگار امر فرمود یکدیگر را به تحیتی بالاتر بخوانید تا جانتان در پرتو عشق بیفروزد. در آن پرتو نامی خودنمایی کند، ای یاوران حق منم آن گنجینه‌ای که تمام سلام‌ها را در جانم به ودیعه دارم تا دفتری را بگشایم که زمان ودیعه دار آن است. پس به جانتان نظر کنید، آیا توان آشکار کردن ذخیره‌اش را دارید؟ آنگاه که ندا در وجودتان شما را بخواند: مرا در آئینه‌ی عمرت ببین، در روزها و شب‌هایی که در پی یکدیگر در آمد و شد بود. ساعاتی که باربر غمی که در نهان و آشکار مرا می‌خواند یا صاحب‌الزمان و زمان در پاسخش اعلام می‌فرمود: ذخیره‌ات آنگاه که

آشکار گردد تو را به سلامی بالاتر بخواند، ای ودیعه دار جان خلیفه به مولایت نظر کن اوست که زمان عمرت را در محبتش می‌افروزد تا شعله‌اش عشق به الله را معنا کند.

سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) چه زیبا شکوه و جلال ظهور دولت حقه‌ی مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) را توصیف فرمودند که عشق به الله را در بالاترین و زیباترین جایگاهی که هستی لحظه‌شمار آن است را یوسف زهرا، مولای ما در ظهور خود به همه‌ی مخلوقات عرضه خواهند نمود، شکوه و عظمت آن فراتر از اندیشه و تصوره‌هاست و آن از رحمت پروردگار حکیم و مهربان است که چنین گهری بی‌همتا را از گزند بدخواهان و باطلین دوران‌ها برای مؤمنین حفظ فرمود و این به واسطه‌ی قدرناشناسی مردم در زمان پدران طاهرینش بود که هر کدام از آنان را با فتنه و دسیسه آزار دادند و در آخر به شهادت رساندند.

ما در این شب حزن و اندوه به سوگ پدر بزرگوارشان امام رضا (ع) در این خانه مقدس حضور داریم. امام رضا (ع) در زمان مکارترین شخص از خاندان عباسی یعنی مأمون که لعنت خدا بر او و بر پدرانش باد زندگی می‌کردند. مأمون به خیال خام خود در پنهان به زور امام را وارد حکومت جبار و ظالمانه‌ی خود کرد تا اولاً ایشان را تحت نظر داشته و از فعالیت‌ها و تماس شیعیان با ایشان جلوگیری کند، ثانیاً چون همه‌ی مردم به شیوه‌ی حکومت فاسد و جنایتکارانه‌ی او آگاهی داشتند می‌خواست با نزدیک کردن امام رضا (ع) به خود شأن و مقام ایشان را در بین مردم خراب کند، غافل از اینکه امام با تدبیر و علم امامت او را در گودال فتنه و تزویر خود سرنگون و رسوا نمود به طوری که برای رهایی از ننگش ایشان را مسموم و شهید نمود.

واحیرتا از اینکه عبرت فرزندان و پیروان این ملعون نشد، همان کردند که او کرد و آن ناشی از نگاه حقارت آمیز امامت بر آنان است که تصور می‌کردند دارای قدرت و مقام هستند و امام رضا (ع) در این مورد فرمودند که: اهل بیت با اهل ظالم زیسته‌اند و این در حیات و مماتشان هنوز ادامه دارد.

حال ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس مولایمان امام عصر (عج) به وجود مقدسشان ابراز می‌داریم:

مولای ما همان‌گونه‌ای که آگاهی دارید باطلین و منافقین و ظالمین دنیا را بدون مدبر فرض کرده هر روز به خدعه و نیرنگ در لباس دین، شیعیان و منتظران را از راه حق منحرف و دست به جنایت و خیانت می‌زنند، ای معز الاولیاء و مذل الاعداء به فریاد ما برس که قلبمان جریحه‌دار این جهالت‌هاست.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۴ آبان ۹۸

خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع)

شکر و سپاس پروردگار رحمان و کریم و حکیم را سزااست که از سر رحمت و حکمتش در عطا‌ی بزرگ‌ترین گنجینه‌ی خلقتش، وجود با برکت و مطهر و بی‌نظیر سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) به پیامبر فرمود: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ. فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ. إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ». ما کوثر را به تو عطا کردیم، پس شکرگزار باش و قربانی کن.

ولی امت مسلمان در آن زمان بزرگی این نعمت و گهر گران‌قدر را درک نکردند و زمان نشان داد که این کوثر جاریه‌ی پروردگار با فرزندانش با یازده شعاع نور تا ابد روشن‌کننده‌ی وجودهای تاریک و راه‌هدایت و نجات می‌باشد و هر کس به آنان توسل بجوید رستگار شود و هر کس از آنها غفلت ورزید نابود گشت. مخصوصاً امت آخرالزمان که مولا و سروری در کنارشان است که همه‌ی حسنات و خوبی‌ها و علم و عرفان و حکمت را از مادر به ارث برده که زمان در انتظار است تا با قیامش اراده‌ی پروردگار را از خلقت آدم به همگان نشان دهد.

در این مورد سرور عالمیان چنین آن را بیان فرمودند که: سلام بر زمان آنگاه که لب به سخن گشاید تا پرده از رازی بردارد. رازی که توان عقل‌ها را به میدان عمل دعوت می‌کند. گاه طبق فرموده‌ی کتاب آسمانی چند قدمی بر می‌دارد. جانش در پرتو معجزه از تاریکی به نور می‌رسد. زمان می‌شود شاهده‌ی گویا تا ضربان حیاتی را ضبط کند. ضربانی که پروردگارش فرمود: من از رگ گردن به شما نزدیک‌ترم. فرمانده رگ‌ضامن حیات ظاهری است و پروردگار نزدیک‌تر از حیاتی که مماتی را نمی‌شناسد. اینک توان عقل زمان را در حیات عمری می‌گنجاند که همواره صبحگاهان و شبانگاهان را چونان رشته‌ای به هم پیوسته طی نموده. زمزمه‌ی حیاتش امانتی است که زمان در سینه‌اش ذخیره نموده پس او را می‌خواند آنگاه که پای در رکاب مرگ کنی و از ساعت زمان خارج شوی. زمزمه‌ای شیرین تو را می‌خواند. مرا می‌شناسی در حیاتی که عمرت محسوب می‌شد مرا در قالب ساعت می‌دید و ولی اکنون در قالب

امانت‌داری می‌بینی که لحظه‌ها و ثانیه‌هایت را در خود ذخیره نموده تا به صاحب‌الزمان (عج) تحویل دهد. پس با خیالی آسوده از زمان خارج شو و به دیدار مکانی برو که صبح‌گاهان و شبانگاهانش در امتداد رحمت الهی در چرخش است.

پس با این فرموده‌ی سرور عالمیان، مولا و سرورمان یوسف زهرا امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) در کنارمان هستند. رستگار و سعادتمند کسانی هستند که لحظه‌ها و ثانیه‌ها را با ایشان طی کنند و با خیالی آسوده از این دنیا رفته و در رحمت پروردگار داخل شوند. ولی افسوس که هیچ زمان امت مسلمان نه تنها وجود مقدس سرور عالمیان و فرزندان گهربارش را قدر ندانستند بلکه با تمام توان به دشمنی با آنان برخاستند.

ما امشب به سوگ شهادت یکی از ایشان یعنی یازدهمین اختر امامت و ولایت، عالم و زاهد، با تقوا و با وقار حضرت امام حسن عسکری (ع) در این خانه‌ی نور حضور داریم. ایشان تمام عمر مبارکشان را در تبعید و زندان گذراندند زیرا خلفای عباسی قصد داشتند نگذارند نسلی از امامت باقی بماند ولی امام حسن عسکری (ع) بر آن واقف بودند و تدبیر فرمودند و وجود مقدس فرزند گرامی‌شان را که معجزه و نعمت و رحمت بی‌نظیر پروردگار بود از آنان پنهان داشته و برای دوران غیبت و ظهورش شیعیان را آماده می‌نمودند.

در این شب مناجات زیبایی را که توأم با آموزش و آگاهی به شیعیان در مورد امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) است را از امام حسن عسکری (ع) نقل می‌کنیم که: بار الها قلبم دریای اتصال به سرچشمه‌های لطف توست. چشمه‌هایی از اعماق وجودها، پس نوشندگان جرعه‌ای بر می‌دارند تا لب سوخته از عطش را نمناک کنند. جرعه‌ی اول را می‌نوشند تا طعمش را حس کنند و سپس سر را بر چشمه می‌گذارند تا عطششان فرو نشیند و جانشان سیراب گردد و اکنون امت جدم بر سرچشمه‌ی لطف بارگاه پر عظمت نشسته‌اند تا لبی نمناک کنند و تو ای پروردگارم جان عطشناکشان را مهمان سلسبیل لطفت بنما تا کویر سوخته‌ی سال‌های هجران به گلستانی از وصل بدل شود و عطر و بوی بهشت به مشام بهشتیان همچون پیراهن یوسف باشد که دیدگان

نابینای دهر را بینا کند تا شیفتگان وصلت بر دامن حق چنگ زنند و سیاهی و تباهی را افسانه‌ای بخوانند که در داستان‌های گذشتگان برای همیشه به فراموشی سپرده شود.

بله به راستی هر کس جرعه‌ای از لطف و احسان یوسف زهرا را درک کند سراپای شیفته و مشتاق وجود مقدسش شده تا در رکابش علیه باطل قیام کرده و حق را با تمام وجود احساس کند.

پس ما نیز برای آن همگی او را می‌خوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۶ آبان ۹۸

خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج)

سلام بر زمان آنگاه که سفره‌ی رحمتش را می‌گسترد تا نیازمندان را از رحمت واسعه‌ی پروردگار اطعام کند.

امروز نهم ربیع‌الاول آغاز ضیافتی ملکوتی است. حضرت آدم (س) به فرزندش می‌نگرد. اینک سنگینی زمان بر شانه‌های مبارکت گویای جانشینی تمام انبیاء و اولیاء در زمان حیاتشان بوده. ای وارث انبیاء تو عصاره‌ی حیات‌بخش عالمی. زمان به فرمانت در مدار خویش به گردش در می‌آید تا شیفتگان جان مطهرت را در مدار حق به گردش درآورد.

پس به خانه‌ی رسول‌الله (ص) می‌رویم تا از پیش‌بینی این روز ملکوتی در محضرش مطلع شویم. می‌فرمایند: سلام محمد (ص) بر آخرین وصی‌اش آنگاه که ردای امامت را بر قامت ملکوتی‌اش می‌پوشد. امتش قرن‌ها در انتظارش نام زیبایش را در اشک‌ها و لبخندهایشان می‌گنجانند. به دنیا می‌آیند. از دنیا می‌روند. در حسرت دولت‌ش ناله سر می‌دهند تا اراده‌ی پروردگارش بر این هجران پایان دهد و به حضور امامشان جان‌هایشان از ظلمت انتظار به نور فرج مزین شود.

امروز گویای ضیافتی است که جان منتظران را بار دیگر به انتظاری زیبا مزین می‌کند. یک سال بر امامت آخرین تحفه‌ی آسمانی افزوده می‌شود تا اطاعت‌گران حق را در انتظارشان مدد نماید.

اینک در ضیافت صاحب و امامان حضرت بقیه‌الله (عج) شرکت می‌کنیم تا این روز بزرگ بدون قرینه را به خدمتشان تبریک بگوییم. ای صاحب جان‌های منتظر با نگاه ملکوتی‌تان از منتظران دولت حقه‌تان پذیرایی کنید تا شیرینی این لحظات در جامان جاودانه شود. ما توان درک نعمتمان را نداریم. ای صاحب تمام نعمت‌ها و رحمت‌ها به جان سوخته از فراقمان نظری کنید. ما لایق ضیافت شما نیستیم پس به فرموده‌ی کتاب آسمانی گدایان امشب را دریابید.

ما نیز به همراه تمام انبیاء و اولیاء این روز بزرگ را به محضرتان تبریک عرض نموده، امیدواریم امتی لایق در امامتتان باشیم. گرچه آرزوی دولتتان جانمان را در انتظارش مدد می‌نماید. همچنان فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) ۲۲ آبان ۹۸

سلام و صلوات ذکری است که پروردگار عالم آن را برای رسول خود برگزید و امر فرمود تا آفرینش بر آخرین برگزیده‌اش درود بفرستد.

«إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.» سوره مبارکه احزاب آیه کریمه ۵۶.

به‌راستی که خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او سلام و درودی فراوان بفرستید.

چون او خاتم رسولان، پایان دهنده‌ی کفر و تباهی و شرک بود و گنجینه‌ی جانش پرده‌ی غیب را به تصویر می‌کشید. پروردگار معرفی‌اش می‌فرماید، نامش را به همگان می‌آموزد، او «رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ» است و زبان مطهرش میراث‌دار گنجینه‌های آفرینش و عمر شریفش امانت‌دار رسالت انبیاء. در طول عمر مبارکش رئوف و مهربان بود. در رسالتش با تحمل رنج و سختی، نهایت تلاش برای نجات بشریت از جهل و کفر، عاشقانه همت گماشت که خداوند کریم در این مورد فرمود: هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد و هر آنچه شما را رنج می‌دهد بر او گران می‌آید. سخت به شما دل‌بسته است و با مؤمنان رئوف و مهربان است.

چه زیبا توصیف فرمودند وجود مبارک پیامبر را امیر مؤمنان علی (ع) که فرمودند: تا اینکه تکریم خداوند سبحان شامل حضرت محمد (ص) و خاندان او شد و خداوند ایشان را از برترین مبدأ به وجود آورد و نهال او در جلیل‌ترین دودمان قرار داد و آن نهالی بود از شجره‌ی انبیاء که خداوند پیغمبران امین خود را از آن شجره به وجود آورد. دودمان او از بهترین دودمان‌ها است و خویشاوندانش از بهترین‌ها. او موجودی است که در حرم به وجود آمد و در محیط دارای ساقه شد و مرتفع گردید. شاخه‌های این درخت بلند است و میوه‌اش در دسترس نیست و پیشوای کسی است که تقوی را پیشه نماید و نور دیدگان کسی است که برای راهنمایی شدن صلاحیت داشته باشد. او

چراغی است که روشنایی آن اطراف را منور می‌نماید و ستاره‌ای است که نور آن در جهات مختلف چشمک می‌زند. روش زندگی او رعایت حد وسط است و سنت او مبتنی بر این می‌باشد که وسیله‌ی راهنمایی نوع بشر فراهم گردید و آنچه بر زبان می‌آورد برای این است که بین حق و باطل فرق گذاشته شود و هر زمان که دستوری از طرف او صادر شود برای برقراری عدالت می‌باشد.

در ادامه بهره می‌گیریم از فرموده‌ی گهربار مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) در مورد رسالت جدّ بزرگوارشان که مژده‌ی آمدنش را در تورات و انجیل و دیگر کتاب‌های آسمانی داده شده بود. با آمدن پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) پروردگار فرموده: ای فرزندان بنی‌اسرائیل سال‌هایتان به امید شکوفایی نهالی سپری شد که همواره نقش کبریاپی‌اش را در باطن جانتان چشیده بودید پس به آستانش بشتابید که انتظارتان به سر آمد. چهره‌ی پیامبر از نقاب زمینی‌اش کنار رفت و وسوسه‌ها آغاز گردید. او کیست؟ آیا کسی که سال‌ها او را می‌شناختیم اکنون ادعای رسالت دارد؟ مخالفت‌ها آغاز گردید و وحی الهی در اطاعت تنها ماند. منتظران گریختند و سر را در نقاب نفس اماره پنهان کردند ولی حق به میدان آمد. یک نفر در مقابل امت‌ها از اولین تا آخرین. زبان مطهرش میراث دار گنجینه‌های آفرینش بود و عمر شریفش امانت‌دار رسالت پدران گرامی‌اش. باز حق ماند و باطل افسانه‌ای شد در ذهن‌های امت‌ها.

بله با این فرمایشات گران‌قدر به گوشه‌ای از فضائل پیامبرمان، رسول اکرم حضرت محمد (ص) آگاه شدیم و همان‌گونه‌ای که امیر مؤمنان فرمودند: دودمان او از بهترین دودمان‌ها است و خویشاوندانش از بهترین‌هاست. به راستی که چنین است و شادی ما در این روز مبارک مضاعف است به میلاد یکی از ایشان، ششمین ستاره‌ی تابناک امامت و ولایت، معلم حکمت و عرفان و قرآن، امام جعفر بن محمد صادق (ع) است. ایشان خدمت شایان توجهی در جهت اصلاح احادیث و تربیت شاگردان و آموزش ایمان و عرفان درست در کتاب گران‌سنگ مصباح‌الشریعه به شیعیان نمودند.

و آخرین گل همیشه بهاری، از این خاندان فرزند و وارث حقیقی پیامبر و مادر و پدران گرامی‌اش که زمین و زمان و همه‌ی هستی در انتظار قیامش لحظه‌شماری می‌کند تا وعده‌ی پروردگار محقق شود. مولا و سرورمان، امام عصر و زمان ابصالح المهدی (عج) ظهورش امضا شود و هجرانش به سر آید. چشمان منتظرانش روشن به جمال منورش گردد و دل‌های سوخته از فراقشان به دیدارش شاد شود که مادر گرامی‌اش، سرور عالمیان آن را این‌گونه توصیف فرمودند:

سلام بر زمان آنگاه که اعلام می‌کند ای بندگان پروردگار عالم برخیزید تا وعده‌ی حق را که فرمود آنچه برایتان باقی گذاشتم را بنگرید تا ظلمت جانتان به انوار حق مزین شود. ثروتی که اندوخته‌گانش به میدان عمل آمده، ابراز می‌دارند: یا رب وعده فرمودید که ذخیره‌ها را می‌ستانند. اینک به درگاه پر کرامت پناهنده شده‌ایم تا به وعده‌ی آنچه فرمان داده‌اید عمل کنیم. پس اندوخته‌ای را به پیشکشی آوردیم که نامش انتظار است. روز و شبی که در پی یکدیگر عمری را رقم می‌زند و او حق را می‌خواند. ای اندوخته‌ی عالم هستی ثروتم را که عمری در صندوقچه‌ی جانم ذخیره کرده‌ام را به پیشکشی پروردگارم آورده‌ام تا بهره‌اش را در حق بیابم. اسرار عالم به زبانی شیوا مرا می‌خواند. آیا توان درک ثروت را داری. حیاتی که مماتی را نمی‌شناسد. ممات افسانه‌ای است که ثروتش را در صندوقچه‌ی جانم مدفون نمود تا به وعده‌ی پروردگار که فرمود آیا تاریکی و روشنایی برابرند برسد.

پس ای مهمانان کوی عشق، ای منتظران حقیقی آخرین وصی پیامبر با این فرموده‌ی سرور عالمیان انتظار دولت حقه‌ی امام عصر و زمان ابصالح المهدی (عج) ثروتی است تمام نشدنی و حیاتی است جاودان که ممات در پی ندارد. باید که شکرگزار پروردگار کریم باشیم که ما را به آن هدایت فرمود تا با زینت انتظار مزین شده و سعادت‌مند و رستگار شویم.

پس برای قبولی آن هر لحظه فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۶ آذر ۹۸

خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع)

الحمد لله رب العالمین. شکر و حمد و سپاس پروردگار مهربان و بنده‌نواز را سزااست که از سر رحمتش فرمود:

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»

«چون بندگان من درباره‌ی من از تو پرسند بگو که من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم پس به ندای من پاسخ دهند و به من ایمان آورند تا راه راست یابند.» سوره مبارکه‌ی بقره آیه کریمه‌ی ۱۸۶.

چه فرموده‌ی لطیف و سرشار از مهر و محبت و دلنوازی، چه دعوت با شکوهی که خداوند کریم در عین بی‌نیازی بندگان را به سوی خود می‌خواند تا آغوش گرمش را که در حیات و ممات به روی آنان باز است را احساس کنند و به ندایش لبیک گفته و عاشقانه او را دوست داشته و پرستش کنند تا نجات یابند و رستگار شوند و تا ابد با هدایتش به جوار جبروتی‌اش رسیده و سعادتمند شوند.

پروردگار مهربان در آیات کریمه‌ی قرآن به بندگانش آموخته که چگونه آن را از خودش بخواهند که فرموده: «بگو ای پروردگار من، مرا به راستی و نیکویی داخل کن و به راستی و نیکویی بیرون ببر و مرا از جانب خود پیروزی و یاری عطا کن.»

پس بیایید تا فرصت باقی است اطاعت و عبادت و عشق پروردگاران را در افکار و عملتان ذخیره کنیم تا در قیامت در نامه‌ی عملتان جز خشنودی خداوند چیزی نباشد.

چه زیباست توصیف آن از سرور عالمیان، کوثر الهی حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) که فرمودند: سلام بر زمان آنگاه که در فرمان قیامت قرار می‌گیرد. امانتش را از جانها می‌گیرد. اینک زمانی برای آغاز و پایان وجود ندارد. هیچ یک از عوامل هستی به کار

نمی‌آید. برخیزید وعده‌ی الهی محقق گردید. جانتان را به آنچه اندوخته‌اید بیارایید. به ضیافت قیامت خوانده شده‌اید. اینک حرکت معنای خویش را در عمل به نمایش می‌گذارد. لوح جان‌ها از قرارگاه خویش خارج گشته به طرف حق حرکت می‌کند. جام‌ها آماده است تا تشنگان زمان را در مستی عملشان قرار دهد. فرمان می‌دهد خودتان را به نعمت‌ها بیارایید. نعمت‌هایتان پایانی ندارد، زمانی بر آن نمی‌گذرد. اینک عطای پروردگارتان بر شما غالب است. بخورید و بیاشامید. منع‌کننده‌ای مثل زمان را نمی‌شناسید. پس به دریای الطاف پروردگارتان متصل شوید تا نعمتتان افزایش یابد.

شکر پروردگار رئوف و رحیم را که با برگزیدن پیامبر عظیم‌الشأن اسلام، رسول خاتم حضرت محمد مصطفی (ص) و اهل‌بیتش در به ظهور رساندن آیات کریمه‌ی قرآن به بندگانش یاری فرمود و حقاً آنان با عملکرد خود آیات قرآن را به زیبایی به نمایش بشریت گذاردند که ما در این شب به میلاد یکی از ایشان یازدهمین اختر امامت و ولایت، عالم و زاهد و با تقوا و با وقار ابا محمد ابن الرضا، حضرت امام حسن عسکری (ع) که دارای کرامات زیادی بودند دور هم جمع شده‌ایم، یکی از این کرامات فرهنگ‌سازی و تعلیم و آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت فرزند بزرگوارشان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) بود. امام به شیعیان آموختند در صورت عدم حضور فیزیکی امام عصرشان چگونه از برکات وجود مقدسش برخوردار شد و عاشقانه و مشتاق منتظر ایشان و دولت با شکوه و حقه‌شان باشند. درحالی‌که از باطل‌گریزان بوده و در هوایی که امامشان نفس کشیده تنفس کرده و حق را با تمام توان در ذرات وجودشان وارد نموده و به آن عمل کنند.

پس سلام بر ایشان و دولت با شکوهشان و سلام بر دوران‌ها آنگاه که پروردگار عالم آنان را خطاب فرماید: ای یاوران حق به کرسی قضاوت زمان درآیید تا آنچه اندوخته بودید از جانتان جدا گشته و به حقیقت وحی پیوندد. اینک تاریکی شب به صبحی منور بدل گشته تا حق و باطل به میدان محاسبه درآید. حق جویان پرچم عدالت دولت حقه را در دست گیرند و یاران خویش را بخوانند. سپس حجاب‌ها از زمان جدا گردد تا آنچه اندوخته بود بر همگان عیان شود.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس مولا و سرورمان اباصالح المهدی (عج) به مناسبت میلاد پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری (ع) به تمنا ابراز می‌داریم:

مولا و سرورمان ما عاشقان و مشتاقان شما و دولت با شکوه و حقه‌تان از همه‌ی باطلین زمانه برائت می‌جوئیم و استدعا داریم تا ما را یاری فرمایید که هارون‌وار در پای کوه طور بایستیم و چشم به آسمان لطف و کرم الهی بدوزیم تا شما از آن پایین آمده و همه‌ی زمین به برکت وجود مقدستان از لوث فتنه‌گران و کافران و منافقان پاک گردد پس به شوق آن لحظه همه فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۱ دی ۹۸

خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)

بار الها، حمد و سپاس از آن توست و من بنده‌ی حقیر و سراپا تقصیر به تو پناهنده شدم و آنچه در دل دارم با زبان مطهر مولایم امیر مؤمنان (ع) به پیشگاهت عرضه می‌دارم که:

خدایا من از تو برای آنچه از نفس بد در وجود من است و تو به آن بهتر از خود من آگاه‌تری، هر بار که مرتکب آن بشوم مرا ببخش. خدایا برای آنچه در دل، در پیشگاهت تعهد کرده اما به آن وفا ننمودم و آنچه به وسیله‌ی زبان نسبت به تو تعهد کردم و به تو نزدیک شدم اما قلب من به آن مخالفت کرد درخواست بخشش دارم. خدایا من از تو برای گناهایی که با اشارت چشم و گفته‌های بی‌مورد و هوس‌های دل و پراکنده و بیهودگی زبان مرتکب شدم درخواست بخشش دارم.

بارالها ببخش بر من آنچه را که از زبان مولایم امیر مؤمنان (ع) از تو درخواست کردم که من تشنه‌ی لطف و رحمت تو هستم و مشتاق تو، همان‌گونه‌ای که فرمودی «وِ اِلٰی رَبِّكَ فَارْغَبْ» به پروردگارت مشتاق شو و بندگی و عبادت کن.

بارالها می‌دانم که نیت و عملم راه گشای درگاه لطف احسان توست. همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) فرمودند که: جان انسان در حیاتش دارای اختیار است تا تمام پنجره‌های لطف پروردگارش را بگشاید و یا به روی خویش محکم ببندد. اگر بگشاید از الطافی می‌گذرد که انتهایش آغوش پر مهر پروردگارش است و اگر نتواند زندانی در بندی می‌شود که زنجیر علایقش او را در بند می‌کشد و او را ناتوان از حرکت باقی می‌گذارد و آنگاه که اراده از او سلب می‌شود زمان خواستن به پایان می‌رسد و آنچه در عمل کسب گردیده میزان قرار می‌گیرد.

پس سلامتی در جانی است که پروردگار عالم فرمود ای بندگان من آنگاه که شما را بر بارگاه با جلالتم بخوانم ندایی در جانانتان طنین‌انداز شود و همگان را بر تناول نعمتی بشارت دهد. آن نعمت به جوشش درآید و سخن آغاز کند. ای خالقم آنگاه که جان

ضعیفم را بر بارگاه با جلالت در انواری از حق قرار دادی حق سخن آغاز کرد. نامی را فراگرفت تا موجودیت جانش را در قالب آن نام اعلام نماید. پروردگارا امر فرمودید همگان برای معرفی آن نام حاضر شوند. سکوت و انتظار آغاز گردید و آن نام در معرفی خود اعلام داشت: ای آفرینش پروردگارم بر نامم که مرا حق خواند و مکذبین آن را باطل، به اطاعت درآیید. همگان بر حق تسلیم شدند و آینه‌ی جهان پیمانشان را در صفحه‌ی جانش به ودیعه نگه داشت تا همواره حق جاودان بماند و باطل آثارش را محو و نابود اعلام دارد.

بله چه زیباست این فرموده‌ی سرور عالمیان و چه مصداق است بر اهل بیت پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) که هر کدام در حیات خود به بشریت نشان دادند که حق جاودان و باطل نابود است.

ما در این شب مبارک به میلاد یکی از ایشان در این خانه‌ی نور حضور داریم. ایشان اسوه‌ی صبر و شجاعت و ایمان و علم و مهر و عرفان، حضرت زینب کبری (س) هستند. چگونه می‌شود از ایشان سخن گفت چون زبان‌ها قاصر و کلمات عاجز و فراتر از عقل و اندیشه است چون همه‌ی فضائل و حسنات را در وجود مطهرش یکجا داشت. قبل از تولدشان پدر گرامی‌اش امیر مؤمنان (ع) و مادر بزرگوارش حضرت زهرا (س) آگاهی داشتند که فرزندشان دختری بی‌نظیر و خاص است. به دعا از پروردگار می‌خواستند او را درختی استوار در رسالت پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) قرار داده و او را در این امر خطیر یاری فرماید. دعایشان به اجابت رسید و پیامبر (ص) او را ریشه‌ی نبوت خواند و پروردگار عالم چنان زبان شیرینی به او عطا فرمود که زمین و آسمان امانت‌های خویش را به پیشکشی آوردند و پروردگار پذیرفت و فرمود کلامی را در زبان او آفریدم تا آنگاه که تکلم کند همگان در مقابل تکلمش به تکریم درآیند اعلام دارند که پروردگارا جز آنچه به ما آموختی دانش دیگری نداریم.

حضرت زینب (س) قلب نازنینش نازک‌تر از برگ گل و مهربانی‌اش زلال‌تر از چشمه‌ساران بود که بزرگ و کوچک، پیر و جوان از آن سیراب می‌شد و جوانان

بنی‌هاشم بیشتر از مادرشان از مهر و محبت او جان می‌گرفتند و همین زینب در مقابل ظلم و کفر و نفاق چنان استوار و محکم بود که کوه‌ها را شرمنده می‌کرد.

در کربلا زمانی که وارد خیمه‌ی امام حسین (ع) می‌شود چنان قدم بر می‌دارد که ستون خیمه تکان می‌خورد. امام با تبسمی می‌فرماید: خیمه‌ی امامت از استحکام قدمتتان به لرزه افتاده. حضرت زینب (س) می‌فرماید: می‌خواهم این سرزمین مرا در اطاعت از امامت در قلبش به تصویر کشد، خاکش بشکافد و مطمئن شود که اطاعت‌گران، مصمم به فرمانی هستند که امامت صادر بفرماید.

بله ایشان با همان ابهت و استواری قدم به کاخ ابن زیاد گذاشتند که آن ملعون تعجب کرده و پرسید، این بانو کیست که چنین مغرور و محکم قدم بر می‌دارد، گفتند زینب دختر علی (ع) است و همین‌گونه وارد کاخ یزید شد و آن ملعون نیز گفت شما چرا شبیه اسرا نیستید.

بله هر چه از فضائل و حسنات حضرت زینب (س) سخن بگویم کم است. پس در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) در میلاد عمه‌ی گرامی‌شان حضرت زینب کبری (س) از وجود مبارکش‌ان عاجزانه تمنا داریم:

ما را در ادامه‌ی راه حضرت زینب (س) در این عصر و زمان پر از ظلم و نفاق و فتنه و کفر یاری فرمایند و با تعجیل در ظهورشان ریشه‌ی ظالم و کافر و منافق را برکنند و برای تحقق آن به شوق فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۹ دی ۹۸

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت اول)

سلام بر زمان و آفرینشش، بر ساعت‌ها و دقیقه‌هایش، بر ضربان حیاتش، بر غم‌ها و شادی‌هایش، بر حسرت‌ها و هجران‌هایش، بر گذشت سال‌هایش و بر مزارهایی که چونان مرواریدهایی در درون صدف خاک خفته‌اند تا ندای حق این صدف‌های درخشان را بگشاید و آنچه از آن بیرون آید عالم را مسخر خویش گرداند و وای بر مردگان دهری که مزاری جز وجود افسون شده‌ی خویش ندارند. نام‌هایی که از گور زمان بر می‌خیزند تا نفرت ساعت‌ها و دقیقه‌ها را در اعمال ننگینشان به جان جدا شده از رحمت الهی بچشانند.

امروز یادآور حزنی سنگین است. حزنی که کوثری بی‌همتا را از آغوش امامت و ولایت به آغوش ملکوتیان برد تا زمان در تمام ساعات و دقیقه‌هایش از فراقی فریاد کند که در دلش به امانت دارد. راز کدام زبان را بگشاید. چگونه توان گشودن زبان امیر مؤمنان (ع) را در این فراق دارد. او امروز در آیین‌های جانس حوادثی را مرور می‌کند که جهل جاهلان بر جان ملکوتی‌اش وارد نموده. دست بر قلب خاموش همسرش می‌گذارد. فاطمه جان قلب نازنینت هرگز از تپش عشق به حق نخواهد ایستاد. پس زمان گهرش را همواره در کنارش نگه می‌دارد تا امانت‌دارش از پرده‌ی غیبتش بیرون آید و همگان سیمای دختر رسول خدا (ص) را در چهره‌ی فرزندش تماشا کنند.

شکر خالق یکتا را که گنجینه‌های خلقتش را در زمان جاودان نمود تا آیندگان شاهده‌ی باشند بر پیروزی حق و نابودی باطلی که وعده‌ی پروردگار است. نگین رسالت در قلب حق مداران آن‌چنان می‌درخشد که مرگ نامی است که شیطان نفس در ظاهر زمان آن را حس می‌کند درحالی‌که جاودانگی وعده‌ی پروردگار است.

لحظات این فراق را از زبان اُم ابیها می‌شنویم که فرمودند: عمر گنجینه‌ای است که پروردگار عالم مانند لباسی بر جان الستی می‌پوشاند تا فرزندان حضرت آدم (س) بر زمین خاکی قدم بگذارند. بیایند به دنیایی که پروردگارشان آن را معرفی فرموده با

آسمانش، زمینش و تمام نعمت‌های زیبایش، آنگاه اجلی را بر این عمر قرار داده تا بندش پاره شود و جان الستی از لباس دنیا بیرون آید. بار دیگر تن‌پوش ملکوتی خویش را بر تن کند و به جایگاه اصلی‌اش بازگردد و با خود عملی را به پیشکشی به حضور پروردگارش ببرد.

کتاب آسمانی رمز این پیشکشی را گشوده است و هر کس می‌داند که چه آماده نموده. من به دیدار وعده‌ای می‌روم که منتظرش بودم و امت پدرم را در زمان‌ها و دوران‌های آینده می‌بینم که از من جز نامی در میراث جانشان ندارند. آنان امت‌هایی هستند که همواره می‌آیند تا زمان‌ها راز قلبشان را به یادگار نگه دارد و من شاهدی باشم بر دعوت انبیاء تا فراق عشق با وعده‌ی پروردگار از زمان برداشته شود و دولت با شکوه حق ظهور کند. آنگاه نام پر جلال آفریننده‌ی زمین و آسمان در قلب حق مداران بدرخشد و آنان اعلام دارند که فاطمه جان تویی همان کوثری که همواره در زمان‌ها و دوران‌ها از زبان با شکوهت اعلام کردیم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۹ بهمن ۹۸

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت دوم)

سلام بر زمان و آفرینشش، بر ساعت‌ها و دقیقه‌هایش، بر ضربان حیاتش، بر غم‌ها و شادی‌هایش، بر حسرت‌ها و هجران‌هایش، بر گذشت سال‌هایش و بر مزارهایی که چونان مرواریدهایی در درون صدف خاک خفته‌اند تا ندای حق این صدف‌های درخشان را بگشاید و آنچه از آن بیرون آید عالم را مسخر خویش گرداند و وای بر مردگان دهری که مزاری جز وجود افسون شده‌ی خویش ندارند. نام‌هایی که از گور زمان بر می‌خیزند تا نفرت ساعت‌ها و دقیقه‌ها را در اعمال ننگینشان به جان جدا شده از رحمت الهی بچشانند.

امروز یادآور حزنی سنگین است. حزنی که کوثری بی‌همتا را از آغوش امامت و ولایت به آغوش ملکوتیان برد تا زمان در تمام ساعات و دقیقه‌هایش از فراقی فریاد کند که در دلش به امانت دارد. راز کدام زبان را بگشاید. چگونه توان گشودن زبان امیر مؤمنان (ع) را در این فراق دارد. او امروز در آیین‌های جانس حداثی را مرور می‌کند که جهل جاهلان بر جان ملکوتی‌اش وارد نموده. دست بر قلب خاموش همسرش می‌گذارد. فاطمه جان قلب نازنینت هرگز از تپش عشق به حق نخواهد ایستاد. پس زمان گهرش را همواره در کنارش نگه می‌دارد تا امانت‌دانش از پرده‌ی غیبتش بیرون آید و همگان سیمای دختر رسول خدا (ص) را در چهره‌ی فرزندش تماشا کنند.

شکر خالق یکتا را که گنجینه‌های خلقتش را در زمان جاودان نمود تا آیندگان شاهده‌ی باشند بر پیروزی حق و نابودی باطلی که وعده‌ی پروردگار است. نگین رسالت در قلب حق مداران آن‌چنان می‌درخشد که مرگ نامی است که شیطان نفس در ظاهر زمان آن را حس می‌کند درحالی‌که جاودانگی وعده‌ی پروردگار است.

لحظات این فراق را از زبان ام ابیها می‌شنویم که فرمودند: عمر گنجینه‌ای است که پروردگار عالم مانند لباسی بر جان الستی می‌پوشاند تا فرزندان حضرت آدم (س) بر زمین خاکی قدم بگذارند. بیایند به دنیایی که پروردگارشان آن را معرفی فرموده با

آسمانش، زمینش و تمام نعمت‌های زیبایش، آنگاه اجلی را بر این عمر قرار داده تا بندش پاره شود و جان الستی از لباس دنیا بیرون آید. بار دیگر تن‌پوش ملکوتی خویش را بر تن کند و به جایگاه اصلی‌اش بازگردد و با خود عملی را به پیشکشی به حضور پروردگارش ببرد.

کتاب آسمانی رمز این پیشکشی را گشوده است و هر کس می‌داند که چه آماده نموده. من به دیدار وعده‌ای می‌روم که منتظرش بودم و امت پدرم را در زمان‌ها و دوران‌های آینده می‌بینم که از من جز نامی در میراث جانشان ندارند. آنان امت‌هایی هستند که همواره می‌آیند تا زمان‌ها راز قلبشان را به یادگار نگه دارد و من شاهدی باشم بر دعوت انبیاء تا فراق عشق با وعده‌ی پروردگار از زمان برداشته شود و دولت با شکوه حق ظهور کند. آنگاه نام پر جلال آفریننده‌ی زمین و آسمان در قلب حق مداران بدرخشد و آنان اعلام دارند که فاطمه جان تویی همان کوثری که همواره در زمان‌ها و دوران‌ها از زبان با شکوهت اعلام کردیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س)

۲۵ بهمن ۹۸

شکر و سپاس پروردگار کریم و رحمان را سزااست که خلق کرد آدمی را از خون بسته و از حکمت و کرامتش به آن عزت بخشید و امر فرمود که او را در بزرگی‌اش بستایند و در نسل او گهرانی نایاب قرار داد که با عمل و اطاعتِ عاشقانه‌ی خود همه را به حیرت وادارند. پس سلام بر جان‌های مطهر که توانستند به عهد و پیمان‌الستی خویش عمل نمایند. آمدند تا جان‌های پنهان شده در کالبد خاکی را بر جایگاه عزت بندگی بنشانند. اطاعت‌گران چهره‌ی خویش را آشکار کردند همانانی که زمان ودیعه‌دار جهادشان است تا میراث‌بران زمان را به ضیافت حق بخوانند.

بله گل سرسبد این جان‌های مطهر وجود گهربار و با برکت سرور خلائق، رسول اکرم، احمد و محمود، حضرت محمد (ص) و اهل‌بیتش هستند که شأن و مقام و عزتشان را خداوند کریم چنین معرفی فرمود که: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمان‌هایم به درستی که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر به خاطر دوستی ایشان.

این عزت و شوکت بی‌نظیر عطایی پروردگار رحمان فراتر از فکر و اندیشه است. پس باید شکرگزار خداوند کریم باشیم که مهر آنان را در قلب ما نهاد تا رستگار شویم و امروز این محفل مزین است به میلاد سرور عالمیان صدیقه‌ی کبری، فاطمة الزهرا (س) که پروردگار عالم این روز را مبارک اعلام فرمود و به پیامبر و امتش مژده داد که من کوثر عطا کردم. پس برای پروردگارت نماز شکر بخوان و قربانی کن. پس این روز و ایام را به واسطه‌ی آن باید گرامی بداریم؛ و سلام بر ایام، ماه‌هایی که همانند گنجینه‌ای در عمر زمان می‌گذرد تا عظمتی را به تصویر بکشد که در ساعاتش نهفته است. نفس‌های متبرکی که حیات و مماتشان بیان‌کننده‌ی غم‌ها و شادی‌های زمان است. آنگاه که می‌آیند تا پاسخ سلامی را بدهند که پروردگارشان فرموده. سلام بر آمدنشان.

می آیند و با خود برکتی را می آورند. برکتی که زنده کننده‌ی مردگان دهر است. ضربان حیاتی که در خود هزاران معمای خلقت را به تصویر می کشد. جانشان در احاطه‌ی حق به سخن درمی آید. سلام بر آمدنم و ایام عمرم در سالها و ماهها و ساعات و دقیقه‌هایی که نامش انتظار است تا بر وعده‌ای که فرمود سلام بر رفتنشان، کوچی مبارک از ایامی که شاهد و مشهود عمری با برکت است و قیامتی که شاهده‌ی بر این دو سلام است تا راز خلقت ایام از جانش جدا گردد و وعده‌ی الهی محقق شود.

حضرت صدیقه کبری فاطمة الزهرا (س) ضربان حیاتش در عمر پر برکتشان نوید نجات بشر و آرامش عالم بود. همان‌گونه‌ای که نفس‌های قدسی یادگار و وارث، فرزند گرمی‌اش، مولا و سرورمان ابی‌صالح المهدی (عج) در عصر حاضر عالم را منور و مطهر می‌نمایند. چه زیبا آن را سرور عالمیان فرمودند که: وقتی پدرم رسول خدا (ص) آیات سوره یوسف (س) را تلاوت می‌فرمود، روی زانوی مبارکش نشستم و پرسیدم پدر، یا رسول‌الله آیا عشق یعقوب (س) به یوسف (س) چگونه عشقی بوده است و فراق چه مفهومی دارد و رسول‌الله (ص) فرمودند نور دیده‌ام پیامبران دنیای خاکی را با جواهرات اصل خلقت دوست می‌دارند. اگر آن جواهرات در کنارشان نباشد به دنبالش می‌گردند و دعا می‌کنند تا گهرها را بیابند و هجران خالقشان را با طعم گهران قابل تحمل نمایند. یوسف (س) گهری بود که یعقوب (س) را بی‌تاب فرمود و هجران دوری را سخت. پس داشتن گهری چون تو در دامن من مرا در هجران پروردگارم مدد می‌نماید. پس دست کوچکت را بر قلب پدر بگزار تا از دوری خالقش پاره نشود و سرور عالمیان در ادامه فرمودند اگر انتظار گهر وجود پسر مهدی در عالم نبود، عالم از فراق دیدار خالقش از هم می‌پاشید و آسمان و زمین از هم می‌گسست ولی امید و انتظار نوید دیدار گهری را می‌دهد که لحظه‌ها به امید آن در صبر جمیل هستند.

در این روز خجسته و مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس یوسف زهرا (س) سرور و مولایمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) به وجود مقدسشان به تمنا ابراز می‌داریم که ما منتظران دولت حقه‌ی شما چشم انتظار درگاه پروردگار کریم هستیم که از فضل و کرمش در ظهور شما تعجیل بفرماید تا شما وجودهای

خشکمان را با رحمت الهی آبیاری فرمایید تا به بار تقوا و ایمان راستین و معرفت بنشیند همان‌گونه که خداوند فرمود ای منتظران در قالب جانتان گنجینه‌ای نهفته است گاه توان جان آدمیان به میدان محاسبه می‌آید و گاه ندایی در جانش او را می‌خواند. سلام بر تو چگونه قادری تا امانتی را با خود همراه کنی که جایگزین رحمتی است بی‌منتها. اینک سینه‌ات را آماده کن تا به ندایی پاسخ دهد که او را می‌خواند. منم آن ذخیره‌ی خداوندی که زمین جان‌ها را آماده‌ی بذری الهی می‌کند تا مزرعه‌ای که وعده‌ی قرآن کریم است به بار بنشیند. زمان‌ها به چرخش درآید تا به ندای صاحب خویش که در جانش به ودیعه بوده پاسخ دهد.

سرور عالمیان آن را چه زیبا توصیف فرمودند: آنانی که همواره در برپایی دولتی دیده‌هاشان چون نرم بارانی بر زمان باریده است تا از آن هزاران خوشه سر از خاک برآورد. به فرموده‌ی قرآن کریم نه تند بارانی بلکه انتظاری که از آن هزاران میوه‌ی در غلاف بر شاخه‌ی وجود ظاهر گردد.

پس آنچه در آیات قرآن کریم می‌درخشد همگی حکایت از دولتی دارد که نامش دولت ظهور است. پس ما نیز همگی بر ظهور آن دولت کریمه فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

در خاتمه این روز فرخنده و مبارک را به شما مهمانان این کوی عشق مخصوصاً مادران و مادران آینده و خانم‌های محترمه تبریک عرض کرده و از خداوند متعال می‌خواهیم که در عمل به سفارشات و آموزه‌های حضرت زهرا (س) در زندگی‌مان یاری فرماید و برای شادی ارواح مادران فوت شده از این جمع فاتحه‌ای قرائت فرمایید.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۶ اسفند ۹۸

خطبه‌ی ولادت امام محمد باقر (ع)

حمد و ثنا خداوند رحمان و رحیم را سزاوار است که می‌بخشد و مهربانی می‌کند. فقیر را غنی و ذلیل را به عزت می‌رساند. ضعیف را قوی، گمراهان را هدایت، توبه‌کنندگان را نجات و دشمنانش را عذاب می‌کند. آن خدایی که زندگان را روزی و مردگان را به‌سوی خود می‌خواند و جاوید است و پایانی ندارد. گریزگاهی از فرمانروایی‌اش نیست. بازگشت همه به‌سوی اوست. نیست معبودی قابل‌ستایش و سپاس جز ذات کبریایی‌اش.

خطبه را با مناجات پر از معرفت و عرفان و توحید از امیرمؤمنان علی (ع) آغاز کردیم و پی می‌گیریم با سلامی از سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) که فرمودند: خداوند کریم امر فرموده که او را با نام‌های نیکو بخوانید و با یا رب یا رب حمد و ثنای پروردگار را در جانتان وارد کنید تا در قیامت که از خاک بلند می‌شویم توان بردن اسماء اش را داشته باشیم. سلام نامی است که پروردگار امر فرموده، ای یاوران من جانتان را با سلام فرشتگان بیارایید تا جام جانتان از آنچه اندوخته‌اید به سخن درآید آنگاه رازی از پرده‌ی غیب آشکار شود. مرا با نام‌های نیکو بخوانید. گاه توان عقل قادر به درکش می‌باشد و گاه آن را به فراموشی می‌سپارد. ساعات عمرش در مدار رحمتی بی‌منتها طی می‌شود. اینک او را به ضیافتی مژده می‌دهند، آیا صاحب نام را می‌شناسید. زبان‌ها به تکلم گشوده می‌شود: یا رب به من بنگر که چگونه آن زبانی را که به حمد گشوده بودم اینک به ثنا تو را می‌خواند تا در گشودن اسرار جانش او را مدد نمایی. ای یاور درماندگان به جانی که همواره سر بر خاک نهاده تا خاک جانش را بشناسد نامی بیاموز تا گنجینه جانش اسرار خویش را نمایان کند.

پس با این فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) متوجه شدیم که باید حمد و ثنای پروردگار را با زبان و دل چنان در وجود باید وارد کنیم تا با جان بیدار شده در قیامت همراه گردد. همان‌گونه‌ای که اولیاء ما نه تنها جانشان بلکه خاکشان

نیز آغشته و مطهر به حمد و ثنای پروردگار است و نور حاصله از آن، چنان خواهد درخشید که موجب حیرت خاص و عام خواهد شد که در این شب مبارک به میلاد یکی از ایشان در این خانه‌ی نور حضور داریم.

ایشان شکافنده‌ی علوم و وارث انبیاء، پنجمین اختر آسمان امامت و ولایت امام محمد بن علی ملقب به باقر (ع) هستند که اول رجب سال ۵۷ هجری در مدینه‌ی منوره به دنیا آمدند. امام محمدباقر (ع) آخرین یادگار و شاهد غیبی لحظه به لحظه‌ی نهضت کربلای جدشان ابا عبدالله الحسین (ع) بودند، با چشم مبارکشان امت جد مبارکشان رسول خاتم حضرت محمد (ص) را دیدند که به دلیل دور شدن از فرهنگ غنی اسلامی به جهالتی مبتلا گردیدند که رگ حیاتشان را بریدند و اهل بیت پیامبر (ص) را مورد آزار قرار دادند و آن را پیروزی فرض کردند و این جهالت و دور شدن از فرهنگ اسلامی حاصل دسیسه و فتنه‌ای بود که از جانب حکام ظالم و جنایتکار و دنیاپرست آن چنان بر حقایق و عقل آنان به حيله رخنه کرده بود که حق را باطل و باطل را حق تصور می‌کردند و شیطان و نفس اماره بر آنان غلبه کرده بود. در نتیجه امام محمدباقر (ع) در طول عمر گران قدرشان نسب به آگاهی دینی و فرهنگ‌سازی و تربیت علمی با اصلاح باورهای غلط امت مسلمان تلاش بی‌وقفه‌ای کردند و لحظه‌ای از این کار دست برنداشتند که حاصلش تربیت علمای زیادی بود که در شهرهای مختلف کشورهای اسلامی پخش شده و مردم را با علم و دین آشنا کردند.

اینک ما در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به پیشگاه مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) به مناسبت میلاد جد بزرگوارشان امام محمدباقر (ع) ابراز می‌داریم:

مولا و امام و ولی نعمت ما، بشریت مخصوصاً امت مسلمان به جهالتی سخت‌تر و تاریک‌تر از زمان امام محمدباقر (ع) دچار شده است. ما را دریابید که قلبمان آکنده از غم و اندوه از این همه باورهای غلط و کج‌روی‌ها و ظلم و جنایت و فتنه و فساد و کفر و نفاق است. در این عصر پر از فتنه و بی‌دینی و کشتن و حرمت شکستن مسلمانان باعث افتخار شده. جان عالم به فدای قلب نازنینتان که با دیدن این مردم پر

از غم و اندوه است. ولی حکمت به تأخیر افتادن ظهورتان را خداوند حکیم و مهربان و شما سرور و مولایمان بهتر می‌دانید و ما جز شکایت و دعا برای ظهور راهی نمی‌شناسیم. پس با چشمی اشک‌بار و جگری سوخته فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

اینک با این روز مبارک ماهی را آغاز کردیم که سرشار از خیر و برکت است. در مورد بزرگی و فضیلت این ماه چه زیبا امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند که: آنگاه که پروردگار جهان اراده فرمود تا زمین را بیافریند و روزها و شبها را برایش مقرر فرمود، اراده کرد تا موجودی را خلق کند که در این ساعات زندگی کند و روزهایی را بپیماید که مانند یکدیگر نباشد. پس در ماهها فزونی نهاد تا گنجهای معنوی آن استخراج شود؛ مانند ماه رجب که یکی از آن گنجهاست که با عبادت و اطاعت گنجهای معنوی آن استخراج می‌شود و جوینده‌ی گنج باید توانمند باشد و گنج خود را ارزان نفروشد. دل را به صاحب آن بسپارد تا مرتب به آن جلای الهی بزند تا آینه‌ای باشد برای رؤیت نور. نور ظلمت‌ها را از بین ببرد و وجودها را آماده‌ی دیدار حق کند پس شکر پروردگار کریم را که ما را به حسنات این ماه بزرگ توسط مولا و امامان معرفت بخشید. امید است که از آن بهره‌ی وافر کسب کنیم، انشا الله.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۹ اسفند ۹۸

خطبه‌ی شهادت امام هادی (ع)

حمد و سپاسی در خور و زیننده‌ی پروردگار حکیم و عزیز است که خود فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، پس حمدش فراتر از عقل و اندیشه است و به‌درستی که هیچ چیز برتر از حمد و سپاس او نیست و هیچ کس جز او نمی‌تواند حمد و سپاس بندگانش را از راه لطف و رحمت پاداش دهد پس بر آستان کبریایی‌اش سر تعظیم و بندگی و تسلیم فرود آورد و به دامن پر مهرش از شر شیاطین و ظالمان و منافقان و کافران پناه می‌بریم. آنانی که ادامه دهنده‌ی راه پدرانشان بودند و هستند. و افسوس که عاقبت شوم اجدادشان عبرتشان نشد چون شیطان و نفس پلیدشان دنیا را در نظرشان آراسته کرده و نه قیامت و برپا شدن کرسی عدالت را باور کردند و نه دولت ظهور منتقم باطل، جاری کننده‌ی حق مولا و سرورمان امام عصر و زمان (عج) را.

ولی بر خلاف تصور این دون مایگان هم امام و منجی عالم بشریت خواهد آمد و هم قیامت با تمام عظمت و بزرگی‌اش خواهد رسید. چه زیبا آن را سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) توصیف فرمودند:

سلام بر لحظه‌ای که پروردگار فرمود بر خلیفه‌ام سجده کنید تا رمز و راز آفرینش را دریابید. همگان سر اطاعت بر آستان کبریایی پروردگار خم نمودند تا راز جانشان از پرده‌ی ابهام بیرون آید. ندایی در جانشان طنین‌انداز شد. جان شما در مدار حق می‌چرخد از آن مدار بیرون نخواهید رفت تا ندای خلیفه‌تان شما را بخواند. او صاحب‌الزمان است. پس عظمت خلقتتان درمقابل بزرگی نامش کوچک می‌شود. رمز ماندتان در ندایی که آفرینش را به حکومت حق دعوت می‌کند آشکار شد و شما را به ضیافتی می‌خواند که در آن نوری جز نور حق افروخته نمی‌شود.

بله با این فرموده‌ی حقیقی و زیبا در می‌یابیم که پروردگار رحمان و رحیم در الست مزده‌ی ظهور و برپا شدن دولت حقه‌ی مولا و سرورمان ابوالصالح المهدی (عج) را به

همه‌ی مخلوقاتش داده تا ردای خلیفه را بر قامت دلربایش ببینند و همگی اعتراف کنند که فرموده‌ی خداوند حق بود که فرمود آنچه من می‌دانم شما نمی‌دانید.

پس لعنت خدا بر آنانی که زمینه‌سازان و هدایت‌کنندگان به آن دولت یعنی امامان بزرگوارمان را مورد آزار قرار داده و به شهادت رساندند که ما در این روز حزن و اندوه در این خانه‌ی مقدس به سوگ شهادت یکی از آن گهران و گنجینه‌های آفرینش دور هم جمع شدیم. ایشان دهمین اختر ولایت و امامت، صابر و عادل، عالم و هادی حضرت امام علی النقی (ع) ملقب به هادی هستند که در سال ۲۱۲ هجری در مدینه متولد شدند پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام جواد (ع) در سن هشت سالگی به امامت رسیدند و در سال ۲۳۳ هجری متوکل عباسی ایشان را به سامرا تبعید و تحت نظر گرفت. با وجود آن امام هادی (ع) لحظه‌ای از تلاش دست برنداشت و فعالیت‌های خود را به شیوه‌ای مطابق اوضاع زمان خویش به پیش برد و به مردم از راه‌های گوناگون آگاهی و عدم مشروعیت حکومت عباسی را اعلام فرمود. عاقبت حاکمان جبار عباسی ایشان را به شهادت رساندند. لعنت الله علی قوم الظالمین.

ما در این روز حزن و اندوه با قلبی آکنده از غم به ساحت مقدس مولا و سرورمان اباصالح المهدی (عج) تسلیت عرض کرده و به تمنا ابراز می‌داریم:

مولای ما سال‌هایمان با غم شهادت عزیزان شما و سروران ما می‌گذرد از پروردگار مقتدر و توانا عاجزانه به تمنا می‌خواهیم سال آینده با ظهورتان و انتقام از باطل مرهمی بر قلب سوخته‌ی ما باشد اگرچه دشمنان و کافران و منافقان آن را بعید می‌دانند ولی ما آن را نزدیک و به شوقش لحظه‌شماری می‌کنیم.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

پروردگارا ما را از هدایت یافتگان و اصحاب صراط مستقیم قرار بده.

بار الها به ما آن قدرت و شهامت عطا فرما که نه از انبوه کافران و منکران و ظالمان بترسیم و نه از حوادث سخت و مشکلات در هراس بی‌افتیم.

خداوندا روح لجاجت و بهانه‌جویی را از ما دور کن و توفیق پذیرش حق را به ما
مرحمت بفرما و دعای هر روز ما را که به التماس از تو می‌خواهیم اجابت بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع) ۱۵ اسفند ۹۸

حمد و سپاس در خور آفریننده‌ی جان‌هاست، جان‌هایی که لباس عزت و بندگی را بر قامت سروشان پوشانده و بر تخت خلیفه جلوس کرده و همه‌ی موجودات را به تحسین واداشته‌اند و عشق به الله را چنان در لطافتش عرضه نمودند که تا ابد همه‌ی قلب‌های مشتاق از شنیدن و دیدن آن به وجد آمده و سر از پا نشناسند.

پس شکر و ستایش بی‌شمار و بی‌پایان به وسعت و عظمت عرش با جلال و جبروت پروردگار توانا را سزاست. نیست معبودی غیر از ذات اقدسش که به راستی با برگزیدن خاتم رسولان حضرت محمد (ص) و امامان و اهل‌بیتش بر بشریت منت نهاد تا با انوار مطهر آنان که همان نشئت گرفته از انوار الهی است راه رستگاری را پیموده، به قرب الهی برسند.

ما در این شب در این کوی عشق به شادمانی میلاد یکی از ایشان نهمین خورشید امامت و شجاع در علم و دیانت و کمال ابا جعفر ثانی محمد بن علی حضرت امام جوادالائمه (ع) که همچون پدران و فرزندان بزرگوارش در راه مبارزه با ظلم و بی‌دینی همت والا داشته و در زمانه‌ای که حاکمان با جسارت بر علیه سنت و اهل‌بیت پیامبر دشمنی می‌کردند ایشان با عقل و درایت در راه هدایت مردم کوشا بودند و سردمداران خودخواه و حيله‌گر را که دنیا را بدون صاحب می‌پنداشتند در دنیا و آخرت رسوا نمودند.

همان‌گونه‌ای که امیر مؤمنان علی (ع) سران و حاکمان ظالم و حيله‌گر را مورد سرزنش قرار داده و عاقبت شومشان را به آنان فرمود که: شما زمین را خالی یافتید و دست‌های شما در زمین باز بود و کسی جلودار شما نبود. حلال دین را رها کردید. در این دنیا سایه‌ای گسترده دیدید و در صدد برآمدید که در آن بیارامید اما هر سایه‌ای را پایانی است که مرگ می‌باشد. این وضع شما را فریفته کرد و تصور نمودید که همواره همین‌طور خواهد بود ولی بدانید که هر خونی که ریخته شود خونخواه دارد و هر

حقی هواخواه. ای بندگان خدا نادانی خود را پناهگاه خویش قرار ندهید و از هوی و هوس پیروی ننمایید.

همچنین این روز مبارک مصادف است با میلاد مجاهد شش ماهه حضرت علی اصغر (س) که ره شصت ساله پیمود و در کربلا حماسه‌ای جاودان آفرید و رسم و آیین اطاعت از امام عصر خود را در دفتر زمان با خون گلوی خود نوشت و امضا کرد.

اینک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس مولایمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به تمنا ابراز می‌داریم: همان‌گونه‌ای که مادر گرمی‌تان حضرت فاطمه زهرا (س) فرمودند: ما نیز جزء منتظرانی هستیم که زمین و زمان در انتظار و اشتیاق ظهور شما هستند. سلام بر زمان آنگاه که اعلام می‌فرماید: منتظران آنچه در جام جانتان پنهان بود اینک بر صفحه ظهور آمده تا نقش‌ها را در ذخیره‌ها آشکار سازد. پس یاریم کنید تا رازی را آشکار کنم. اینک قلبم را که تقویم دورانی پنهان است می‌گشایم. زمانی که آیینه‌های حق قدم بر خاکی می‌گذاشتند که در تاب و تب حرارتی می‌سوخت اعلام می‌داشت ای گنجینه‌ی جانم مددکاری آمد تا مرا در این امانت یاری کند. او صاحب‌الزمان (عج) است و من شب و روز را در کنارش می‌گذرانم. پس پیشانی حق را بر بسترم می‌گستراندند تا توانم افزایش یابد.

پس بیایید در این شب مبارک دستان پر تمنایمان را به سوی آسمان احسان الهی بلند کنیم تا در ظهور دولت حقه مولایمان تعجیل بفرماید و با دستان ضعیفمان همچون حضرت علی اصغر (ع) دست پر قدرت امامت را گرفته و تا آخرین نفس رها نکنیم تا جاودانگی را معنا کنیم و برای برآورده شدنش فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۸ اسفند ۹۸

خطبه‌ی ولادت امیر مؤمنان (ع)

سلام بر یوم‌الدین، یومی مبارک، روز مرگ باطل، روز شکست شیطان و روز ظهور حق و عدالت. نامش را چه قلمی می‌نویسد و چه زبانی قادر است تا وصفش کند؟ آیا توان عقلی آدمیان از ازل تا ابد به نامش اندیشیده است؟ او کیست که اولین فریاد حق را همراه اولین تنفس زمینی‌اش در درون کعبه‌ی مکرمه به نمایش گذارده تا جای پایش تا قیامت معرف نامش باشد؟ پس او را ابوتراب خواندند تا خاک معنا شود. کدام خاک شاهی گویا خواهد بود بر پدري که در دامن خویش ابوتراب دیگری را به نمایش گذاشت. سیزده رجب چه طلوع با شکوهی را خبر می‌دهد. ذوالفقار به دیدنش می‌شتابد، خود را معرفی می‌کند، من همان تیغ بُرنده‌ای هستم که گلوی باطل را می‌درد تا عبد را معنا کند، پس پیشانی عبد می‌شکند، خون پاکش بر چهره‌ی مبارکش جاری می‌شود، ولی آرام نمی‌گیرد. چه سر پرشوری؛ تا قیامت شور هدایتش مردمان دهر را به خود می‌خواند. شیعه به وجود مبارکش افتخار می‌کند. او را به مدد جراحتهایی می‌خواند که جانش را مانند ریسمانی در خود پیچیده است. امروز ذوالفقار به ما می‌نگرد. برق تیغش در جان‌هایی اثرگذار است که توانسته باشند همراه امامت گردن باطل را آن‌چنان از تن جدا کنند که اثرش بشود شور عاشوراییان؛ شوری که به زمان محرم ختم نمی‌شود بلکه حرارتش را به جانش می‌خوراند تا با زبان دل با این ساعات پرشور درد دل کند، ساعاتی که به عاشورا نظر می‌کند و به زبانی که او را به محفل حقی دعوت کرده تا شنوای حقیقت جانش شود، زیرا جان این خانه تصویرتان را در شادی‌ها و غم‌ها مانند نقاشی ماهر در صندوقچه‌ی جانش به امانت نگه می‌دارد، پس سپاسگزار پروردگارتان باشید که آدرسش را یافتید.

اگر توانستید به واقع مهمانش باشید، پس امروز شیرینی نام علی بن ابی طالب (س) را در کامتان حس می‌کنید. مهربانی‌اش را در آغوش گرمش که همواره برای اسلام گشوده بود را با خود همراه کنید تا توان درک حق در جانتان مانند شرابی عمل کند که قرآن کریم به آن اشاره فرموده: که جان شما همواره دارای دو شراب مست کننده است، یا

از عشقش مست می‌شوید و یا از شَرش. اگر از شَرش مست شوید، فرق حق را می‌شکافید، آنگاه به دست حق قصاص می‌شوید.

پس صورتتان را به طرف کعبه‌ی مکرمه نزدیک کنید تا نوای داخلش را به گوش جان بشنوید. زمزمه‌ای شیرین فاطمه بنت اسد را خطاب می‌کند: فاطمه، پسری که در دامن گذارده‌ای برق نگاهش ویران کننده‌ی کاخ‌هایی است که مردمانش به صبح و شامی دل خوش‌اند که لقمه‌ی نانی و جرعه‌ی آبی زندگی‌شان را به اتمام می‌رساند. همواره در خیالشان دنیایی را ترسیم کرده‌اند که دارای سه وعده‌ی عبادت است. وعده‌ها از راه می‌رسد و به فرمانش جانشان آماده‌ی محضری که همواره از حقیقتش گریخته‌اند. پس مدال مسلمان شیعه به سینه‌هایی نصب می‌شود که آیات کریمه‌ی قرآن نشانش را فرموده، پس جانتان را به مدالش بیارآیید و مطمئن باشید هیچ حرکتی از چشم زمان پوشیده نیست.

آنچه در صفحه‌ی امروز نقش می‌بندد بیعت با حق است. بشتابید، فرصت عمرتان مانند عقربه‌ی ساعت به اتمامش نزدیک می‌شود، پیمان‌های جانتان را پر کنید تا صدای عاشوراییان را که همواره حقیقت خلقت را در آینه‌ی هدایت امامشان دیدند و با او ماندند نه با دنیایی که اثری از باطل را باقی نخواهد گذاشت.

اینک همگی به کعبه‌ی مکرمه نظر می‌کنیم تا از معمای جانی برآیمان صحبت کند که در درون جانش جای داده است، برای گشودن این رمز زیبا مُعلمش را می‌خوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۰ اسفند ۹۸

خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)

بار خدایا، ای پناه پناهندگان، ای نجات بخش پاکان، ای نگهدار بیچارگان و ای عطابخش گدایان، در این روز به سوی تو آمده‌ام با دلی شکسته و چشمی اشک‌بار، نادم و پشیمان، آلوده و گناهکار، با امید بخششِ جود و سخایت.

ای پروردگار کریم و مهربانم که سریع‌الرضایی و عذر پذیر بندگان خطاکار خود هستی پس به حق بزرگی و جلالت، رئوفی و رحمانیتت درگذر از من، از چشمه‌ی احسانت سیرابم کن و گوارا فرما آن را در این روز به کامم. معبودا آنچه از فضل و کرمات برایم مقرر فرمودی برکت بخش و مرا مشتاق عبادت و اطاعتت فرما تا بندگی‌ات را به عشقت آغشته کنم همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان حضرت زهرا (س) آن را توصیف فرمودند که:

سلام بر زمان آنگاه که شکافته شود و ثانیه‌هایش به سخن درآید، زمین جامه‌اش را از تن بیرون کند و آسمان نعمت‌هایش را باز پس گیرد. آنگاه ندایی همگان را به صحرائی فراخواند. آیا توان درک جانی را که همواره با خالق خویش در نجواست را دارید. او را به سرزمینی غریب آوردند، غربتی ناشناخته. اینک غربتش به وصلی مبارک بدل گشته تا زبانش با آوایی این‌گونه سخن آغاز کند. یا رب همواره به چهره‌ام نگریستم تا معمای غربتم را بشناسم ولی آنچه را دیدم رنج دوری از بارگاه با عظمتت بود پس این جان هجران کشیده را از رحمت بی‌منتهایت جدا نکن تا همواره از سرچشمه‌ی فضل و کرمات بنوشد و تو را در بزرگی و جلالت بستاید.

بله سرور عالمیان چه زیبا بیان فرمودند جان‌هایی را که در تمام عمر زمینی‌شان در رنج و سوز و گداز بودند و از غربت زمین به بارگاه پروردگار شکوه داشتند که امروز مصادف است با پرواز منور یکی از آنها که در تمام لحظات عمر به غیر از رضایت پروردگار چیزی نگفتند و عملی انجام ندادند و در این راه همه‌ی سختی‌ها و مصائب را به عشق رسیدن به قرب الهی عاشقانه تحمل کردند، ایشان کوه استوار صبر و

شکیبایی، اوج بندگی و اخلاص، معلم اخلاق و معرفت و عرفان و دارنده‌ی زبان و سخن شیوا و رسا و بُرنده، حضرت زینب کبری (س) هستند.

چگونه می‌شود درباره‌ی ایشان سخن گفت که از عجایب خلقت بودند، قلبشان اقیانوس مهر و عاطفه در برابر حق بود و مقابل باطل همچون کوهی استوار که در راه شام حضرت امام سجاد (ع) به حضرت زینب چنین فرمودند که: عمه جان پرچم این امانت در دستان شماست که ذوالفقار را بارها بوسیده‌اید و هر بار که لب مبارکتان را بر تیغ‌های ذوالفقار می‌گذاشتید امیر مؤمنان (ع) می‌فرمودند: آفرین بر زبانی که بُرندگی‌اش از ذوالفقار خطرناک‌تر است، جان کفر را می‌درد و جگرش را پاره پاره می‌کند پس بر آنچه مأمور هستی عمل کن و در صحرای کربلا در شب پنجم محرم حضرت زینب کبری سینه‌ی مطهرش را به خیمه‌ی امام حسین (ع) می‌چسباند و می‌فرماید: ای خیمه‌ی عشق چند روز دیگر در آتش کفر کافران خواهی سوخت ولی آتش عشقت تا قیامت جاودانه خواهد شد پس شاهد سینه‌ام باش که در این حرارت از آن آتش فروزان‌تر است، تو حق را در خود جا داده‌ای و من حق را با خود همراه خواهم کرد. جان عالم به فدای قلب سوخته‌ی حضرت زینب کبری (س) که با وجود آن همه غم و اندوه حق را چنان بر سر باطل کوبید که در تاریخ جاودانه شد.

اینک در این روز حزن و اندوه ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس مولایمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) بیانات عمه‌ی گرامی‌شان خطاب به خودمان را بیان می‌کنیم که به ما فرمودند: بگویید با ثروتی که به ارث بردید چه کردید؟ شما مزد رسولتان را در کجا و در کدام بازار فروخته‌اید و به چه بهایی؟ مودت ارث عظیمی است که بهای دینتان است؛ به یک ساعت و دو ساعت و یک روز و ده روز ختم نمی‌شود. مودت، کلید بازگشتتان از این سرزمین غریب است.

پس به فرموده‌ی حضرت زینب (س) مودت به اهل بیت فقط به عزاداری‌ها و مولودی‌ها ختم نمی‌شود بلکه مودت عمل به دستورات قرآن کریم و اطاعت و یاری امام عصر در مبارزه با باطل درون و بیرون ماست پس همان‌گونه‌ای که حضرت زینب (س) در ادامه می‌فرمایند تا دیر نشده با تمام داشته‌های خود در این راه قدم گذارید،

با جان و مال و فرزند مهاجرت کنید تا پروردگار جانهایتان را بخرد، این خرید و فروش همان است که پروردگار فرمود به این خرید و فروش شاد می‌شوید. شادی‌تان را با طعم عصاره‌ی هستی جاودانه کنید و او را بخوانید:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۶ اسفند ۹۸

خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)

حمد و شکر و سپاس و ستایش درخور و زیننده‌ی پروردگار حکیم و کریم و مهربان است که از سر لطف آنگاه که اراده فرمود تا جان جدا شده از بارگاه پر عظمتش در مکانی غریب ادامه حیات دهد، دو فرشته به نام‌های عتید و رقیب را همدم او ساخت تا همواره بوی عطر جایگاهش را به مشامش برسانند و او را در این دیار غربت با ریسمان اتصال به مکان اولیه‌اش مدد کنند، پس آفرین بر شانه‌ای که این اتصال را بزرگ‌ترین غنیمت جانش بداند و همواره بر آن تکیه کند تا غربتش با شیرینی حضور آنان به وصلی مبارک بدل گردد و فرشته‌ی عتید حضور خود را بر شانه‌ی آدمی این‌گونه اعلام نمود که: اینک ما مهمان جان آدمیان شدیم تا بر فراز جانشان که میعادگاه دعوت پروردگاران است قرار یابیم، من بر آنچه به آن مأمور شده‌ام سر تسلیم فرود آورده‌ام و هرگاه جز او را بخوانی بر دو گوشت آن چنان می‌کوبم که طنین صدایش در عرش شنیده می‌شود و آنگاه که پروردگار را می‌خوانی تو را به نوای جانم می‌نوازم تا عرشیان به تماشای جانی بشتابند که در ستایش خویش بر همگان پیشی گرفته است.

چه شیرین است این روایت از زبان مبارک سرور عالمیان، کوثر الهی حضرت زهرا (س) که راز غیبی را فاش فرمودند که همواره هم‌جوار آدمی است ولی متأسفانه ندیدن ظاهری آن باعث غفلت شده درحالی‌که همه‌ی رفتار و گفتار ما دقیقاً مورد ثبت و بررسی قرار می‌گیرد. باور این موضوع در عصر حاضر کم‌رنگ شده اما باید یقین داشت خداوند عالم انسان را در بزرگی و عزتش خلق فرمود و او را خلیفه‌ی خود نامید و همه‌ی خلقت را به اطاعتش واداشت و به حال خود رها نکرد بلکه همه‌ی آفرینش را به تماشای عملکرد او دعوت کرد و مأمورشان کرد تا در خدمت او باشند.

برای درک این موضوع بهره می‌گیریم بار دیگر از فرمایشات سرور عالمیان که فرمودند: برکات عالم آنگاه که ندایش دادند جان خویش را بگشا تا پیچیدگی‌ات را معنا کنی به

سخن درآمد و با زبانی شیوا اظهار داشت: پروردگارم، دل خشکیده و سردم را به امرت آنگاه که فرمودی پیش بیا تا دامت را به زیورهای بیارایم که درخشش نامت را آشکار سازد و من دست نیازم را گشودم و جان ضعیفم را بر خوان رحمت نشاندم، رشته‌ی محبت را زیور جان پر اسرارم کردم تا پویندگان به دنبال کشفش آن را بشکافند و ناله‌ی جان عاشقم را در عرش آسمان و زمین در جانشان ذخیره کنند، سپس به آغوشم بشتابند تا راز دلدادگی‌ام را به گوش جانشان بشنوند که این‌گونه سخن آغاز کنم: ای خلیفه‌ام، سر اطاعت بر آستان پر مهتر نهادم و آغوشم را به رویت گشودم، تو را همدم ساعت‌های عمرم خواندم تا آنگاه که پروردگارم مرا بخواند که آنچه در دل نهان کرده‌ای بیرون آر و من به شتاب تو را ترک گویم.

بله حقاً خلیفگانی به عالم قدم گذاشتند و در جایگاه عزتشان چنان وجود مقدسشان را در قالب بندگی و بزرگی به نمایش گذاشتند که همه‌ی آفرینش را به تحسین و ستایش وادار کردند که این شب‌ها مصادف است با عروج ملکوتی یکی از این خلیفگان الهی، ایشان هفتمین اختر آسمان ولایت و امامت، صاحب علم دیانت، خزانه‌دار دانش پیامبران، معدن وحی و صاحب علم یقین، امام شایسته عابد و زاهد مولای شیعیان موسی بن جعفر (ع) هستند که برکات و رحمت خداوند بر ایشان باد که با تحمل رنج و سختی‌های زیاد یکی از تدابیر در روش مبارزه با باطل را در تاریخ به ثبت رساندند و هم چون جد بزرگوارشان امام سجاد (ع) با مناجات‌های زیبا و هدایت‌گرشان سخت‌ترین دل‌ها را و فاسدترین انسان‌ها را چنان منقلب فرمودند که باعث وحشت هارون الرشید عباسی لعنت الله شد که فکر می‌کرد با نگهداری ایشان در سیاه‌چال زندان خود توانسته است انوار امامت و نعمت ولایت را محبوس نموده و دیگران را از این رحمت خداوندی محروم و خود را از ضربات کوبنده‌ای که بر پیکر افکار و سلطنت باطلش می‌زند مصون نماید؛ چون امام موسی کاظم (ع) هم چون پدران پاک و نیاکان طاهرینشان بر آزارها شکیبا بودند و آنچه از جانب خدا به عهده داشتند را به‌خوبی انجام دادند؛ برای مردم احکام خدا را تلاوت و امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند و عالم و عادل و صادق بودند؛ با اخلاص تمام در راه خدا جهاد کردند و عاقبت شهید شدند و به اعتراف زندانبان و کسانی که زندان امام را مشاهده کرده

بودند ایشان مخوفترین محل را با مناجات‌های دل‌نشین و زیبای خود به گلستانی بی‌نظیر بدل فرموده بودند. پس وای بر احوال دشمنان و بدخواهان اهل بیت پیامبر گرامی اسلام و خصوصاً دشمنان و بدخواهان امامان بر حق که چه عذاب و آتشی از قهر پروردگار کریم را برای خود و پیروانشان خریدند که در این مورد امیر مؤمنان چه زیبا فرمودند که: اگر آسمان‌ها و زمین به روی یکی از بندگان خدا تنگ بشود ولی آن بنده راه تقوی را پیش گیرد و به خداوند توکل داشته باشد خداوند راه گشایش را به روی او باز می‌کند، اگر هیچ مونس و محرمی جز حق برای خود نپذیرد و از هیچ چیز به اندازه‌ی باطل وحشت نداشته باشد، اگر از دنیایی که این‌همه مورد علاقه‌ی مردم است اندکی به خود اختصاص می‌دادی و آن‌ها می‌دیدند که تو به آن پایبند هستی از دشمنی آنان مصونیت داشتی.

اینک در این شب شهادت امام موسی کاظم (ع) ضمن عرض تسلیت به پیشگاه مقدس امام و مولایمان ابی‌صالح المهدی (عج) به وجود مبارکشان ابراز می‌داریم: ما دل‌سوختگان از غم شهادت پدرانمان منتظر دولت حقه‌ی شما هستیم تا در آن دولت رجعتشان را در بهار عدالت ببینیم تا مرهمی باشد بر جگر سوخته‌ی ما، پس سلام بر لحظه‌ای که فرمان الهی بر منتظرین حق ابلاغ می‌گردد و فضای سخت و ظلمانی زمین به انوار دولت ظهور مزین می‌گردد و خاک‌های مطهر تکان می‌خورد و نفس‌های زکیه بیدار می‌گردد تا بهار عدالت را فرمان‌بری کند، پس برای تحقق این وعده همه با هم فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج